مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

آغاز بیداری

روزنامه قیام پانزده خرداد

محمد تقی احمد پور



بسم الله الرحمن الرحیم

آغاز بیداری : ویژه نامه قیام پانزده خرداد

نویسنده:

محمدنقی احمدپور

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آغاز بیداری : ویژه نامه قیام پانزده خرداد

مشخصات کتاب

سرشناسه : احمدپور، محمدنقی

عنوان و نام پدیدآور : آغاز بیداری : ویژه نامه قیام پانزده خرداد/محمدنقی احمدپور ؛ تهیه کننده مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری : [۴، ۱۶۹] ص.

فروست : مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما؛ ۷۶۳

شابک : ۱۰۰۰۰ ریال ۹۶۴-۷۸۰۸-۹۳-۳

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۶۵] - ۱۶۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : ویژه نامه قیام پانزده خرداد.

موضوع : قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲.

موضوع : ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷ -- جنبشها و قیامها.

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی. استان قم.

رده بندی کنگره : DSR۱۵۳۳/الف۳آ۶ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۵

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۴۰۱۶۰

ص:۱

اشاره

دیباچه

قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ قیامی تأثیرگذار در تاریخ سیاسی ایران و جهان اسلام بود که با ماهیت اسلامی و مردمی شکل گرفت. این قیام نقطه عطفی در حرکت های مردمی به شمار می رود که زمینه ساز پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی در ایران گردید. مهم ترین ویژگی این قیام، رهبری حکیمانه مرجعیت شیعه، حضرت امام خمینی رحمه الله بود که با درایت و شجاعت بی نظیری در صحنه حضور یافت.

امام خمینی رحمه الله در رأس رهبری این حرکت پویا، دیگر مراجع شیعه را نیز همراه خود به میدان مبارزه آورد. بستر این قیام زمانی هموار شد که رژیم شاه برای اجرای نقشه امریکایی «انقلاب سفید» در بهمن ماه ۱۳۴۱ دست به کار شد. در مقابل، قم و دیگر شهرهای ایران به پا خاستند و به رهبری امام خمینی رحمه الله، قلب استبداد و استعمار را نشانه گرفتند. اعلامیه امام خمینی رحمه الله در مخالفت با انقلاب سفید شاه نخستین ضربه سهمگین را بر پیکر پوسیده استبداد شاهنشاهی وارد ساخت. این در حالی بود که علما و روحانیون و فعالان سیاسی دستگیر و روانه زندان می شدند و رژیم هرگونه ندای آزادی خواهی را خاموش می کرد. بدین گونه بود که فاجعه خونین مدرسه فیضیه در دوم فروردین ۱۳۴۲ در سالروز شهادت امام صادق علیه السلام به دست دژخیمان شاه رخ داد.

با فرا رسیدن محرم آن سال (خردادماه ۱۳۴۲) شور حسینی مردم، آنان را برای آفریدن عاشورایی دیگر آماده ساخت. امام خمینی رحمه الله در عصر عاشورا (۱۳ خرداد) آشکارا تمام بدبختی های ایران را برآمده از سیاست های ضد دینی رژیم شاه دانست.

این خطابه دل نشین که از شور حسینی برخاسته بود، خشم رژیم پهلوی را برانگیخت و به دستگیری رهبر قیام در نیمه شب ۱۵ خرداد انجامید. با انتشار خبر دستگیری امام در سراسر ایران، خروش زنان و مردان مسلمان در آسمان کشور طنین افکند و تظاهرات سیل آسای مردم در قم، تهران و دیگر شهرها با شعار «مرگ بر شاه»، کاخ ستم شاهی را به لرزه درآورد. دژخیمان پهلوی، بی رحمانه، به مردم هجوم آوردند و سروهای تناور انقلاب به دشنه خون آشامان پهلوی، بر سنگفرش خیابان ها به خون غنودند.

پژوهش حاضر تلاشی هر چند اندک برای تبیین و تحلیل درست قیام ۱۵ خرداد است که با هدف بهره برداری در برنامه های صدا و سیما تهیه شده است. با سپاس از پژوهشگر ارجمند، جناب آقای محمدنقی احمدپور که در تهیه این اثر ما را یاری دادند، امید است برنامه سازان و تهیه کنندگان محترم با بهره گیری از آن اثر، مردم فهیم به ویژه نسل جوان را هر چه بهتر و بیش تر با تاریخ انقلاب اسلامی آشنا سازند.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

قیام خونین پانزده خرداد سال ۱۳۴۲، نتیجه استبدادگری ها و دین ستیزی های حکومت استبدادی پهلوی بود که برای بقای تاج و تخت خویش و ادامه سلطه استعماری اربابان امپریالیستی اش بر ایران، به انقلاب ننگین و به اصطلاح «سفیدی» دست زد که برای نابودی ارزش ها و باورهای دینی و افزایش وابستگی اقتصادی ایران، برنامه ریزی شده بود؛ حکومتی که برای خشنودی اربابان خارجی خود، به کشتار عمومی دست زد و خون پاک بیش از پانزده هزار تن از مردمان این سرزمین را بر زمین ریخت تا هر چه بیش تر روی «انقلاب سفید» را با تبه کاری هایش سیاه تر کند!

قیام خونین سال ۴۲، جنبش مردان و زنان عاشورایی بود که بر اساس باورها و ارزش های اصیل اسلامی و آموزه های عاشورای حسینی و به پیروی از مرجعیت دینی، پایه های حکومت دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی را به لرزه درآورد و اساس حکومت اسلامی را پی ریزی کرد.

این نهضت که با شرکت همه گروه های مردمی شکل گرفت، چنان گسترده بود که خواب از چشمان استبداد داخلی و استعمار خارجی ربود و به دلیل ماهیت اسلامی و ضد استعماری اش، تمام قدرت های بزرگ شرق و غرب، برای سرکوبی آن به اتحاد نامقدسی دست زدند تا با پشتیبانی از حکومت ستمگر شاهنشاهی، ادامه سلطه استعماری خویش را بر ملت ایران تحکیم بخشند.

به همین دلیل، شاه مأموریت یافت تا با تمام توان و با به کارگیری استراتژی قهرآمیز نظامی، قیام اسلامی ملّت ایران را سرکوب کند. رژیم شاه با انجام این مأموریت، بیش از پیش چهره ضد دینی و ضد ملّی و نوکری خود به بیگانگان را بر همگان آشکار ساخت، ولی بـا همه خشونتی که رژیم در سرکوبی قیـام مردم نشان داد، نهضت تاریخی مردم دسـتاوردهای مهمی داشت که مهم ترین آن، پیروزی انقلاب اسـلامی در سال ۵۷ بود. بنابراین، بررسـی و شناخت دقیق ریشه ها و پی آمدهای این قیام که به عنوان سرچشـمه انقلاب اسـلامی شـمرده می شود، ضروری است. ما در این نوشتار برآنیم تا در حد توان به این مهم بپردازیم. امید است این تلاش ناچیز زوایایی هرچند اندک از این نهضت بزرگ را آشکارتر سازد.

فصل اول: زمینه ها و علل قیام ۱۵ خرداد

اشاره

فصل اول: زمینه ها و علل قیام ۱۵ خرداد

ریشه های قیام اسلامی پانزده خرداد را بایـد در عملکردهای ضـد دینی شاه جست وجو کرد که در قالب «اصلاحات» و با نام «انقلاب سفید» انجام می پذیرفت و البته به دستور امپریالیسم جهان و برای حفظ منافع خود در ایران بود.

وقتی جان. اف. کِنِدی در امریکا روی کار آمد (۱۹۶۱ م.)، سیاست استعماری این کشور برای نجات کشورهای زیر سلطه تغییر کرد. در آن زمان، جنبش های استقلال طلب و ضد استعماری در سراسر جهان در حال شکل گیری بود. بنابراین، کاخ سفید به این نتیجه رسیده بود که دیگر به زور سرنیزه و قدرت نظامی نمی توان بر ملت ها حکومت کرد و آن ها را زیر سلطه نگه داشت. از این رو، امریکا برای این که بتوانـد منافع خود را در کشورهای مستعمره حفظ کنـد، به این فکر افتاد که در آن کشورها یک سری اصلاحاتی انجام دهد و در مردم حالت «امیدواری» از بهبودی اوضاع ایجاد کند.(۱)

پیرو این سیاست استعمار نوین، ایران نیز در برنامه کاری سیاست مداران کاخ سفید قرار گرفت. امریکا در ایران منافع زیادی داشت و حاضر نبود به راحتی این کشور بزرگ و استراتژیک در منطقه و جهان را از دست بدهد. بنابراین، شاه از سوی امریکا مأموریت یافت تا در ایران اصلاحاتی انجام دهد

۱- سید حمید روحانی زیارتی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، دفتر انتشارات اسلامی، آذر ماه ۱۳۶۱، چ ۲، ج ۱، ص ۱۱۹.

و بدین بهانه از جنبش ها و قیام های مردمی جلوگیری کند، ولی آغاز اصلاحات در ایران، واکنش شدید مردم و رهبران دینی آنـان را در پی داشت که سـرانجام به قیام ۱۵ خرداد انجامیـد. در این فصـل، عوامـل زمینه ساز این نهضت را که سـبب خیزش مردم شد، در دو بحث زمینه ها و علل قیام بررسی خواهیم کرد.

الف) زمینه های آغاز قیام ۱۵ خرداد

اشاره

الف) زمینه های آغاز قیام ۱۵ خرداد

زیر فصل ها

۱. اصلاحات ارضی

۲. لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی

۳. رفراندوم

۴. حمله به مدرسه فیضیّه

۵ . دستگیری امام خمینی رحمه الله

۱. اصلاحات ارضی

۱. اصلاحات ارضی

نخستین اصل اصـلاحات پیشـنهادی امریکا که در ایران به نام «انقلاب سـفید» مطرح شـد، «اصـلاحات ارضـی» بود. اجرای این اصـل، ساختـار اجتمـاعی و اقتصـادی ایران را به طور کلی دگرگون می کرد. در آن زمـان، در ساختار اجتماعی ایران دو طبقه قدرتمنـد وجود داشت که با سـیاست های شاه و امریکا هم سو نبودنـد. بنابراین، لازم بود این ساختار دگرگون می شد تا هیچ مانعی بر سر راه عملکردهای شاه قرار نگیرد.

اولین گروه، روحانیان بودند که به دلیل نفوذ در میان توده های مردمی و داشـتن پایگاه مردمی و شـرکت فعال در فعالیت های سیاسـی و اجتماعی، مانع بزرگ عملکردهای شاه بودند. طبقه دوم، فئودال ها و خاندان های اشرافی و زمین داران بزرگ ایران بودند.(۱) از این رو، شـاه می کوشـید بـا انجـام دگرگـونی هـا در ساختـار جـامعه، قـدرت این گروه هـا را در هم بشـکند. این دگرگون هـای در چارچوب انقلاب سـفید شاه خلاصه می شـد که یکی از اصول آن، اصـلاحات ارضـی بود. با انجام انقلاب سفید قرار بود موازین سنتی و پایگاه

۱- علی باقری، خاطرات ۱۵ خرداد، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر هفتم، چ ۱، ۱۳۷۸، صص ۱۳ و ۱۴.

سیاسی و اجتماعی مالکان و کشاورزان از میان برود.

گفتنی است که انجام نخستین اصل از اصول انقلاب سفید، منافع فئودال ها و سرمایه دارهای بزرگ وابسته به شاه را به خطر می انداخت. بنابراین، شاه برای انجام اصلاحات ارضی چندان تمایلی نشان نمی داد، ولی چون امریکا برای حفظ منافع خویش در ایران و گسترش سلطه بر این کشور، در پی انجام اصلاحات پیشنهادی خود به هر راه ممکن بود، بر شاه فشار آورد تا اصلاحات را عملی کند و تا آخرین مرحله آن را پی گیرد. سرانجام با فشار دولت امریکا، شاه لایحه ناقصی را به مجلس فرمایشی برد، ولی چون شرایط اجرای آن فراهم نبود، متوقف ماند.

این نیرنگ بازی و سر باز زدن شاه از انجام دستورهای امریکا، مقام های کاخ سفید را به واکنش شدیدی وا داشت و دولت امریکا در پایان سال ۱۳۳۹ ه . ش، در پیام شدید اللحنی از شاه خواست دکتر علی امینی را به نخست وزیری برگزینند تا اصلاحات امریکایی (انقلاب سفید) به دست او اجرا شود. بنابراین، علی امینی در ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ ه . ش وارد عرصه سیاست ایران شد و توانست با وعده و وعید به مردم، و سخنرانی های فریبنده حالت «امیدواری کاذبی» را که خواست اربابان امریکایی بود، به وجود آورد.

از سوی دیگر، شوروی در آن زمان می کوشید از ناخشنودی مردم علیه شاه بهره گیرد و «انقلاب سرخ» را در ایران اجرا کند. از این رو، امریکا برای جلوگیری از نفوذ شوروی در ایران، بر انجام انقلاب سفید پافشاری می کرد.(۱)

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ص ۱۲۲.

در تاریخ ۱۹ دی ماه ۱۳۴۰ ه . ش، علی امینی با شتاب هر چه بیش تر دست به کار شد و قانون اصلاحات ارضی را با هدف نابودی کشاورزی ایران و خشنودی کاخ سفید در هیأت دولت، به تصویب رساند. به موجب این قانون، باید زمین های کشاورزی از مالکان بزرگ خریداری می شد و در مدت ده سال، بهای آن پرداخت می گردید و با اقساط ۵۰ ساله به زارعان و دهقانان محروم واگذار می گشت. هم چنین هرگونه صدای مخالف با آن و هرگونه ندای آزادی بخش در سطح کشور باید سرکوب می گردید، چنان که تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران در بهمن ماه همان سال به شدت سرکوب شد.

در پی تصویب قانون «اصلاحات ارضی»، روزنامه ها و رسانه های غربی وابسته به امپریالیسم جهانی، هم صدا به تحسین عملکرد شاه پرداختند و آن را برای آینده ایران امیدبخش معرفی کردند. مقام های غربی با ابراز خشنودی از انجام اصلاحات در ایران، لحظه به لحظه دگرگونی های جامعه ایران را دنبال می کردند. روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۴۱ ه . ش می نویسد:

مقامات امریکایی، شاهنشاه را به خاطر برنامه اصلاحات ارضی که تحت هدایت شان (امریکایی ها) اجرا می شود، می ستایند. یک مقام عالی رتبه امریکایی که با اوضاع ایران آشنایی فراوان دارد، اظهار داشته است اصلاحاتی که در حال حاضر در ایران جریان دارد و برنامه سخت گیری مالی و اقتصادی که به منظور نجات کشور اجرا می شود، مشتمل بر همان سیاستی است که از نظر پرزیدنت کندی بسیار درست و مترقی است... مقامات رسمی واشنگتن مخصوصاً به برنامه اصلاحات ارضی ایران که به وسیله آن قدرت طبقه ملّاکین بزرگ و صاحب نفوذ قدیم درهم شکسته می شود، با نهایت دقت [می نگرند] و از این که با اجرای اصلاحات، طبقه بزرگ دهقان ایران، به صورت یک طبقه

جدید و مرفه اجتماعی درمی آیند، بسیار خرسند هستند.(۱)

چستر پاولز ــ مشاور ویژه کندی ــ که برای بررسی چگونگی اجرای اصلاحات به ایران سفر کرده بود، در مصاحبه های مطبوعاتی خود با ابراز خوش حالی از اصلاحات، به تهدید غیر مستقیم شاه پرداخت و گفت کمک های نظامی و اقتصادی امریکا تنها به کشورهایی داده می شود که اصلاحات مورد نظر امریکا را انجام دهند. پس از آن، دولت ایران برای انجام انقلاب سفید امریکا مصمم تر شد. علی امینی در اجتماع کارگران و کارفرمایان کارخانه ها، با عادی توصیف کردن اوضاع کشور و امید بخش خواندن آن گفت:

... این دولت یک انقلاب سفید را از نظر مصلحت مردم ضروری تشخیص داده و دنبال آن است. تقاضای من از آقایان این است که دردسرها را زیاد نکنند.(۲)

دولت امریکا برای اجرای کامل اصلاحات امریکایی با نام «انقلاب سفید»، شاه را احضار کرد تا از نزدیک روش های اجرای برنامه های امریکایی را در ایران به او یاد دهد و در عوض، به شاه اطمینان داد که کمک های نظامی و اقتصادی خود را به ایران افزایش خواهد داد. شاه، علی امینی را رقیب تازه ای در برابر خود می دید که در صورت سرپیچی از دستورهای اربابانش، ممکن بود جانشین وی شود. از این رو، به امریکا تعهد داد که اصلاحات امریکا را

۱- روزنامه اطلاعات، ۲۶ بهمن ۱۳۴۰.

۲- روزنامه اطلاعات، ۲۱ بهمن ۱۳۴۰.

کاملاً اجرا کند. و در مقابل، امریکا نیز پذیرفت که علی امینی از صحنه سیاسی کنار گذارده شود. شاه پس از بازگشت، علی امینی را کنار گذاشت و اسدالله علم را که مورد اطمینان خودش بود، به نخست وزیری برگزید.

امریکا پس از اصلاحات ارضی، لازم دید که برای اجرای کامل برنامه های خود در قالب انقلاب سفید، رژیم ایران باید جاسوس های خود را در قالب سپاه دانش، سپاه بهداشت، سپاه ترویج آبادانی و... به روستاها بفرستد تا با امیدوار کردن مردم به آینده اصلاحات، از نفوذ اندیشه های انقلابی و آگاهی بخش به روستاها جلوگیری کنند.(۱) رژیم به خوبی می دانست که اجرای انقلاب سفید و اصلاحات امریکایی با مخالفت هایی در میان گروه های مردمی روبه رو خواهد شد. شاه از احزاب و گروه های سیاسی چندان احساس خطر نمی کرد؛ زیرا در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، فعالیت چندانی از سوی آن ها انجام نگرفته بود، ولی قدرت و نفوذ علما را در جریان ملی شدن صنعت نفت لمس کرده بود و از گسترش مخالفت عالمان دینی و مراجع تقلید نگران بود. از این رو، برای ارزیابی میزان قدرت آن ها و اطلاع از پایگاه مردمی آن ها لازم بود حادثه ای رخ دهد تا مبارزان و مخالفان به میدان آیند و قدرت خود را نشان دهند. رژیم قصد داشت با ارزیابی قدرت آن ها، از سطح اندیشه های آنان نیز آگاهی یابد و راه های سرکوبی و اغفال مردم و چگونگی انجام انقلاب سفید خود را بررسی کند. بنابراین، ماجرای «انجمن های ایالتی و ولایتی» را پیش

۱- بررسی و تحلیلی نهضت امام خمینی رحمه الله، ص ۱۲۹.

کشید.

۲. لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی

۲. لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی

در ۱۶ مهر ماه ۱۳۴۱، دولت علم در حالی که مجلس شورا و سنا تعطیل بود، لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی را در هیأت دولت به تصویب رساند. به موجب این لایحه، قید اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان حذف و به جای سوگند به قرآن، سوگند به کتاب آسمانی گنجانده شد. هم چنین زنان از حق رأی برخوردار شدند.(۱)

رژیم از این اقدام ضد اسلامی، اهداف گوناگونی را دنبال می کرد که یکی از آن ها، ارزیابی نیروها و گروه های سیاسی و مذهبی و آگاهی از میزان قدرت آن ها بود. دیگر این که زمینه را برای دستبرد زدن به قانون اساسی فراهم کند تا موادهای قانونی را که مانع اجرای برنامه های هیأت حاکم بود، تغییر دهد. هم چنین رژیم می خواست با تجاوز به ساحت قرآن و از میان بردن مبانی مذهبی، زمینه را برای فعالیت اقلیت های مذهبی به ویژه یهودیان و بهاییان که عوامل جاسوسی صهیونیسم در ایران بودند، فراهم کند. از سوی دیگر، در این مصوبه، به زنان حق رأی داده شد. این در حالی بود که مردم ایران از بسیاری حقوق اولیه و اساسی خود محروم بودند و عامل اصلی عقب ماندگی ایران و از میان رفتن حقوق زن و مرد، سیاست های نابخردانه خود شاه بود. شاه می خواست به اسم آزادی زنان و دادن حق رأی به آنان، نیمی از جمعیت

۱- محمد ایمانی، مؤلفه تاریخی مدنیت ولایی در ایران، تهران، کیهان، ۱۳۷۹، ص ۲۵۷.

کشور را همراه خود کنـد. به ویژه این که این موضوع همراه بـا اهانت به قرآن و مـذهب مردم صورت می گرفت. رژیم با این حرکت می خواست زنـان را در مقابـل مبـارزات مـذهبی قرار دهـد. این در حـالی بود که تکلیف صـندوق هـای رأی با آرای دروغین و کاندیداهای هیأت حاکمه و ساواک از پیش مشخص شده بود.(۱)

با ابلاغ لایحه ضـد اسـلامی یاد شـده، مردم و گروه های مـذهبی و سیاسـی واکنش تنـدی نشان دادنـد.از جمله این گروه ها و احزاب، نهضـت آزادی بـود کـه در پی اعـتراض عالمـان دینی، بـا صـدور اعلامیه ای در محکـومیت لایحه دولت، از مبـارزه روحانیت پشتیبانی کرد. همان گونه که رژیم پیش بینی می کرد، روحانیان بزرگ ترین مانع بودند که نمی گذاشتند حکومت پهلوی با خیال راحت، برنامه های خویش را اجرا کند. علما و روحانیان و مراجع قم، اولین جلسه سیاسـی خود را در منزل آیت اللّه حائری تشـکیل دادنـد و اعلامیه ای در محکومیت عملکردهای دولت صادر کردنـد. امام خمینی رحمه الله در این جلسه، با توضیح و روشن کردن توطئه های استعمار، خطر صهیونیسم را به آنان و مردمِ مسلمان کشور گوشزد کرد و آشکارا فرمود:

هرکس سکوت کند، در پیشگاه خداوند قاهر مسئول است و در این عالم، محکوم به زوال. هر چه مخالف دین و قرآن باشد، ولو قانون اساسی، ولو التزامات بین المللی باشد، ما با آن مخالفیم.(۲)

۱- علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام، ج ۴، ص ۱۴۱.

۲- هفته نامه پیام انقلاب، سپاه پاسداران، شماره ۶۰، ۲۲ خرداد ۱۳۶۱، صص ۳۵ _ ۳۶.

هم چنین امـام خمینی رحمه الله در سـخنرانی تاریخی خود که در دوم ذیحجه ۱۳۸۳ ه . ق بیـان کرد، درباره دادن حق رأی به زنان فرمود:

مـا بـا ترقی زنان مخالف نیستیم. ما با این فحشا مخالفیم. با این کارهای غلط مخالفیم. مگر مردها در این مملکت آزادی دارند که زن ها داشته باشند؟! مگر آزادی زنان و آزادی مرد با لفظ درست می شود.(۱)

روحـانیت که به رهبری امـام خمینی رحمه الله، به طور جـدی به مخـالفت بـا عملکردهـای رژیم برخـاست. البته تغییر در قانون اساسـی نشانگر ارتجاع دولت بود که فکر می کرد هنوز می شود در پشت درهای بسته برای مردم قانون نوشت و اجرا کرد. در واقع، این کـار دولت تـوهین به اصول مشـروطیت نیز بود که سـبب شـد ملی گراهـا نیز اعـتراض کنند(۲) و به صف مخالفـان بپیوندنـد. افزون بر آن، توهین به دین و مقـدسات مذهبی، برای عموم مردم تحمل پذیر نبود. بنابراین، روحانیت مبارزه خویش را وارد مرحله جدیـدی کرد. در مرحله نخست، روحـانیت با ارسال تلگرافی، با آن لایحه ضـد اسـلامی و ضـد قانونی مخالفت کردنـد و خواسـتار لغو آن شدنـد، ولی دولت عَلَم به اخطار علما چندان توجهی نکرد و خواست بدین طریق آن ها را ناتوان و کوچـک شـمارد. امـام با درایتی که داشت، در نامه ای، عالمان و روحانیان دیگر شـهرها را نیز از متن آن مصوبه، آگاه کرد و مردم را به مبارزه فرا خواند و فرمود:

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ص ۱۴۵.
۲- نهضت آزادی در این بـاره اعلاـمیه ای صـادر کرد و بـا حمـایت از حرکت روحانیان، عملکرد دولت را محکوم کرد. نک: بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ص ۱۸۴.

هرکس سکوت کند، در پیشگاه خداوند مسئول است و در این جهان محکوم به زوال.

بـا انتشـار این خـبر در میـان تـوده هـا، جنب و جـوش، سراسـر ایران را فرا گرفت. رژیم وقـتی اوضـاع کشور را آشـفته دیـد، با روسیاهی تمام در ۱۷ آذرماه ۴۱، آن لا‌یحه ننگین را لغو کرد و بـا خواری تمـام عقب نشـست، ولی امام و روحانیت به خوبی می دانسـتند که این عقب نشـینی تـاکتیکی است و رژیم در فرصت منـاسب به علما و اسـلام ضـربه خواهـد زد. این حقیقت به زودی آشکار شد و رژیم تحت فشار دولت امریکا به برگزاری همه پرسی برای اصلاحات در کشور اقدام کرد.

۳. رفراندوم

۳. رفراندوم

با تهدیدها و اعمال فشار امریکا، سـرانجام شاه تصـمیم گرفت اصلاحات پیشنهادی امریکا را در ایران اجرا کند. در آن شرایط، مجلس منحل شـده بود و شاه به وسـیله دولت دست نشانـده اسدالله عَلَم قانون وضع می کرد و ملت نیز محکوم به پیروی از آن بودنـد. برای این که عملکردهای آن ها چشم گیر جلوه کند، نابودی کشور و گسترش سـلطه امپریالیسم را «انقلاب سـفید» نام نهادنـد و برای این که در مجامع بین المللی عملکرد آن ها دموکراتیک و آزادانه وا نمود شود، به رفراندوم روی آوردند، ولی از آن جا که رفراندوم در ایران پیشـینه خوبی نداشت (در زمان مصدق، دولت به سبب انجام رفراندوم مورد تعقیب قانونی قرار گرفته بود)، نام آن را «تصویب ملی» گذاشـتند. شاه که خود را یکه تاز میـدان سـیاست ایران می دانست، در سـخنرانی ۱۹ دی ماه ۱۳۴۱، طرح ابتکاری خویش را چنین اعلام کرد:

اصولی که من به عنوان پادشاه مملکت و رئیس قوای سه گانه، به آرای عمومی

می گذارم و بدون واسطه و مستقیما رأی ملت ایران را در استقرار آن تقاضا می کنم، به شرح ذیل است:

۱. الغای رژیم ارباب و رعیتی یا تصویب اصلاحات ارضی ایران، بر اساس لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۹ دی ماه ۴۰ و ملحقات آن؛ (این لایحه که اولین اصل انقلاب سفید شاه بود، در زمان دولت علی امینی به تصویب رسیده بود).

۲. تصویب لایحه قانون ملی کردن جنگل ها در سراسر کشور؛

۳. تصویب لایحه قانون فروش سهام کارخانجات دولتی به عنوان پشتوانه اصلاحات ارضی؛

۴. تصویب لایحه قانون سهیم کردن کارگران در منافع کارگاه های تولیدی و صنعتی؛

۵. لایحه اصلاحی قانون انتخابات؛

۶ . لایحه ایجاد سپاه دانش به منظور اجرای تعلیمات عمومی و اجباری.(۱)

با اعلام خبر اصول شش گانه شاه، خبرگزاری های غربی با تبلیغات گسترده، به حمایت از عملکردهای شاه برخاستند و پیش بینی کردند که اکثریت مردم ایران در این همه پرسی شرکت خواهند کرد. وضع سیاسی کشور بسیار حساس بود. احزاب و گروه های سیاسی که مخالف رژیم بودند، به آشفتگی و سردرگمی افتاده بودند. آن ها در بعضی موارد، به عملکردهای اصلاحی شاه خوش بین بودند، ولی از خوی استبدادگر رژیم وحشت داشتند و نمی توانستند تصمیم درستی بگیرند. سرانجام آن ها موضع خود را با ساخت شعار «اصلاحات آری! دیکتاتوری نه!» اعلام کردند. این شعار حتی وابستگان آن گروه ها را نیز قانع نمی کرد؛ چون رفراندوم تنها یک جواب داشت؛ آری یا نه.

۱- سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱، ج ۲، صص ۱۰ و ۱۱.

از این رو، نمی شد به پرسشی که تنها یک جواب داشت، هم جواب مثبت و هم جواب منفی داد.

روحانیت پس از بررسی اصول پیشنهادی شاه، به مخالفت برخاستند و با فرستادن نماینده خود، آیت اللّه روح اللّه کمالوند مخالفت خویش را به آگاهی شاه رساندند. شاه در پاسخ به مراجع گفت که ماندگاری رژیم او به انجام اصلاحات بستگی دارد و اگر او به این کار دست نزند، دیگران اصلاحات را انجام خواهند داد و اگر آنان سر کار بیایند، مسجد و محراب را بر سر علما خراب خواهند کرد. سپس به علما اطمینان داده که اگر با رفراندوم پیشنهادی وی موافقت کنند، همه خواسته های آن ها را برآورده خواهد کرد.

با مخالفت علما، مردم نیز به مراجع روی آوردند تا فعالیت ها و تصمیم هایشان با مراجع تقلید و رهبران دینی هم سو باشد. برای مثال، امام خمینی رحمه الله در پاسخ به پرسش گروهی از مردم تهران، دلیل مخالفت علما و روحانیون را این گونه عنوان کرد:

در قوانین ایران رفراندوم پیش بینی نشده است و قبلاً عده ای به خاطر انجام این کار مورد تعقیب قرار گرفته اند؛ چرا آن موقع غیر قانونی بود، اکنون قانونی شده است؟! باید صلاحیت فرد یا افرادی را که رفراندوم برگزار می کنند، قانون مشخص کند. هم چنین در کشورهایی که رفراندوم قانونی است، مردم فرصت کافی برای بحث و تبادل نظر دارند؛ نه این که به طور مبهم و با چند روز فاصله کوتاه به مردم ابلاغ شود. دیگر این که بیش تر مردم ایران به غیر از شهرهای مرکزی با معنی آن آشنایی ندارند.(۱)

۱- نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۲۰۵.

امام و مراجع بر آن بودنـد که رأی گیری بایـد در محیط آزاد و به دور از تهدید و تطمیع صورت گیرد، در حالی که رفراندوم شـاه برای سـرپوش گذاشـتن بر روی خفقان و اسـتبداد بود و می خواست به دست خود مردم، اسـتبداد را قانونی جلوه دهـد. با پخش اعلامیه امـام خمینی رحمـه الله مبنی بر تحریـم رفرانـدوم، مردم تهران و دیگر شهرسـتان هـا پشـت سـر علمـا بـه حرکت درآمدنـد و بـا شـعار «رفرانـدوم قلابی، مخالف اسـلام است»، به راه پیمایی پرداختنـد. بازار چنـد روز تعطیل شـد و راه پیمایی کننـدگان با پلیس درگیر شدند. در این راه پیمایی، تقریبا همه گروه های مردم، دانشـجویان، روحانیان، کارگران، کشاورزان، بازاریان و... شرکت داشتند. که نشانگر آگاهی آنان از توطئه ها و دسیسه های پشت پرده اصلاحات فرمایشی بود.(۱)

شاه در چهارم بهمن ماه، پیش از انجام همه پرسـی، به قم رفت تا به مردم نشان دهد که علما با شاه مخالف نیسـتند، ولی در قم هیچ گونه اسـتقبالی از شاه به عمل نیامد. از این رو، شاه خمشگین شد و در سخنانش، روحانیان را «ارتجاع سیاه و مفت خور و کسانی» خواند «که مغزشان سال هاست تکان نخورده» و اعلام کرد «روحانیون صد برابر خاین تر از حزب توده» هستند.(۲)

بـا همه مخالفت های مردمی رفرانـدوم در ۶ بهمن ۱۳۴۱ انجـام گرفت، ولی علمـا آن را تحریم کردنـد. بیش تر مردم در رأی گیری شرکت نداشتند، ولی

۱- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۳.

۲- روزنامه های اطلاعات و کیهان، ۴ بهمن ۱۳۴۱.

رسانه های داخلی و خارجی وابسته به غرب، حضور مردم در پای صندوق های رأی را بی مانند و شورانگیز توصیف کردند و اعلام کردند اصول پیشنهادی شاهنشاه با پنج میلیون و ششصد هزار رأی موافق در مقابل چهار هزار و صد و پنجاه رأی مخالف به تصویب ملی رسید. کندی و ملکه انگلستان عملکردهای شاه را ستودند و این پیروزی را به وی تبریک گفتند.

ماه رمضان که فرا رسید، علما و روحانیون از رفتن به مسجدها و منبرها سر باز زدند. به دنبال آن، وضع فوق العاده ای در کشور به وجود آمد، ولی شاه توانست به وسیله سازش با شماری از عالمان معتدل، این اعتصاب را بشکند. پس از آن، شاه در یک سخنرانی، دین را از سیاست جدا دانست و راه رسیدن به پیشرفت را کنار گذاشتن مذهب از تمام شئون زندگی برشمرد و عنوان کرد:

انقلاب بزرگ ملی ما بدون خون ریزی، با کمال سرعت پیشروی می کند.(۱)

امام با در نظر گرفتن سخنان شاه و دولت به طلاب فرمود:

خود را آماده کنید برای کشته شدن، زندان رفتن، سربازی رفتن، ضرب و شتم و اهانت، برای تحمل مصایبی که در راه دفاع از اسلام و استقلال برای شما در پیش است. خود را آماده کنید و استقامت نمایید.

امام با این سخنان، نهضت و مبارزه را وارد مرحله تازه ای کرد. رژیم نیز پس از آن، برای رویارویی با روحانیت تصمیم جدّی گرفت.

۴. حمله به مدرسه فیضیّه

۴. حمله به مدرسه فیضیّه

با فرا رسیدن نوروز سال ۱۳۴۲ ه . ش، مردم مسلمان ایران به قم و زیارت

۱- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۹.

حرم حضرت معصومه علیهاالسلام آمده بودند تا هنگام مراسم تحویل سال در مکان مقدسی حضور یابند و با توجه به اوضاع سیاسی کشور، از نزدیک با مراجع و روحانیان در تماس باشند.

امام خمینی رحمه الله در یک تصمیم شجاعانه، عید آن سال را عزای عمومی اعلام کرد و با برشمردن جنایت های رژیم و نقشه ها و دسیسه های دستگاه حاکمه، از جمله وابسته کردن ایران به امریکا و اسرائیل، فاسد کردن جامعه از راه اعزام دختران به خدمت نظامی اجباری و اهانت رژیم به قرآن، اسلام و روحانیت، خواستار کناره گیری دولت از قدرت شد. اگر امام در سخنان پیشین به دولت حمله ور شده بود، این بار خود دستگاه حاکمه را عامل همه جنایت ها و خیانت ها معرفی کرد و شجاعانه به مبارزه رو در رو با رژیم استبدادی شاه برخاست.

دستگاه حاکمه و ساواک که گمان می کرد هرگونه ندای آزادی خواه و مخالف را سرکوب کرده است، ناگهان متوجه شد که مخالفت ها و مبارزه روحانیت، ریشه دارتر از آن است که آن ها فکر می کردند. آنان دیدند که حتی مراسم جشن های ملی نیز به مراسم و گردهم آیی های مخالفت با رژیم تبدیل شده است و آتش این نهضت و مبارزه رفته رفته شعله ورتر می شود. بنابراین، تصمیم گرفتند این شعله را از سرچشمه خاموش کنند؛ یعنی روحانیت را برای همیشه سرکوب سازند و چنین عنوان کنند که کارگران و دهقانان به روحانیانی که مخالف اصلاحات بودند، حمله کرده اند. هم چنین تصمیم گرفتند در سراسر جهان تبلیغ کنند که هر گروه و هر کسی که در برابر انقلاب سفید شاه قرار گیرد، از میان خواهد رفت.

بر اساس همین بررسی ها، عناصر ساواک در لباس کارگران و دهقانان با اتوبوس های شرکت واحد به قم آمدند و در پی آن ها، کامیون های نظامی وارد شهر شدند(۱) و به محاصره نقاط حساس پرداختند. در عصر روز دوم فروردین برابر با ۲۵ شوال ۱۳۸۲ ه . ق که سالروز شهادت امام جعفر صادق علیه السلام بود، مراسم سوگواری در مدرسه فیضیه برگزار شد و یکی از روحانیان به افشاگری علیه رژیم و ذکر مصیبت های امام صادق علیه السلام پرداخت. عناصر رژیم که در مجلس نفوذ کرده بودند، با فرستادن صلوات های بی جا اوضاع را آشفته کردند و مراسم سخنرانی را به هم ریختند. درگیری میان دهقان نماها و طلاب و مردم درگرفت و نظامیان رژیم که مدرسه را محاصره کرده بودند، به طلاب حمله ور شدند مزدوران شاه با به آتش کشیدن کتاب ها و حجره های طلبه ها، شماری از آنان را از طبقه های بالای مدرسه به پایین انداختند و برخی را زخمی و ده ها نفر را نیز شهید کردند. فیضیّه به خاک و خون کشیده شد و سنگر مبارزه روحانیت به اشغال رژیم درآمد.

خبر جنایت ها و وحشی گری های رژیم، در سراسر ایران حتی در روستاهای دورافتاده گزارش شد و رسوایی بزرگی برای رژیم در نخستین مراحل انقلاب سفید به بار آورد. امام خمینی رحمه الله با درک درست و تحلیل دقیق رویدادها، این رفتار وحشیانه را پیروزی برای نهضت برشمرد و با صدور اعلامیه ای، مبارزه ملت علیه شاه را وارد مرحله جدید کرد؛ در حالی که در این زمان، به علت شدت

۱- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۲۵.

وحشـی گری هـای رژیم حتی برخی از علمـا به تقیّه روی آورده و از پیروزی ناامیـد شـده بودنـد. امـام در این اعلامیه، فتوای تاریخی خویش را با این مضمون اعلام کرد:

تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب (ولو بلغ مابلغ) ... من اکنون قلب خود را برای سـرنیزه های مأمورین شما حاضر کرده ام، ولی برای قبولی زورگویی ها و خضوع در مقابل جباری های شما حاضر نخواهم کرد.(۱)

فتوای تـاریخی امـام مؤثرترین و روشن ترین دسـتوری بود که همه مردم به ویژه روحانیت را به جنبش و پویایی وا داشت. امام در این فتوا، تسلیم و فکر عقب نشینی را مردود دانست و آشکارا اعلام کرد که ما آماده شهادتیم.

۵ . دستگیری امام خمینی رحمه الله

۵ . دستگیری امام خمینی رحمه الله

امـام خمینی رحمه الله که از سـال ۱۳۴۱ و در پی انقلاب سـفید شاه، فعالیت های سیاسـی و ضـد اسـتبدادی خود را به صورت برنامه ریزی شده آغاز کرده بود، با سـخنرانی ها و افشاگری های خود به نهضت روحانیت و مبارزه مردم جان تازه می بخشید. ایشان رفته رفته با بیانی کوبنـده تر و شدیـدتر، سـرانجام خود شاه را عامل همه بـدبختی ها به مردم معرفی کرد. آن حضـرت با وارد کردن به نهضت مرحله جدید و با حمله مسـتقیم به شاه، راه چاره و نجات را در سرنگونی رژیم شاهنشاهی می دانست. با فرا رسیدن محرم ۸۲ ه . ق که بـا خردادماه ۴۲ ه . ش برابر بود، امـام این ماه تاریـخ ساز را برای آغاز نهضت اسـلامی خویش منـاسب دیـد و به علمـا و روحانیـان پیغـام داد که در مسـجدها و منبرهـا به افشـاگری جنـایت های رژیم بپردازنـد و مردم را از خطرهایی که متوجه اسلام است و

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، صص ۳۷۲ و ۳۷۳.

قرآن و روحانیت را هدف قرار داده است، آگاه کنند. ایشان بزرگ ترین خطر جهان اسلام را صهیونیسم معرفی کرد و از رابطه پنهان رژیم با اسرائیل و دشمنان اسلام، پرده برداشت.

در پی افشاگری های امام، راه پیمایی های سراسری به راه افتاد و مردم در یک خیزش همگانی که همه گروه های مردمی در آن شرکت داشتند، پایه های رژیم را به لرزه درآوردند و برای اولین بار، شعار «مرگ بر شاه» در آسمان سراسر کشور طنین انداخت. رژیم نیز با بهره گیری از نیروی نظامی به کشتار مردم پرداخت تا انقلاب سفید خود را با خون مردم رنگین کند.

با شدّت یافتن اعتراض های مردمی، رژیم تنها راه حفظ منافع امریکا و سرکوبی قیام مردم را دستگیری رهبری نهضت دانست. از این رو، در پی آن برآمد تا به هر صورت ممکن و برای همیشه، به مبارزات مردم پایان دهد. بنابراین، نیروهای امنیتی در شب ۱۵ خرداد ۴۲ به منزل امام یورش آوردند و در تاریکی شب، رهبر مردم را دستگیر کردند و به تهران بردند.

صبح آن روز خبر دستگیری امام در سراسر کشور پیچید. مردم مسلمان که از شنیدن خبر دستگیری مرجع خود خشمگین شده بودند، به خیابان ها ریختند و فریاد «یا مرگ یا خمینی» سر دادند. مردم در این حرکت انقلابی نشان دادند که پشت سر رهبری شان، محکم و استوار ایستاده اند و نهضت و مبارزه آن ها، از ایمان و باور قلبی شان سرچشمه می گیرد.

دستگیری امام، آخرین جرقه ای بود که آتش خشم مردم را شعله ور ساخت و با طلوع ۱۵ خرداد، سراسر ایران را فرا گرفت. برای مردم مسلمان ایران تحمل پذیر نبود که مرجع و رهبر آنان در زندان حاکمان ستمگر گرفتار آمده

باشـد؛ زیرا علاقه مردم به رهبرشان که بر اساس ایمان مذهبی و باورهای اسـلامی بود، در هیچ شـرایطی کم نمی شد. مردم در آن شـرایط زمـانی بـه جز امـام خمینی رحمـه الله به کس دیگری که بتوانـد کشـور را از دست اسـتبداد رهـایی بخشـد، امیـدی نداشتند. بنابراین، خواستار آزادی بی قید و شرط رهبرشان شدند.

ب) علل آغاز قیام ۱۵ خرداد

اشاره

ب) علل آغاز قیام ۱۵ خرداد

زیر فصل ها

۱. استبداد

۲. تلاش رژیم برای دین زدایی

۳. رواج فساد و بی بند و باری

۴. برقراری رابطه با اسرائیل

۵. وابستگی به بیگانگان

۶ . رشد بیداری و آگاهی مردم

۱. استبداد

۱. استبداد

حکومت هـای اسـتبدادی بر اساس خفقان، سـتم و اسـتعمار توده ها و به بهای زنجیر کردن آزادگان و شکسـتن قلم ها برپا می شود. حکومت پادشـاهی ایران نمونه بـارز حکومت های اسـتبدادی و پادشاهی بود که دوامش بر تباهی و غفلت و بیچارگی و رنـج مردم می افزود. این رژیم اسـتبدادی برای این که بیش تر به غـارتگری بپردازد، خیانت ها و چپاول های خود را زیر لوای انقلاب سفید و اصلاحات پنهان می کرد تا از جنبش های آزادی بخش جلوگیری کند. چپاول گری های رژیم استبدادی شاه، از دلایل مهمی بود که مردم مسلمان و آزاده ایران را علیه رژیم ستم شاهی به خیزش وا داشت و به صف مبارزه کشاند.

محافـل و رسـانه هـای داخلی و خـارجی وابسته به غرب و شـرق نیز دلیـل مبارزات دینی و ضـد اسـتبدادی مردم را به مخالفان اصـلاحات ارضـی و حق رأی به زنان و انقلاب سـفید شاه نسبت می دادنـد. آن چه مسلّم است این که همه این ها زمینه ساز

حرکت گسترده مردمی در ۱۵ خرداد شد، ولی ساده نگری است که تمام علت ها را یکسره به آن موارد نسبت دهیم و از علت اصلی غافل

شویم. اگر این احساس در مردم نبود که ستم و بی عدالتی از اندازه فراتر رفته است، بعید به نظر می رسید که اعتراض های به آن گستردگی، علیه رژیم شکل بگیرد.(۱)

سخن را در این زمینه با سخنان امام خمینی رحمه الله که رهبری این نهضت بزرگ را برعهده داشت، ادامه می دهیم. ایشان خطاب به سفیر شوروی در ایران، علت قیام مردم ایران بر ضد حکومت پهلوی را چنین بیان می کند:

ما در طول پنجاه و چند ساله سلطنت غیر قانونی پهلوی، مصیبت های زیادی دیدیم. ما تحت فشار این آدم، محمدرضا و پدرش، صدمات زیادی دیدیم. ملت ما از همه آزادی ها محروم بود. کشور ما از استقلال صحیح محروم بود. ملت ما از این مظالم به جان آمد و قیام کرد.(۲)

۲. تلاش رژیم برای دین زدایی

۲. تلاش رژیم برای دین زدایی

مهم ترین جنبه هویتی و فرهنگی مردم ایران، ویژگی های اخلاقی و باورهای اسلامی آن است. ایرانیان قرن هاست که اسلام را به عنوان زیر بنای تمدن و زندگانی خویش پذیرفته اند و آثار درخشانی پدید آورده و به شکوفایی رسیده اند.

امریکا پس از کودتای ۲۸ مرداد که بر این کشور تسلط یافت، فرهنگ و میراث ملی ایرانیان و مهم تر از آن، فرهنگ اسلامی و مذهب آنان را بزرگ ترین سد در برابر عملکردهای استعماری خویش یافت. بنابراین، تصمیم گرفت ملت

۱- محمدعلی کاتوزیان همایون و دیگران، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، برگردان: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۷۳.
۲- صحیفه نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ج ۵، ص ۱۱۴.

ایران را از فرهنگ و مذهب و ارزش ها تهی کند و فرهنگ غربی را جایگزین آن سازد یا سنّت ها و آداب و رسومی را که مخالف ارزش های اسلامی است، ترویج دهد. بر همین اساس، شاه مأموریت یافت مدرنیزاسیون غربی را در ایران رواج دهد.(۱)

باری، رژیم مأموریت یافت برای از میان بردن دین و ارزش های اسلامی، به اقدام های فوری دست بزند. برجسته ترین حرکت ضد دینی آنان، تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی بود که در آن، اسلام و قرآن از راه قانونی از صحنه سیاسی کشور حذف می شد. آنان مبارزه شدیدی را علیه روحانیت که همیشه سدّ راه حرکت های استعماری بود، آغاز کردند. بر همین اساس، جدایی دین از سیاست را ترویج کردند تا مردم دین مدار و روحانیان را از اعتراض به عملکرد رژیم باز دارند و مخالفان خود را با برچسب مرتجع و کهنه پرست از فعالیت های اجتماعی کنار بگذارند. «سپاه دانش» یکی از شیوه هایی بود که رژیم برای تضعیف روحانیت و روشن فکران دینی و از میان بردن مبانی دینی و اعتقادی مردم به راه انداخت که از طریق آن، عناصر وابسته به خود را در لباس روحانیت و مبلّغ دینی و فرهنگی به مسجدها و مدارس رهسپار می کرد تا با ارایه دین تحریف شده و مسخ شده، روحیه ستم ستیزی و استعمارستیزی ملت را از میان ببرد. حتی پس از درگذشت آیت اللّه العظمی بروجردی، شاه در یک اقدام مغرضانه، پیام تسلیتی به آیت اللّه العظمی سید محسن حکیم در عراق

۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر هفتم، ص ۱۴۸.

فرستاد تا مرجعیت شیعه را به آن کشور انتقال دهد و پایگاه روحانیت را در ایران تضعیف کند.

۳. رواج فساد و بی بند و باری

۳. رواج فساد و بی بند و باری

یکی دیگر از راه هایی که رژیم برای از میان بردن مبانی دینی و ارزش های اسلامی در پیش گرفت، رواج فساد و بی بند و باری در میان جوانان جامعه بود.

رژیم برای خشکاندن ریشه مذهب و دیانت در ایران که بزرگ ترین مانع سیاست های استعماری و استبدادی در طول تاریخ کشور بود، بهترین و مؤثرترین راه را گسترش فساد و بی بند و باری در جامعه می دید. برای اجرای این سیاست پلید، رژیم به سفارش امریکا، روی دو قشر از جامعه ایران سرمایه گذاری می کرد و این دو قشر را برای این کار مناسب می دید: یکی، قشر جوان و دیگری، بانوان ایرانی.

قشر جوان به دلیل گرایش ها، انگیزه ها و جوش و خروشی که دارد، عامل خوبی برای پذیرش فرهنگ مصرفی و انحرافی غرب است. از این رو، با ایجاد مراکز تفریحی و خوش گذرانی، جوانان را به فساد و تباهی کشیدند. هم چنین برای قشر زنان برنامه های ویژه ای طرح ریزی کردند. رژیم در این فکر بود که افزون بر استفاده از نیروی ارزان زنان در کارهای اداری و اقتصادی، به وسیله این گروه می تواند ارزش های غربی را زودتر در جامعه نهادینه کند. چون زنان افزون بر این که نیمی از جمعیّت کشور را تشکیل می دادند، کانون تربیت و پرورش فرزندان و نسل آینده کشور بودند و تغییر رفتار و اخلاق و پوشش این گروه، در حقیقت، دگرگونی ساختار کلی ارزش های جامعه را در پی داشت. آن ها به خوبی می دانستند که روابط زن و مرد در ایران بر اساس

معیارها و ارزش های اسلامی استوار است و باید همه آن ها دگرگون شوند تا مدرنیزاسیون غربی به هدف خود برسد.(۱) رژیم از مدیران نهادها و سازمان ها و کارخانه ها می خواست تا در مراسم ها و جشن ها همراه زنان بی حجاب خود شرکت کنند. شاه در این فکر خام بود که هم رنگ و هم شکل غربی ها شدن، نشانه پیشرفت و رسیدن به دروازه های تمدن بزرگ و مدرن است!

الگوی مردان ایران، پیشوایان معصوم علیهم السلام و الگوی زنان مسلمان ایرانی نیز فاطمه زهرا علیهاالسلام و زینب کبری علیهاالسلام بودند، ولی ارزش ها و الگوهایی که رژیم معرفی می کرد، هنرپیشگان هالیوودی و زنان غربی بودند. در نتیجه، جامعه ایران در آن روز گرفتار بحران هویتی شدیدی شده بود و تضاد مدرنیزاسیون شاه و امریکا با اسلام و باورهای پیشین، در فعالیت های سیاسی ـ اقتصادی و روابط زن و مرد و خانواده و حتی در روح و شخصیت افراد، تأثیر ژرفی گذاشته بود، به گونه ای که درگیری های عصبی و اختلال های روانی بسیاری را پدید آورده بود. بنابراین، مردم در انتظار جرقه ای بودند تا هویت از دست رفته خویش را باز یابند و این امر، با خیزش همگانی مردم در ۱۵ خرداد رخ داد و مردم توانستند ارزش ها و الگوهایی را که با روح و رفتار آن ها در تضاد بود، کنار بگذارند. امام خمینی رحمه الله در سخنرانی شان در تاریخ ۱۸/۱۱/۶۲ یکی از علل قیام مردم را رواج فساد در جامعه می داند و می فرماید:

... (محمدرضا) جوان های ما را فاسد کرد. مراکز فحشا در این کشور این قدر زیاد بود که احصا نداشت. مراکز فساد این قدر بود که جوان های ما را به فساد

۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر هفتم، ص ۱۴۹.

کشانـد. خود آن ها عامل فروش هرویین، تریاک و مواد مخـدر بودند. کاری کردند که ملت ما به جان آمد و خدای تبارک و تعالی بر این ملت منت گذاشت و قیام کردند.(۱)

۴. برقراری رابطه با اسرائیل

۴. برقراری رابطه با اسرائیل

از دیگر عواملی که رونـد نهضت مردم را سـرعت بخشـید، گسترش رابطه تنگاتنگ رژیم پهلوی با اسـرائیل بود. ایران از جمله کشورهـایی بود که به پیروی از سـیاست های امریکا در سال ۱۳۳۹ ه . ش، رژیم اسـرائیل را به رسـمیت شناخت و در پی آن، روابط ایران با مصر قطع شد.(۲)

ایران و اسـرائیل روابـط اقتصـادی، نظامی و اطلاعاتی نزدیکی داشـتند، هرچنـد این روابط در سـطح وزارت خانه ها و از طریق سفیر نبود و به اصـطلاح «دوفاکتو» بود؛ یعنی ایران به پیروی از سـیاست های امریکا، اسـرائیل را به صورت محـدود و موقت به رسـمیت شـناخته بود. اسـرائیل در ایران، «آژانس یهود» را که یک سازمان یهودی بود و انتقال یهودیان به اسـرائیل را بر عهـده داشت، دایر کرد. دولت سـوئیس نیز حافظ منـافع ایران در اسـرائیل بود(۳) و در سـفارت آن کشور، دفتری به نـام «دفتر حفظ منافع ایران در اسرائیل» فعالیت می کرد. بسیاری از افسران ارتش و مأموران ساواک (سازمان جاسوسی شاه) به اسرائیل رهسپار می شدند تا آموزش های نظامی و تجربه های اطلاعاتی لازم را

۱- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۲۰.

۲- اقتصاد سیاسی ایران، ج ۲، ص ۴۱۱.

۳- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۶۸.

در آن جا بیاموزند. هم چنین شمار زیادی از مأموران اطلاعاتی سازمان جاسوسی اسرائیل «موساد» در ایران، به آموزش مأموران ساواک مشغول بودند، ولی رژیم به سبب جنگ های اعراب با اسرائیل و به دلیل احساسات ضد اسراییلی در داخل کشور، در آن زمان، جرأت آشکار کردن روابط خود با اسرائیل را نداشت.

از نظر اقتصادی نیز ایران و اسرائیل روابط نزدیکی داشتند. ایران با وجود تحریم نفتی اعراب علیه اسرائیل، اصلی ترین تأمین کننده نفت آن کشور بود. بسیاری از کارشناسان کشاورزی آن کشور در ایران، طرح های کشاورزی را هدایت می کردند و فرآورده های کشاورزی آن کشور به صورت انبوه وارد ایران می شد و به فروش می رسید.(۱)

هم چنین از لحاظ فرهنگی، اسرائیل در ایران نفوذ زیادی داشت، به گونه ای که رژیم جشن های ۲۵۰۰ ساله را که در حقیقت یک جشن یهودی بود، در ایران برگزار کرد. یهودیان قصد داشتند به مناسبت آزادی قوم یهود به دست کوروش و بازگشت قوم یهود به اورشلیم جشن بگیرند. شاه ایران نیز در این زمینه، پیش قدم شد!

رئیس انجمن شهر اورشلیم در مدت زمان برگزاری این جشن ها، در جلسه ای با یهودیان شیراز گفت:

من از طرف فرد فرد ملت اسرائیل، به رهبر و ملت ایران سلام می گویم و خوش حالم که جشن ۲۵۰۰ ساله

۱- محمدحسن رجبی، زندگی نامه سیاسی امام خمینی رحمه الله از آغاز هجرت به پاریس، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹، چ ۱، ص ۲۴۶.

به دست رهبر خردمند و عالی قدر ایران برگزار شد.(۱)

بـا تـوجه بـه آن چـه گفتـه شـد، می تـوان به میزان نفـوذ اسـرائیل در ایران پی برد؛ این در حـالی است که به بـاور کارشـناسان مسلمان، پدیده صهیونیسم بزرگ ترین خطر برای جهان اسلام است.

در دهه ۳۰ خورشـیدی، گروهی از آوارگان فلسطینی در مناطق مختلف ایران پناهنده بودند و مردم مسلمان ایران از طریق آنان با جنایت هایی که اسـرائیل در فلسطین انجام می داد، آشنا می شدند. از این رو، احساسات ضد اسرائیلی در ایران گسترش می یـافت. افزون بر آن، مراجع تقلیـد و در رأس آن هـا امـام، بـا افشـاگری هایشـان، از توطئه هـای اسـرائیل در ایران برای نابودی فرهنـگ و مـذهب این کشور، پرده برمی داشـتند و خطر اسـرائیل را به گوش مردم می رساندنـد. در اعلاـمیه جـامعه روحانیت ایران که در خرداد ماه سال ۴۲ منتشر شد، آمده است:

بهاییـان که دلالان اسـرائیل در مملکت هسـتند، در دسـتگاه های حساس مملکت رخنه کرده و روز به روز نفوذ آن ها در تمام قسـمت ها مخصوصا دسـتگاه های تبلیغاتی و حتی هیأت دولت زیادتر می گردد. این اقـدامات به قـدری زننـده و رسواست که دولت هـای اسـلامی، دولت ایران را دلاـل اسـرائیل و محله ایرانیان در بعضـی از کشورهای عربی را منطقه اسـرائیل معرفی می کنند. روحانیت هرگز نمی تواند این ننگ بزرگ را برای مسلمانان ایران بپذیرد و نفوذ عمّال

۱- مؤلفه هـای مـدنیت ولاـیی در ایران، ص ۲۶۴، برگرفتـه از: برنـامه کامـل جشن هـای ۲۵۰۰ سـاله بنیـاد شاهنشاهی ایران، انتشارات دبیرخانه مرکزی جشن ها، ص ۱۸۳.

صهیونیسم و دلالان آن ها یعنی بهاییان را در مملکت خود تحمل کند.(۱)

بنابراین، رابطه شاه با یک کشور ضد اسلامی، احساسات مردم را به شدت جریحه دار کرده بود و بر خشم آنان می افزود.

۵. وابستگی به بیگانگان

۵. وابستگی به بیگانگان

پس از جنگ جهانی دوم که میان بلوک غرب و شرق صف آرایی محسوس پدید آمد، ایران به دلیل موقعیت استراتژیک و ژئوپلتیک خود در منطقه و داشتن منابع غنی نفتی، مورد توجه امریکا قرار گرفت. آمریکا برای گسترش و تحکیم سلطه خود در ایران باید در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران دگرگونی های اساسی پدید می آورد. بنابراین، شاه بر اجرای اصلاحات امریکایی در ایران پافشاری می کرد تا از هر جهت، ایران را به غرب و امریکا وابسته کند.

وابستگی ایران به امریکا به اندازه ای بود که امریکا آشکارا شاه را تهدید می کرد که در صورت سرپیچی از دستورهای آنان، کاخ سفید می تواند مهره دیگری را روی کار بیاورد، همان گونه که علی امینی را برای مدتی در صحنه سیاسی کشور به عنوان رقیب شاه روی کار آورند و زمینه نگرانی شاه را فراهم کردند.

در زمینه فرهنگی نیز بسیاری از دانشجویان ایران در امریکا درس می خواندند و پس از پایان تحصیلاتشان، یا در آن کشور ماندگار می شدند یا ارزش ها و فرهنگ غربی را با خود به ارمغان می آوردند و بعضی از آن ها به مهره های غرب در ایران و دنباله رو سیاست های آنان تبدیل می شدند. همه

۱- نهضت روحانیون ایران، ج ۴، ص ۱۳۷.

مسایـل جاسوسـی امریکـا در ایران در قالب روابط اقتصادی و نظامی صورت می گرفت و شاه در انجام کوچک ترین کارهای کشور با آنان مشورت می کرد و راهنمایی می خواست.(۱) هم چنین بودجه نظامی کشور سالانه افزایش چشم گیری داشت و هر سال سلاح ها و تجهیزات نظامی امریکا به همراه مستشاران نظامی این کشور، وارد ایران می شد.

والتر لیپن، مفسّر سیاسی و روزنامه نگار امریکایی در این زمینه می گوید:

دلیل اصـلی پشتیبانی ما از ایران، اهمیت استراتژیک این کشور در یک جنگ جهانی نیست، بلکه هدف اسـتقرار حکومت شاه است تا موافق ما باشد و در شمار دوستان باوفای ما قرار بگیرد.(۲)

نظامیان امریکایی که در ایران بودنـد، به طور مسـتقیم در عملیات ژاندارمری، پلیس و دیگر سازمان های نظامی ایرانی که کار اصـلی آن ها سـرکوبی هرگونه مخالفت با شاه و حفظ نظام شاهنشاهی بود، فعالانه شرکت می جستند. دوام شاه به حضور این مسـتشاران امریکـایی بسـتگی داشت و از این رو، شاه هرگونه امتیازی را به آن ها می داد. به ویژه این که به شـدّت تحت فشار امریکا بود تا اصلاحات را پیش ببرد. در این راستا، پیشنهاد امتیاز کاپیتولاسیون(۳) که در اسفند

۱- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۷۶.

۲- احمد فاروقی و لوریه ژان، ایران بر ضد شاه، برگردان: مهدی نراقی، ۱۳۵۸، ص ۱۱۴.

۳- به موجب این قرارداد، شـهروندان دولت های اسـتعماری پس از ورود به کشورهای مسـتعمره، تحت حاکمیت دولت متبوع خویش باقی می ماندند و دولت زیر سلطه به هیچ وجه حق محاکمه و تعقیب افراد خطاکار دولت استعماری را نداشت.

ماه ۱۳۴۰ از سوی سفارت امریکا به دولت ایران داده شده بود، در ۱۳ مهر ماه ۱۳۴۲ بدون سر و صدا در دولت عَلَم تصویب شد و سپس در ۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳، در زمان نخست وزیری حسنعلی منصور به مجلس رفت و به تصویب شورای ملی رسید. این امر بزرگ ترین ننگ و روسیاهی را برای ایران و شاه در پی داشت.(۱)

عملکردهای شاه که استقلال مملکت را پایمال کرده بود و ایران را دو دستی به دامان امپریالیسم غرب و صهیونیسم جهانی سپرده بود، با مخالفت شدید علما و مراجع روبه رو شد. مردم آزادی خواه ایران نیز از ننگ پذیرش سلطه سر باز زدند و در یک خیزش سراسری، به استعمار داخلی و خارجی «نه» گفتند.

۶ . رشد بیداری و آگاهی مردم

۶ . رشد بیداری و آگاهی مردم

از دلایل مهمی که سبب شد قیام مردمی ۱۵ خرداد شکل بگیرد، بالا رفتن آگاهی ها و اطلاعات سیاسی _ اجتماعی مردم از اوضاع کشور و سیاست های جهانی بود. این رشد آگاهی هم زمان با فعالیت های آیت اللّه سیدابوالقاسم کاشانی آغاز شده بود. ایشان با طرح مسأله شهادت، کسانی را که در برابر استبداد و استعمار به مبارزه برمی خاستند و کشته می شدند، شهید نامید و جایگاه شهید را برای مردم تبیین کرد.

از جمله کارهایی که بر سطح آگاهی مردم می افزود، دخالت علما و روحانیان در سیاست بود. با توجه به ارتباط روحانیان با مردم، خیلی زود مسایل به گوش مردم می رسید و آن ها از سیاست های دولت باخبر می شدند. برای مثال، در مجلسی، شیخ محمود نجفی به مسأله غارت منابع نفتی کشور از

۱- زندگی سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۲۴۳.

سوی دولت های استعماری و واردات غیر ضروری اشاره می کند و می گوید:

نفت و ذخایر ما را می برند و در عوض چیزهایی مثل بادبادک وارد کشور می کنند. منابع کشور دست دیگری است. سرنوشت کشور دست اجنبی است. شاه در مسافرت هایی که به خارج از کشور دارد، همه حرف ها را برایش دیکته می کنند.(۱)

مورد دیگر، داشتن «هویت اسلامی ـ شیعی» است. اسلام کسانی را که به امور یکدیگر بی تفاوت باشند، طرد می کند. هم چنین اصل «امر به معروف و نهی از منکر» را به عنوان وظیفه عمومی برای زندگی اجتماعی لازم می شمارد. رژیم همواره می کوشید تا با تبلیغ سیاست «جدایی دین از سیاست»، این اصل اساسی را از میان ببرد و مسلمانان را در غفلت نگاه دارد. امام خمینی رحمه الله با ورود به صحنه سیاسی، این نکته را روشن کرد که انجام عبادت های ظاهری و باورهای خشک همیشگی شرط مسلمانی نیست و تن دادن به سلطه استبداد و استعمار، خلاف اسلام است. بنابراین، با صدور فتوای تاریخی خود، تقیه را در آن شرایط، حرام دانست و مبارزات مردم را وارد مرحله تازه ای ساخت.

پیرو فتوای روشن ایشان، حوزه های علمیه در عرصه سیاسی فعال تر شدند. عالمان دینی و گویندگان مذهبی در حسینیه ها و مسجدها به افشاگری سیاست های ضد اسلامی رژیم پرداختند. در پی همین افشاگری ها و روشن گری ها بود که مردم کوچه و بازار و شهرها و روستاهای دور افتاده از سیاست ها و مسایل جاری کشور آگاه شدند و کم کم به این نتیجه رسیدند که

۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر اول، ص ۱۹.

عامل بـدبختی ها و گرفتاری ها و انحراف های کشور، خود شاه است. پس از آن، مردم به خوبی می دانسـتند شاه چه می کند و از پی گیری انقلاب سـفید چه هـدفی دارد و چه میزان به کشورهـای بیگـانه ای چون امریکا و اسـرائیل وابسـته است. همین زمینـه هـا بـود که نهضت بزرگ مردمی و دینی پـانزده خرداد را پدیـد آورد و مردم مسـلمان ایران بر اسـاس باورهـای دینی و درک بالای سیاسی خود، به خیابان ها ریختند و سرنگونی رژیم را خواستار شدند.

فصل دوم: هدف های قیام ۱۵ خرداد

اشاره

فصل دوم: هدف های قیام ۱۵ خرداد

زیر فصل ها

۱. اصلاح جامعه

۲. حاکمیت اسلام

۳. سرنگونی حاکمیت طاغوت

۱. اصلاح جامعه

۱. اصلاح جامعه

در آغاز نهضت پانزده خرداد، هدف اصلی قیام کنندگان که در رأس آن امام خمینی رحمه الله قرار داشت، برقراری احکام اسلامی از راه اصلاح طلبی و امر به معروف و نهی از منکر بود. امام خمینی رحمه الله به فراتر از فروپاشی رژیم شاه می اندیشید و خطر اصلی را در صهیونیسم و امریکا می دانست که افرادی مانند شاه را هم چون کودکی، بازیچه هدف های اسلام ستیزی و اندیشه های استکباری خویش ساخته اند. بنابراین، دلسوزانه به نصیحت شاه می پرداخت و به وی یادآور می شد که به راه راست هدایت شود و دست از رفتارهای غیراسلامی و غیرقانونی خود بردارد.(۱)

البته اصلاح گری در باور امام به این معنا نبود که رژیم ستم شاهی تنها خواسته های سطحی را بپذیرد و از دست زدن به دگرگونی های اساسی سر باز زند. امام بر آن بود که اگر رژیم نتواند خود را با اسلام وفق دهد، باید کنار برود. بنابراین، نخست از شاه می خواهد که از گذشته عبرت بگیرد. از این رو، نسبت به روش حکومتی وی هشدار می دهد و او را از سیاست هایی که در پیش گرفته، بر حذر می دارد:

من به شما نصیحت می کنم ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت

۱- یوسف مازندی، ایران؛ ابرقدرت قرن، به کوشش: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۳، چ ۱، صص ۴۵۴ _ ۴۵۸.

می کنم که دست از این اعمـال و رویه بردار. من نمی خواهم تو مثـل پـدرت بشـی. نصـیحت مرا بشـنو. از روحـانیت بشـنو. از علمای اسـلام بشنو. این ها صلاح ملت را می خواهند. این ها صلاح مملکت را می خواهند. از اسرائیل نشنو؛ اسرائیل به درد تو نمی خورد. کمی عبرت بگیر. عبرت از پدرت بگیر... .(۱)

امام آشـکارا هدف خویش را بیان می دارد و به شاه گوشـزد می کند که اگر اصـلاح نشود فرمان خواهد داد تا ملت وی را از کشور بیرون کند:

آقای شاه! چه ارتباطی بین شاه (شـما) و اسـرائیل است که سازمان امنیت می گوید از شاه صـحبت نکنید و از اسـرائیل صحبت نکنیـد. شایـد این ها می خواهنـد تو را یهودی معرفی کننـد که من بگویم (تو) کافری تا از ایران بیرونت کننـد و به تکلیف تو برسند.(۲)

در حقیقت، امام خمینی رحمه الله با این سخنان، با شاه و دولت دست نشانده وی اتمام حجت می کند و انتخاب راه را بر عهده دستگاه حاکم می گذارد.

۲. حاکمیت اسلام

۲. حاکمیت اسلام

پیش تر گفتیم که امـام خمینی رحمه الله که رهبری قیـام انقلاـب اسـلامی را در دست داشت، اصـلاح گری رژیم را بر اسـاس احکـام و باورهـای اسـلامی می خواست؛ یعنی بزرگ ترین هـدف قیـام کننـدگان در ۱۵ خرداد را تلاـش برای اجرای احکـام اسـلامی در ایران می دانست. این امر باید با اصلاح سیاست های رژیم صورت می گرفت و در غیر این صورت، رژیم طاغوتی شاه به هر راه ممکن باید

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، صص ۴۵۶ _ ۴۶۰.

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، صص ۴۵۶ _ ۴۶۰.

سرنگون می شد. بزرگ ترین و اصلی ترین آرزوی امام از همان آغاز مبارزه علیه حکومت طاغوتی پهلوی، تشکیل یک حکومت اسلامی بود. ایشان در این باره می فرماید:

آرزوی ما برای حکومت اسلامی و یک حکومت عدل بود که رژیمی در مقابل رژیم های طاغوت باشد و مسائل اسلامی را مثل صدر اسلام در ایران پیاده کنیم.(۱)

در آن روزها، احزاب و گروه های سیاسی زیادی ادعای مبارزه با رژیم را داشتند و می خواستند مردم را بسیج کنند، ولی مردم از آن رو روحانیت را به رهبری برگزیدند که آن ها یک صدا فریاد می زدند: «اسلام در خطر است؛ قرآن در خطر است». بنابراین، کسانی که ماهیت اسلامی در کارشان نبود، از قافله عقب ماندند و از مردم و نهضت اسلامی جدا افتادند.

ریچارد نیکسون، رئیس جمهور وقت امریکا و یکی از نظریه پردازان مهم این کشور در تحلیلی از ماهیت انقلاب مردمی ایران بر این نکته تأکید می کند که انقلاب ایران قیام علیه ارزش های غربی بود، ولی در محدوده خواسته های مادّی نماند. وی می گوید:

انقلاب ایران در واقع انقلابی بود علیه نوگرایی و تجدد و سکولاریسم و ارزش های غرب. این انقلاب همان قدر که از سرمایه داری نفرت داشت، از کمونیسم نیز نفرت داشت و هر دو را مانند دو روی سکه مادی گری می دید. جوانان از این انقلاب پشتیبانی کردند؛ نه برای این که خواهان آزادی، شغل، مسکن و لباس بهتر بودند، بلکه چیزی را می خواستند که به آن بیش از

۱- صحیفه نور، ج ۴، ص ۳۷۸.

مادی گری معتقد باشند. جای انکار نیست که انقلاب اسلامی یک انقلاب واقعی اندیشه ها را ارایه داد و آن ها آن را با عشق و ایمان پذیرفتند.(۱)

نکته مهمی که در نهضت پانزده خرداد به چشم می خورد، فرهنگ عاشورایی حاکم بر این قیام است. تأکید امام به زنده نگه داشتن عاشورا و روح شهادت طلبی و امر به معروف و نهی از منکر، عامل مهمی بود تا توده های مردم را برای برقراری حکومت اسلامی و سست کردن پایه های حکومت جور بسیج کند.

۳. سرنگونی حاکمیت طاغوت

۳. سرنگونی حاکمیت طاغوت

رژیم خون آشام شاه، هشدار امام را درک نکرد و از سرکوبی و شکنجه مبارزان دست برنداشت. حمله به فیضیه و کشتار بی گناهان و آزادی خواهان نشان داد که رژیم هرگز خوی استبدادگری خود را رها نخواهد کرد و دیگر اصلاح پذیر نیست. بنابراین، امام تنها راه تحقق حاکمیت اسلام را که هدف اصلی قیام مردم بود، سرنگونی رژیم شاهنشاهی می دانست.

وقتی رژیم پس از سخنرانی تاریخی امام در عصر عاشورا، ایشان را دستگیر کرد، در واقع این نکته را روشن ساخت که حکومت وابسته شاه سراپا گوش به فرمان صهیونیسم و امپریالیسم است و حاضر نیست کوچک ترین توجهی به قوانین اسلامی داشته باشد. بنابراین، مردم در یک خیزش سراسری، خواهان فروپاشی حکومت پهلوی شدند. اوج مخالفت های مردمی که در ۱۵ خرداد ۴۲

۱- مؤلفه های مدنیت ولایی در ایران، ص ۲۴۹.

صورت گرفت و همه قشرهای جامعه هم چون روحانیان، کارگران، بازاریان، دانشگاهیان و... در آن شرکت داشتند، وقتی نزدیک کاخ مرمر شاه رسیدند، یک صدا فریاد «مرگ بر شاه»(۱) سر دادند. باری، قیام خونین ۱۵ خرداد، زمینه فروپاشی حکومت پهلوی را فراهم کرد و زمینه شکل گیری حکومت اسلامی را آماده ساخت. امام خمینی رحمه الله در این زمینه می گوید:

آن روز، یزیدیان با دست جنایت کاران، گور خود را کندند و تا ابد هلاکت خویش و رژیم جنایت کار خویش را به ثبت رساندند. در ۱۵ خرداد ۴۲، پهلویان و هواداران و سردمداران جنایت کارشان با دست ستم شاهی خود، گور خود را کندند و ننگ ابدی را برای خویش به جا گذاشتند که ملت عظیم الشأن ایران با قدرت و پیروزی بر گور آتشبار آنان لعنت می فرستد.(۲)

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ص ۴۸۵.

۲- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۷۹ ۱۵/۳/۶۱.

فصل سوم: ابعاد گوناگون قیام ۱۵ خرداد

اشاره

فصل سوم: ابعاد گوناگون قیام ۱۵ خرداد

زیر فصل ها

۱. آغاز محرم خونین ۱۳۴۲ ه . ش

۱. آغاز محرم خونین ۱۳۴۲ ه . ش

محرم همه ساله یادآور بزرگ ترین حماسه تاریخ و ایثار و فداکاری امام حسین علیه السلام در آزادی و شرافت انسانی است. عاشورا یادآور پیروزی خون در برابر شمشیر و سر باختن و تن به ذلت ندادن است. در محرم هر سال، خون در رگ های شیعیان و مسلمانان به جوش می آید و روحیه شهادت طلبی و فداکاری رونق می گیرد، ولی محرم خردادماه ۴۲ با عزاداری ها و سینه زنی های سال های گذشته متفاوت بود. جامعه ایران در آستانه یک خیزش عمومی علیه یزید زمان بود و یادآوری قیام حسین علیه السلام و عاشورا، مردم را برای آفریدن یک عاشورای دیگر با الهام از عاشورای حسینی رهنمون می ساخت.

امام خمینی رحمه الله که نهضت اسلامی خویش را به پشتوانه مردم گام به گام پیش می برد، با بهره گیری از فرصت توانست عاشورای دیگری علیه ستمگری های یزید زمان برنامه ریزی کند و ماه محرم آن سال را از سطح سینه زنی و عزاداری های معمول فراتر برد و فرهنگ واقعی عاشورا را زنده سازد.

رژیم هم می دانست که محرم آن سال به احتمال زیاد به یک نهضت سراسری علیه دودمان پهلوی تبدیل خواهد شد. از این رو، از پیش برنامه ریزی کرده و برای واعظان و گویندگان مذهبی اخطاریه ای صادر کرده بود. شهربانی کل کشور به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم آن سال در اطلاعیه ای اعلام کرد:

... انجام مراسم سوگواری مشروع که با موازین مقدس اسلام تطبیق نماید، با

رعایت نظم و ترتیب کامل انجام خواهد گردید. لیکن اعمال و تظاهراتی که شرع مقدس نیز آن ها را تجویز نفرموده است، به کلی ممنوع [است]. به مأمورین انتظامی دستور جلوگیری داده شده [است]. از عموم شیعیان و اهالی پایتخت انتظار می رود که با رعایت کامل نظم و ترتیب طبق دستور شرع مقدس احترام شعایر مذهبی را حفظ و مراسم سوگواری را با نظم کامل انجام دهند. اگر اشخاصی مراسم مذهبی را وسیله اغراض شخصی قرار دهند، شدیدا مجازات خواهند شد.(۱)

این اطلاعیه از مردم می خواست آن گونه عزاداری کنند که به تاج و تخت رژیم صدمه نزنند و منافع امپریالیسم غربی و صهیونیسم جهانی را به خطر نیاندازد؛ یعنی هیچ کس حق نداشت از ستم هایی که بر سر آن ها می آمد، سخنی بگوید! با این حال، امام خمینی رحمه الله در مقابل هشدار رژیم، شجاعانه و با تدبیر درست، خطاب به گویندگان مذهبی و هیأت های عزاداری نامه ای فرستاد و با افشای توطئه رژیم، سکوت را برای مسلمانان جرم و گناه دانست و اعلام کرد:

دستگاه جبّار درصدد گرفتن التزام و تعهد از مبلغین و سران هیأت عزاداری است که از مظالم دم نزنند و دستگاه جبار را به خودسری وا گذارند. لازم است تذکر دهم که این التزامات ارزش قانونی نداشته و مخالفت با آن هیچ اثری ندارد. عجب است که دستگاه بی پروا ادعا دارد که قاطبه ملت با اوست و از پشتیبانی اکثریت قاطع برخوردار است؛ با این وصف در تمام شهرستان ها، قراء و قصبات به دست و پا افتاده و با ارعاب و تهدید ملت، خفقان ایجاد می کند. اگر این ادعا صحیح است، ملت را این چند روزه به حال خود وا گذارند تا از

۱- روزنامه کیهان، ۵ خرداد، ۱۳۴۲.

پشتیبانی ملت متمتع [شوند] و الا اشاعه اکاذیب برای تشویش افکار عامه برخلاف مصالح اسلام و مملکت، جرم و قابل تعقیب است. حضرات مبلغین لازم است فریضه دینی خود را در این ایام در اجتماعات مسلمین ادا کنند و از توهم چند روز حبس و زجر نترسند: «و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین.» آقایان بدانند که خطر امروز بر اسلام، کم تر از خطر بنی امیه نیست. خطر اسرائیل و عمال آن را به مردم تذکر دهید. سکوت در این ایام تأیید دستگاه جبار و کمک به دشمنان اسلام است. اگر به واسطه سکوت شما، به اسلام لطمه ای وارد آید، نزد خدای تعالی و ملت مسلمان مسئول هستید. از ارعاب سازمان ها و دستگاه شهربانی هراسی به خود راه ندهید.(۱)

افزون بر آن، رهبری نهضت از گویندگان مذهبی خواست مصیبت های وارد شده بر اسلام و مراکز فقه و دیانت و شریعت را یادآور شوند و به جای لعن و نفرین یزید مرده، به افشاگری جنایت های یزید زمان بپردازند و خطر اسرائیل و کارگزاران آن را به مردم یادآور شوند. هم چنین با بازگو کردن جنایت های شاه در مدرسه فیضیه و حمله به مردم، در کنار نوحه سرایی، عاشورای دیگری بیافرینند.

امام در بیانیه خود به موضوع های مهمی اشاره کرده بود که رژیم را به واکنش وا داشت تا واعظان و عالمان را به ساواک فرا خواند و با آن ها وارد مذاکره شود. آن ها وقتی دیدند هشدارها و تهدیدهای دستگاه زور نسبت به مبارزان کارساز نیست، از آن ها خواست تا دست کم از گفتن موضوع های زیر خودداری کند و غیر از آن، هر چه خواستند بگویند:

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، صص ۴۲۹ و ۴۳۰.

۱. علیه شخص اول مملکت سخنی نگویند؛

۲. علیه اسرائیل سخنی به میان نیاورند؛

۳. پیوسته به گوش مردم نخوانند که اسلام در خطر است.(۱)

امام خمینی رحمه الله در واکنشی شدید به اقدام ساواک گفت نهضت و مبارزه مردم بر اساس همان سه محور است و امکان ندارد که از آن ها سخن به میان نیاید.(۲)

۲. راه پیمایی دهم محرم

۲. راه پیمایی دهم محرم

علما و روحانیان با پیروی از رهبری امام خمینی رحمه الله در منبرها و حسینیه ها به افشاگری دستگاه حکومت و جنایت های آن پرداختند. مداحان نیز در هیأت های عزاداری در زمینه جنایت های رژیم در حمله به فیضیّه و کشتار طلبه ها و مردم، به مرثیه سرایی پرداختند و اعمال رژیم را به عملکرد حکومت یزید در کربلا تشبیه کردند. شاه که از پشتیبانی بی دریغ مردم از سخنان امام خمینی رحمه الله به وحشت افتاده بود، در سخنانی در اجتماع کارمندان واحد اتوبوس رانی تهران در سوم خرداد ۴۲، با کمال بی شرمی ادعا کرد که امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف را در دوران کودکی دیده است و خود را مأمور اصلاح امور جامعه مسلمانان می داند. هم چنین کسانی را که مخالف او بودند، دشمنان مردم

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۳۲.

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، صص ۴۲۹ و ۴۳۰، برگرفته از: نامه امام به واعظان مذهبی.

مسلمان و شیعه نامید.(۱)

با وجود همه دروغ پردازی ها و یاوه گویی های رژیم، با فرا رسیدن عاشورای حسینی جنب و جوش خاصی در میان مردم دیده می شد و آتش خشم و نفرت آن ها از رژیم شاه لحظه به لحظه تندتر و گسترده تر می شد. چند روز مانده به عاشورا، در همه دسته ها و هیأت های عزاداری اعلام شد که صبح روز عاشورا همه هیأت های عزاداری در مدرسه حاج ابوالفتح جمع شوند تا به پشتیبانی از رهبری نهضت راه پیمایی کنند.

پلیس که تا آن روزها در مسیر هیأت های عزاداری ظاهر نمی شد، در صبح روز عاشورا مدرسه حاج ابوالفتح را محاصره کرد و در خیابان های اطراف با لباس رسمی و تفنگ و سرنیزه ظاهر شد؛ درب مدرسه را بست و به خیال خود خواست از راه پیمایی مردم جلوگیری کند. مردم از سراسر تهران به میدان امام (شاه سابق) و مدرسه ابوالفتح رسیدند و در اطراف مسجد اجتماع کردند. با گردهم آیی صدها هزار نفر، کنترل منطقه از دست پلیس خارج شد و مردم با دادن شعار «خمینی بت شکن ملت طرفدار تو، می رود، می رود دشمن خون خوار تو» و «خمینی، خمینی، خدا نگهدار تو، بمیرد، بمیرد دشمن خون خوار تو»(۲) به راه پیمایی پرداختند. در این راه پیمایی باشکوه، قشرهای مختلف مردم شرکت داشتند، ولی بیش تر آن ها بازاریان تهران بودند. تظاهر

۱- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۳۴.

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۳۷.

کننـدگان پس از عبور از راه خیابان امین حضور و سرچشـمه وارد میدان بهارسـتان شدند و سراسـر میدان و دیوار مجلس را با عکس امام خمینی رحمه الله پوشاندنـد. پس از آن که، به سوی خیابان شاه آباد حرکت کردند و با پیمودن خیابان مخبرالدوله و سـعدی به خیابان فردوسـی وارد شدنـد. یکی از مجاهـدان به نام مهدی عراقی در جمع مردم سـخنان پرشوری در محکومیت رژیم ایراد کرد و پس از آن، مردم به طرف دانشـگاه حرکت کردنـد و چـون دانشـگاه تعطیـل بـود، به راه خـود ادامه دادنـد و نزدیکی های ساعت یک بعـد از ظهر، به مقابل کاخ مرمر شاه رسـیدند. آنان در برابر کاخ شاه، بـدون هیـچ گونه برنامه ریزی قبلی خشـمگینانه فریاد زدنـد: «مرگ بر این دیکتاتور».(۱) اداره کننـدگان راه پیمـایی کوشـیدند تا مردم را از هرگونه حمله به کاخ شاه و مأموران و دادن شـعار باز دارند، ولی هدف راه پیمایی در این شـعار مهم خلاصه می شد و مردم خواهان واژگونی رژیم پهلوی بودند.

تظـاهر کننـدگان پس از مـدتی اطراف کـاخ شـاه را ترک کردنـد و پس از گذشـتن از کـاخ سـنا و خیابـان سـپه به توپ خانه رسـیدند. آنان ساعت سه بعد از ظهر به بازار تهران رسیدند و در آن جا به راه پیمایی خود پایان دادند و اعلام کردند که مردم فردا نیز در راه پیمایی دیگری که از مقابل مسـجد شاه آغاز خواهد شد، شرکت کنند. شب یازدهم، دانشجویان دانشگاه تهران به پشتیبانی از امام خمینی رحمه الله به راه پیمایی پرداختند که این مراسم پس از سخنرانی یکی از دانشجویان و

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۳۹.

شرکت در مراسم عزاداری که از سوی روحانیان در مسجد ابوالفتح برگزار شده بود، به پایان رسید.

۳. راه پیمایی یازدهم محرم

۳. راه پیمایی یازدهم محرم

عزاداری روز عاشورا که با شعارهای سیاسی برگرفته از اندیشه امام خمینی رحمه الله همراه بود، رژیم را به لرزه درآورد و جایگاه مردمی امام را نشان داد و چهره سیاسی ـ مذهبی ایشان را بر همگان آشکار ساخت. از آن پس، احزاب و گروه ها به نفوذ واقعی امام در میان توده های مردم پی بردند. بنابراین، کوشیدند از انزوا به درآیند و خود را همراه مردم نشان دهند و از وضع پیش آمده برای اهداف خود بهره گیرند.

ساعت ۸ صبح، مسجد شاه پر از جمعیت بود و دنباله جمعیت تا بازارهای اطراف مسجد کشیده شد. مردم با همان شعارهای روز گذشته به راه پیمایی ادامه دادند و پس از گذشتن از خیابان های ناصر خسرو، توپ خانه و فردوسی به مقابل سفارت انگلیس رسیدند. در آن جا یکی از بازاریان به نام مجاهدی سخنان پرشوری ایراد کرد و مردم را به خیزش فرا خواند و گفت:

... شما ای بازرگانان، پیشه وران، کارگران، کارمندان، ارتشیان، پاسبانان، فرهنگیان و دانشگاهیان!... شما اگر مسلمان نیستید، اگر از جنبه دینی با آیت اللّه خمینی همراه نیستید، باز در یک موضوع با ایشان اشتراک دارید و باید به خاطر آن ایشان را یاری کنید و آن این که ایرانی هستید و نمی توانید نسبت به سرنوشت کشور و ملت خود بی تفاوت باشید. [امام]خمینی می گوید که سرنوشت ملت ایران نباید در امریکا تعیین شود. سرنوشت ایرانی نباید در لندن تعیین شود. اسرائیل نباید در مقدراّت ایران و ایرانی دخالت کند. این خواسته

[امام] خمینی در حقیقت خواسته ۳۰ میلیون ایرانی (یعنی تمام ایرانی های) شرافت مند می باشد.(۱)

پس از سخنرانی، راه پیمایان برای این که با دانشگاه و دانشجویان هم دلی کنند، به سوی دانشگاه حرکت کردند. دانشجویان که در کلاس های درس بودند، با شنیدن شعار «خمینی، خمینی»، کلاس هایشان را تعطیل کردند و به استقبال توده های مسلمان و آزادی خواه شتافتند. با پیوستن دانشگاهیان به دیگر گروه های جامعه، میان بازاریان، دانشجویان، روحانیان و کارگران پیمانی بسته شد که تا رسیدن به پیروزی نهایی در کنار هم به مبارزه ادامه دهند و لحظه ای از مخالفت با رژیم باز نایستند. آن جا بود که شعار «تا مرگ دیکتاتورها، نهضت ادامه دارد» در آسمان تهران طنین انداز شد.

در همان روز در مشهد، بسیاری از مردم برای خواندن اعلامیه امام خمینی رحمه الله که به دیوار نصب شده بود، تجمع کرده بودند که با پلیس به زد و خورد پرداختند و در این درگیری، یک پلیس کشته شد.(۲)

قم نیز در آستانه عاشورا، شور و حال دیگری داشت. امام هر شب در یکی از محله های قم سخنرانی می کرد و مسیر عبور ایشان معمولاً چراغانی و تزیین می شد و مردم برای ایشان قربانی می کردند. این موضوع رژیم را به شدت نگران کرده بود؛ چون آشکارا می دید کسی رهبری مردم را به دست گرفته است که در قلب مردم جای دارد. امام به علما و روحانیان قم پیشنهاد کرد در

۱- نهضت روحانیون ایران، ج ۴، ص ۴۲.

۲- اطلاعات، ۱۴ خرداد ۱۳۴۲.

روز عاشورا که مردم از سراسر ایران برای زیارت به قم می آیند، در مدرسه فیضیه سخنرانی کنند و جنایت های رژیم را به گوش مردم برسانند. رژیم از این گونه مراسم ها به شدت وحشت داشت. بنابراین، تهدید کرد که در صورت برگزاری مراسم در فیضیّه، آن جا را به خاک و خون خواهد کشید، ولی این تهدیدها، امام را از تصمیم خود منصرف نکرد؛ به گونه ای که وقتی مأمور ساواک به منزل ایشان آمد و گفت که: «من از طرف اعلی حضرت مأمورم به شما ابلاغ کنم که اگر امروز بخواهید در مدرسه فیضیه سخنرانی نمایید، کماندوها را به مدرسه فیضیه می ریزیم و آن جا را به آتش و خون می کشیم»، امام پاسخ داد که «ما هم به کماندوهای خود دستور می دهیم که فرستادگان اعلی حضرت را تأدیب نمایند...».(۱)

۴. سخنرانی تاریخی حضرت امام خمینی رحمه الله

۴. سخنرانی تاریخی حضرت امام خمینی رحمه الله

ساعت ۴ بعد از ظهر روز عاشورای آن سال، قم پر از جمعیت شده بود. از منزل امام تا حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام و در خیابان های اطراف حرم، سیل مردم موج می زد. همه می دانستند که رژیم به اجتماع مردم و سخنرانی امام یورش خواهد آورد. بنابراین، بسیاری از مردم، وقتی از خانه هایشان بیرون می آمدند، وصیت کرده و با خانواده هایشان وداع کرده بودند. شماری از افراد مسلح انقلابی نیز در پشت بام ها و غرفه های مدرسه فیضیه سنگر گرفته بودند

۱- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۳۷.

که اگر حمله ای صورت گرفت به دفاع از رهبرشان بپردازنـد. بلندگوهای بسیاری در خیابان های اطراف حرم نصب شده بود و به احتمال این که عناصر حکومتی برق را قطع خواهند کرد، گردانندگان مراسم باطری هایی در زیر منبر مدرسه کار گذاشته بودنـد تا به هنگام نیاز از آن ها استفاده کننـد. امام از منزل خارج شـد و در میان استقبال پرشور مردم، به مـدرسه فیضـیه قدم گـذاشت. هنوز از عناصـر رژیم در لباس نظامی خبری نبود. جمعیت در مدرسه و اطراف آن موج می زد. امام بالای منبر رفت. بسیاری آماده ضبط سخنان امام بودند و صدها نفر نیز با قلم و کاغذ حرف های رهبر نهضت را ثبت می کردند.

امام نخست از واقعه عاشورا و از ظلم های دستگاه یزید نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله سخن راند و بلاها و شکنجه های زنان و کودکان را در واقعه عاشورا گوشزد کرد. سپس اعمال دستگاه یزید را با جنایت های رژیم شاه در حمله به مردم و روحانیان و کشـتار مردم مقایسه کرد و تأکید ورزید که آن ها به اساس اسـلام کار داشـتند و می خواسـتند خاندان پیامبر را از میان ببرنـد. این ها نیز با اساس اسـلام و قرآن کار دارند و می خواهند اسـلام و روحانیت را نابود کنند. حاضـران که به شور و هیجان آمده بودند، در میان صحبت های رهبرشان گریه می کردند. سپس امام خمینی رحمه الله به خطر اسرائیل اشاره کرد که می کوشـد مملکت ایران را در همه زمینه ها به خود وابسـته کند. آن گاه رابطه شاه با اسـرائیل را به شدت محکوم کرد. ایشان به یـاوه گویی های حکومت که روحانیان را مفت خور و مرتجع نامیـده بود، پاسـخ داد و از غارت بیت المال به دست عناصـر حکومتی پرده برداشت. امام شـجاعانه هشدار داد که اگر رژیم به رابطه اش با اسرائیل ادامه دهد و از عملکردهای ضد اسلامی و ضد مردمی خود دست برندارد،

تکلیف او و دستگاه حاکمه اش را یکسره خواهد کرد و او را از کشور بیرون خواهد انداخت. در این جا تنها به گزیده هایی از آن سخنرانی تاریخی اشاره می کنیم:

بنی امیه و حکومت یزید با خاندان پیامبر مخالف بودند و غرض آن ها از بین بردن این شجره طیبه بود. رژیم جبار ایران (نیز)... با اساس کار دارند. با اساس اسلام و روحانیت مخالفند. این ها نمی خواهند این اساس موجود باشد... اسرائیل نمی خواهد در این مملکت قرآن باشد... . اسرائیل به دست عمّال سیاه خود مدرسه فیضیه را کوبید. می خواهد اقتصاد را قبضه کند. می خواهد تجارت و زراعت شما را از بین ببرد... . ملاحظه کردید که آن رفراندوم غلط، آن رفراندوم مفتضح به زور سرنیزه اجرا شد. ای آقای شاه! من به تو نصیحت می کنم دست از این اعمال و رویه بردار. من نمی خواهم تو مثل پدرت شوی. از روحانیت بشنو این ها صلاح مملکت را می خواهند. از اسرائیل نشنو، اسرائیل به درد تو نمی خورد.

سازمان امنیت (علما را) تهدید کرده است که از شاه بدگویی نکنند. به اسرائیل حمله نکنند. نگویند که اسلام در خطر است و دیگر هر چه بگویند آزادند. تمام گرفتاری های ما در این سه موضوع نهفته است. اگر از این سه موضوع بگذریم، دیگر اختلافی نداریم. چه ارتباطی بین شاه و اسرائیل است. آیا به نظر سازمان امنیت، شاه یهودی است!؟

آقای شاه! این ها می خواهند تو را یهودی معرفی کنند که من... بگویم (تو) کافری تا از ایران بیرونت کنند و به تکلیف تو برسند!... مملکت ما، اسلام ما در معرض خطر است. آن چیزی که در شرف تکوین است، سخت ما را نگران و متأسف ساخته است.(۱)

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، صص ۴۵۹ _ ۴۶۰.

امام با این سخنرانی تاریخی، نهضت اسلامی خویش را به مرحله ای رساند که به طور مستقیم رویاروی رژیم شاه قرار گرفت و با شکستن بت استبدادی شاه و ابهت او، ترس و وحشت عمومی را که با تهدید و خفقان رژیم شاهنشاهی ایجاد شده بود، از میان برد و رژیم شاه را با بحران چالش جدّی مواجه کرد و در آستانه فروپاشی قرار داد.

شاه بر سر دو راهی قرار گرفته بود. او خوب می دانست که سرکوبی این نهضت فراگیر مردمی بی فایده است و آتش خشم مردم هر روز شعله ورتر می شود. رادمردی رهبری نهضت را در دست داشت که نه اهل سازش بود و نه اهل تسلیم. ازا ین رو، رژیم جز دستگیری این مرد نستوه چاره ای نداشت.

۵. دستگیری امام خمینی رحمه الله

۵. دستگیری امام خمینی رحمه الله

رژیم در شب ۱۲ محرم ۱۳۸۳ ه . ق برابر با ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ه . ش، برنامه گسترده ای را برای دستگیری روحانیان پیرو خط امام و فعالان سیاسی و گویندگان مذهبی آغاز کرد. ماشین های ساواک و نیروی انتظامی به هر میدان و خیابان و کوچه که مراسم عزاداری و سخنرانی برگزار شده بود، یورش می بردند و گردانندگان آن را دستگیر می کردند و به زندان ها می فرستادند. رژیم رفت و آمدهای شهر را در کنترل خود داشت و اگر از افراد مورد نظر کسی را در مجالس عمومی نمی یافتند، به منزلش یورش می بردند و شبانه او را دستگیر می کردند. شب ۱۵ خرداد از نیمه گذشته بود و ساعت ۳ بامداد را نشان می داد. تاریکی آن شب حکایت دیگری داشت. کامیون های نظامی پر از کماندوها و سربازان گارد و چترباز در خارج از شهر قم انتظار می کشیدند. نیروهای نظامی در سکوت شب وارد شهر شده و به سوی خانه امام رفتند. از سر کوچه تا

درب خانه امام را به کنترل خود درآوردند و جلو درب هر خانه ای در آن کوچه سرباز گماردند تا مراقب اوضاع باشند. شمار زیادی از افراد گارد نظامی در باغ اناری که پشت خانه امام قرار داشت، سنگر گرفتند تا با هرگونه حادثه پیش بینی نشده ای مقابله کنند. ده ها کماندو و چترباز از پشت بام و دیوارها وارد خانه امام شدند. خانه را گشتند، ولی امام را نیافتند. از این رو، وحشت و دلهره ای که داشتند، چندین برابر شد و تنشان به لرزه افتاد.

وقتی از یافتن امام نا امید شدند، به خادم های بیت امام حمله ور شدند و با کتک و شکنجه از آنان خواستند که جای امام خمینی رحمه الله را نشان بدهند. آنان زیر شکنجه کماندوهای رژیم ناله و فغان می کردند، ولی حاضر نبودند جای رهبرشان را به آنان بگویند. کماندوها به شدت آن ها را کتک می زدند، ولی می کوشیدند تا همسایه ها صدای آه و ناله آن ها را نشنوند تا کنترل امور در دستشان باشد.

امام از اول محرم در خانه فرزندش، حاج آقا مصطفی که روبه روی خانه امام بود، استراحت می کرد. امام در آن لحظه های حسّاس، برای نماز شب بیدار شده بود که ناگهان صداهای ناهنجاری او را متوجه حضور دژخیمان رژیم در محل کرد. سپس حاج آقا مصطفی را بیدار کرد. حاج مصطفی از جای برخاست و خود را به پشت بام رسانید و دید که سراسر کوچه به اشغال سربازان و کماندوهای مسلح رژیم درآمده است.

امام خمینی رحمه الله به پشت بام آمد و وقتی یقین کرد که آن ها برای دستگیری ایشان آمده اند و از سویی آه و ناله خادم هایشان را زیر شکنجه دژخیمان رژیم شنید، در خانه را باز کرد و صدای رعدآسایش در کوچه طنین انداز شد که:

روح اللّه خمینی منم! چرا این هـا را می زنیـد؟ این چه رفتار وحشـیانه ای است که با مردم می کنیـد؟ چرا به اصول انسانی پای بند نیستید؟ این چه وحشی گری است که از شما سر می زند؟(۱)

صدای امام ترس و وحشت عجیبی بر جان آن ها انداخت به گونه ای که همگی لرزان و گرفته می گفتند: «همه ارادت داریم، همه مؤمنیم، کسـی را نمی زنیم!» مزدوران رژیم با ترس و بیم امام را محاصـره کردنـد و سـپس بر ماشـین فولکس واگن سـیاه رنگی که جلو در خانه متوقف شده بود، سوار کردند و با خود بردند.

حـاج مصـطفی وقتی مـاجرا را دیـد، از بالای بام با صـدای بلنـد فریاد زد: «مردم! خمینی را بردنـد.» همسایه ها با شـنیدن فریاد «خمینی را بردنـد» از خواب بیـدار شدنـد و به کوچه ها دویدنـد تا از بردن رهبرشان جلوگیری کننـد. صـدای همهمه و اجتماع مردم به زودی در تمام شـهر پیچیـد و شـهر از خواب شـبانه بیـدار شـد، ولی کمی دیر شـده بود. ساواکی ها به حـدّی نگران و وحشت زده بودند که حتی وقتی امام خواست چند دقیقه ای ماشین را نگه دارند تا نماز صبح را به جا آورد، نپذیرفتند.

امام با حالت دلداری به آن ها گفت:

این قـدر وحشت زده و مضـطرب نباشـید. در وسط این بیابان کسـی نیست که به شـما قصـد تعرض داشـته باشد. چند دقیقه ای ماشـین را برای ادای نماز متوقف سازیـد. شـما نیز نماز بخوانید. شـما ارتش کشور اسـلامی هستید. از بودجه اسـلام ارتزاق می کنید و لازم است که به احکام و فرامین اسلام پای بند باشید.(۲)

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۷۱.
۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۷۲.

آن ها پس از پافشاری امام رضایت دادنـد که چند لحظه ای ماشـین بیاسـتد تا امام با خاک کنار جاده تیمم کند. پس از تیمم، ماشین دوباره به راه افتاد و ایشان نماز صبح را در ماشین در حال حرکت خواندند.

ساعت هنوز ۵ صبح نشده بود که ماشین حامل امام به تهران رسید و یکسره به باشگاه افسران رفت. امام تا غروب همان روز در آن جا بود و هنگام غروب با یک ماشین جیب که شیشه های آن با پارچه های سیاه پوشیده شده بود، به پادگان قصر منتقل شد. ایشان به مدت ۱۹ روز؛ یعنی تا تاریخ ۴ تیرماه در آن جا زندانی بود و پس از آن به یک سلول انفرادی در پادگان عشرت آباد فرستاده شد.(۱)

هم زمان با دستگیری امام، یاران نزدیک ایشان را در شهرهای مختلف دست گیر کردند و به زندان ها فرستادند. برای مثال، آیت اللّه قمی در مشهد و آیت اللّه محلاتی در شیراز دست گیر و زندانی شدند. دستگیری امام بازتاب گسترده ای در جامعه داشت و به زودی مردم سراسر ایران را به مبارزه جدی با رژیم شاه کشاند.

۶. قیام مردم قم

۶. قیام مردم قم

وقتی خبر دستگیری امام در شهر قم پیچید، مردم به خروش درآمدند. پیش از طلوع خورشید، کوچه محل اقامت امام و خیابان های اطراف پر از جمعیت

۱- زندگی نامه سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۲۱۶.

شده بود. آنان در فراق رهبرشان اشک می ریختند و بر سر و سینه می زدند و علیه دستگاه حاکم شعار می دادند.

حاج آقا مصطفی از خانه بیرون آمد و به میان توده مردم گام نهاد و به همراه مردم خشمگین به سمت صحن مبارک حضرت معصومه علیهاالسلام به راه افتادند. جمعیت وقتی به چهار راه مریض خانه (شهدا) رسیدند، با دسته ای از پلیس برخورد کردند که برای پراکنده کردن تظاهر کنندگان آمده بودند، ولی وقتی خشم انقلابی مردم را دیدند پا به فرار گذاشتند. در آن روز، از کارگزاران برجسته دولتی کسی در صحنه دیده نمی شد و همه از ترس پنهان شده بودند.(۱)

مردم پشت سر فرزند برومند امام پس از گذشتن از خیابان ارم و میدان آستانه، وارد حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام شدند و با بلندگوی حرم به شعار دادن علیه رژیم و محکومیت دستگیری مرجع شیعیان پرداختند. علما و روحانیان تراز اول قم در خانه آیت اللّه العظمی گلپایگانی تشکیل جلسه دادند و با صدور اعلامیه ای در محکومیت رفتار ساواک، خواهان آزادی بی قید و شرط امام شدند. هم چنین از ملت مسلمان و مبارز خواستند که تا پیروزی نهایی دست از مبارزه برندارند. آنان پس از صدور بیانیه، خود نیز به جمع مردم پیوستند و جمعیت رفته رفته زیادتر شد. بیانیه علمای قم از بلندگوی حرم خوانده می شد و مردم یکپارچه شعار می دادند: «یا مرگ یا خمینی». کشاورزان و مردم جمکران و روستاهای اطراف قم نیز با شنیدن خبر دستگیری امام، خود

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۷۵.

را به شهر رساندند.(۱)

۷. حضور گسترده بانوان در قیام

۷. حضور گسترده بانوان در قیام

بسیاری از بانوان قم با فریاد «خمینی خمینی» به صف مبارزان پیوستند و به خیابان ها آمدند و به حماسه تاریخی مردم، شکوه بیش تری بخشیدند. بسیاری از بانوان، کودکان خردسال و حتی شیرخواره شان را همراه خود آورده بودند تا نشان دهند آماده هرگونه جانبازی و فداکاری در راه آرمان های اسلامی شان هستند و حتی از تقدیم عزیزان خردسالشان ترسی ندارند. سپس سیل خروشان مردان و زنان به تظاهرات خیابانی پرداختند و خواستار آزادی رهبرشان شدند.(۲)

۸. یورش وحشیانه رژیم به قم

۸. یورش وحشیانه رژیم به قم

رژیم شاهنشاهی که می خواست کاخ های خود را بر روی پیکرهای ملت آزاده ایران بنانهند و با ریختن خون مردم بی گناه و مسلمان از فروپاشی دودمان ننگین شاهنشاهی جلوگیری کند، وحشیانه به راه پیمایان انقلابی یورش آورد و آن ها را به رگبار گلوله بست. در این ماجرا، راه پیمایان یکی پس از دیگری به خون غلتیدند و به شهادت رسیدند. زنان که در صف مقدّم راه پیمایی بودند، بیش از همگان شهید و زخمی دادند، ولی آتش گلوله و رگبار مسلسل ها

۱- نهضت روحانیون، ج ۴، ص ۴۹.

۲- نهضت روحانیون، ج ۴، ص ۴۹.

نمی توانست جلو خشم مردم را بگیرد. آنان بـدون واهمه از تانک ها و مسـلسل ها که در مقابلشان آتش می گشود، به مبارزه خود ادامه می دادند.(۱)

یک کامیون نظامی که می خواست با حمله به تظاهر کننـدگان، شـماری را زیر چرخ های اتومبیل له کند، با حمله شدید مردم روبه رو شـد و یک جوان غیور به سـرعت راننده را از پشت فرمان پایین کشـید و وی را به شدت زخمی کرد. دو نفر دیگر که همراه وی بودند، پا به فرار گذاشتند و مردم کامیون نظامی را به آتش کشیدند.

حتی رژیم هواپیماهـای بمب افکن خود را به آسـمان قم روانه سـاخت تـا در صورت لزوم شـهر را بمبـاران کننـد. هواپیماهای جنگی با شکسـتن دیوار صوتی بر فراز شـهر می خواستند مردم را پراکنده کنند و ترس و وحشت را بر شهر حاکم سازند، ولی مردم به پا خاسته قم یک صدا فریاد می زدند: «مرجع شیعیان جهان را آزاد کنید».(۲)

مزدوران رژیم در آن روز، هرکسـی را که می دیدنـد، نشـانه می رفتنـد و به کوچـک و بزرگ و زن و مرد رحم نمی کردنـد. خونین ترین جنـایت خون آشامـان در خیابان تهران و چهار راه شاه اتفاق افتاد. در چهار راه شاه، شـماری از مردم در محاصـره نیروهای رژیم قرار گرفتنـد. و چون راه فراری نبود، سـربازان، بی امان به روی مردم آتش گشودنـد و همه را تیر باران کردنـد. گروهی به کوچه ها و بن بست ها پناه بردند، ولی رژیم به کوچه ها نیز یورش برد و همه را قتل عام کرد. از جمله، بسیاری در کوچه بن بست نمازی در کوچه مدرسه حجتیه به دستِ مزدوران رژیم به شهادت رسیدند.

۱- نهضت روحانیون، ج ۴، ص ۵۰ .

۲- نهضت روحانیون، ج ۴، ص ۵۲ .

علما و روحانیان که در صحن مطهر گرد آمده بودند، با شنیدن جنایت های رژیم به این نتیجه رسیدند که رژیم می خواهد برای نگهداری تاج و تخت خود، میلیون ها نفر را به خاک و خون بکشد. بنابراین در آن شرایط، بهترین راه مبارزه، آرام ساختن مردم بود، ولی کسی نمی توانست به مردم بگوید که دست از مبارزه بکشید و به خانه های خود برگردید. از این رو، فرزند امام ــ حاج آقای مصطفی ــ با توجه به نفوذ خود مأمور این کار شد. ایشان با تشکر از مردم که در مبارزه حضور گسترده داشتند، از آنان خواست به خانه هایشان برگردند تا در فرصت مناسب برای ادامه مبارزه اجتماع دیگری تشکیل دهند.

مبارزه مردم قم که از ساعت ۷ صبح آغاز شده بود، تا ساعت ۵ بعد از ظهر ادامه داشت. شب از راه رسید و این در حالی بود که بسیاری از خانواده ها در سوگ عزیزان خود عزا گرفته بودند. شب تاریک و مخوفی بود و از سراسر شهر سکوتی مرگبار می بارید. هیچ چشمی در آن شب به خواب نرفت و تا صبح در عزای عزیزانشان شام غریبان گرفته بودند؛ صحنه های کشتار هم رزمان و عزیزان به دست عناصر خون آشام شاه از ذهن هیچ کس پاک نمی شد.(۱)

یکی از مبارزان آن روز، صحنه هایی از جنایت های دژخیمان رژیم را در کوچه بن بست نمازی چنین نقل می کند:

سربازان مسلح بی رحمانه کشتار می کردند. باران گلوله از هر طرف می بارید. اجساد عزیزان مردم، در وسط کوچه و خیابان انباشته بود. خون سراسر خیابان ها را گرفته بود. صدای تفنگ و مسلسل لحظه ای قطع نمی شد. گرد و خاک همه جا را پوشانده بود. صدایمان گرفته بود. به سختی نفس می کشیدیم. جمعیت به تدریج نیروی مقاومت را از دست داد و یکباره همانند دانه های تسبیح که نخ

۱- نهضت روحانیون، ج ۴، صص ۵۲ ــ ۵۴ .

آن پاره شده باشد، به هر سو پراکنده شدیم.

مـا به سویی کشـیدیم، ولی هنوز از شـعار دادن دست برنمی داشتیم. ناگهـان در چهار راه شاه خود را از هر طرف در محاصـره سربازان بی رحم شاه دیدیم. آتش گلوله مانند باران به سوی ما شلیک می شد و برادران ما را مانند برگ های پاییزی به زمین می ریخت. راه گریز از هر سو به روی مـا بسـته بود. به ناچـار به کوچه بن بست نمـازی پنـاه بردیم، ولی جلادان در آن جا نیز دست از سـرما برنداشتند و ما را به مسلسل بستند. مرگ را در چند قدمی خود می دیدیم که ناگهان در خانه ای باز شد و زنی آشـفته و اشـک ریزان مـا را به داخل خانه فرا خوانـد. تنها دوازده نفر از ما با ورود به آن خانه از چنگال جلادان نجات یافتیم. من از پنجره نـاظر اوضاع کوچه بودم. کاش می مردم و آن منظره دلخراش و جانکاه را نمی دیـدم! سراسـر کوچه و قسـمتی از چهار راه که از پنجره دیـده می شـد مملو از اجساد کشـته شـدگان و مجروحان بود. فقط در همان کوچه نمازی، ۳۲ نفر افتاده بودنـد. نـاله جـان خراش مجروحـان به آسـمان می رفت. به چشم خود دیـدم که در چهـار راه خون راه افتـاده بود. ساعتی بعد صـدای تیراندازی قطع شد. سکوت مرگباری سراسـر شـهر را فرا گرفت. تنها غرش کامیون ها و صدای چکمه سـربازان و ناله مجروحان سـکوت را می شـکست. دیری نپایید که کامیونی سـر کوچه متوقف گردید و چند نفر سـرباز شتاب زده از آن پیاده شدند و داخل کوچه آمدند و اجساد کشـتگان و مجروحین را برداشته و توی کامیون می ریختند. بعضی از مجروحان که هنوز حـالی داشـتند، مرتب فریـاد می زدنـد که ما زنـده ایم، ولی کسـی به حرفشان گوش نمی داد. کامیون که از اجساد پر شـد، به سوی مقصد نامعلومی به حرکت درآمد. آن گاه ماشـین های آتش نشانی سر رسیدند و سراسر خیابان ها و کوچه ها را شستند و از خون پاک کردند.(۱)

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، صص ۴۷۹ _ ۴۸۱.

۹. تهران خونین

۹. تهران خونین

وقتی خبر دستگیری امام خمینی رحمه الله به رهبران سیاسی مذهبی و ملی در تهران رسید، آنان بی درنگ این خبر را در تهران پخش کردند و به زودی سراسر تهران به پا خاست. مردم از شنیدن این خبر شگفت زده شدند که رژیم چگونه جرأت کرده است رهبر و مرجع شیعیان جهان را دستگیر کند. از این رو، با خشم و نفرت تمام به خیابان ها ریختند و راه پیمایی گسترده ای به راه انداختند. از جمله مکان هایی که خبر دستگیری امام در همان لحظه های اولیه بدان جا رسید و واکنش شدیدی در پی داشت، دانشگاه تهران بود. دانشجویان کلاس های درس را ترک کردند و در محوطه دانشگاه به راه پیمایی پرداختند. پس از آن که شمار دانشجویان زیاد شد، تظاهرات را به خیابان های اطراف کشاندند. آن ها شعار می دادند: «خمینی را آزاد کنید». این شعار، توده های مردم را که از دستگیری امام آگاهی نداشتند، آگاه کرد و شور و هیجان و خشم آن ها را نسبت به رژیم طاغوتی شاه برانگیخت. سپس دانشگاه به اشغال نظامی پلیس و نیروهای نظامی درآمد و دانشگاه تعطیل شد.

در پی این پیش آمد، بازار تعطیل شد و همه، مغازه های خود را به نشانه اعتراض بستند. بازاریان از زمان آغاز مبارزه از جمله گروه هایی بودند که پشت سر علما و با تمام قدرت حرکت می کردند و از هیچ گونه فداکاری دریغ نمی ورزیدند. آن روز به بازاریان یکپارچه به خیابان ها آمدند و در کنار دیگر گروه های مردمی برای اجرا و تحقق آرمان های اسلامی به مبارزه پرداختند.(۱)

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۸۴.

بارفروشان تهران نیز با شنیدن خبر دستگیری امام، به صف تظاهر کنندگان پیوستند و دست از کار کشیدند و خشم و نفرت خود را نسبت به خاندان پهلوی به نمایش گذاشتند. پلیس از مرحوم طیب که به نوعی سرکردگی این گروه یعنی میدانی ها و بارفروشان را بر عهده داشت، خواست تا آن ها را از شرکت در تظاهرات ضد دولتی باز دارد، ولی وی به آن ها گفت: «این تظاهرات جنبه مذهبی و اعتقادی دارد و نمی توان این مردم را از حرکت بازداشت».

اگرچه رژیم سال ها کوشید تا دهقانان و کشاورزان کشور را با برنامه های اسارت بار اصلاحات ارضی به خود جلب کند، نفوذ کلام امام در میان کشاورزان و دهقانان و روشنگری های وی نسبت به آینده خطرناک برنامه های شاه، آن ها را نسبت به آینده اسلام و کشور نگران کرده بود و آنان به شدت احساس مسئولیت می کردند. بنابراین، با شنیدن خبر دستگیری رهبرشان از روستاها و اطراف تهران به پایتخت آمدند تا خشم و نفرت خود را آشکارا به خون آشامان اعلام کنند. در ۱۵ خرداد افراد زیادی از کشاورزان ورامین، کن، جماران و دیگر روستاها به تهران سرازیر شده بودند. در این روز، ده ها هزار نفر از مردم پایتخت و حومه از روحانی گرفته تا دانشجو و بازاری و کشاورز همراه با دیگر گروه های مردمی، دوش به دوش هم و یک دل و یک صدا به یاری رهبر خود شتافتند و با فریادهای دشمن شکن و استبداد براندازشان، بانگ زدند: «یا مرگ یا خمینی»؛ «خمینی پیروز است» و «مرگ بر شاه».

مردم در برابر شاه قرار گرفته بودند. آن ها میدان ها و مکان هایی را که نام شاه بر آن ها

بود، به نام «امام خمینی رحمه الله» نام گـذاری می کردنـد. جمعیت تظاهر کننـده وقتی به میـدان «شاه» رسـیدند، هم صدا فریاد زدنـد که نام این میـدان، میـدان خمینی است و وقتی قرار شـد در مسـجد شاه گرد هم آینـد، همه فریاد زدنـد مردم در مسـجد خمینی جمع شوند.

مردم تهران آمـده بودند تا تکلیفشان را با حکومت یزیدی یکسـره کنند. وقتی خشم و انزجار آنان نسبت به دسـتگاه حکومتی بالاـ گرفت، یـک صـدا فریاد زدنـد: «مرگ بر شاه»؛ «ما شاه نمی خواهیم»؛ «دیکتاتور برو گم شو». این شـعارها بـدون هرگونه برنامه ریزی قبلی، از عمق جان مردم سرچشمه می گرفت و خواست قلبی مردم را بیان می کرد.

گروهی از راه پیمایان انقلابی به کاخ شاه هجوم بردند و گروهی نیز به سوی اداره رادیو یورش بردند و در و پنجره های آن را شکسـتند، ولی آتش مسـلسل های مزدوران رژیم امکان پیشروی بیش تر را به آن ها نداد. برخی نیز برای این که بتوانند مسلح شونـد و به مبارزه مسـلحانه با رژیم بپردازند، به اداره تسـلیحات ارتش در کنار میدان توپخانه هجوم آوردند. مردم به هر جایی که از آنِ رژیم بود، حمله ور می شدند. آن ها ماشین های دولتی را که بر سر راهشان بود، واژگون می کردند. از جمله مکان هایی که مورد حمله مردم خشمگین قرار گرفت، سازمان فرهنگی ایران و امریکا، کارخانه پپسی کولا و باشگاه ورزشی شعبان بی مخ بود.(۱)

اوج قیام ۱۵ خرداد زمانی بود که مردم به کاخ شاه هجوم آوردند و شعار «مرگ بر شاه» سر دادند. هزاران نفر کماندو و سرباز مسلح از کاخ شاه

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۸۶.

پاسـداری می کردنـد و صدها دسـتگاه تانک و توپ در اطراف کاخ مسـتقر شده بود. مردم بدون هیچ گونه واهمه ای به کاخ شـاه نزدیک می شدنـد و شـعار مرگ بر شاه سـر می دادنـد. تاج و تخت پادشاهی در آسـتانه فروپاشـی قرار داشت و پایه های حکومت اسـتبدادی به لرزه افتاده بود. مردم تا چنـد قـدمی تانک ها و مسـلسل ها رسـیده بودنـد که ناگهان بی رحمانه ترین و وحشـیانه ترین حمله ها به سوی مردم صورت گرفت. تانک ها و مسـلسل ها و توپ هایی که از دسترنـج این ملت و برای دفاع از آب و خاک این مرز و بوم خریـداری شده بود، علیه مردم بی دفاع به کار افتاد و از پیکرهای آزاد مردان مسـلمان و مبارزان انقلابی پشـته ها ساخت. بوی خون و باروت همه جا پیچیـده بود و صـدای «مرگ بر شاه» با غرّش توپ ها و مسـلسل ها درهم می آمیخته. از خیابـان هـا و کوچه ها جوی خون جاری بود و پیکرهای زیادی در میـدان ارک (مقابل اداره انتشارات رادیو) و میـدان توپ خانه و خیابان های اطراف کاخ مرمر روی هم انباشـته شـده بود. هر دستی که بالا می رفت و هر دهانی که باز می شـد، مورد هدف گلوله مسـلسل ها قرار می گرفت. اطراف کاخ مرمر به صورت کشـتارگاه انسانی درآمده بود و شاه به گمان باطلش با ریختن خون سرخ مردم، انقلاب خود را سفیدتر می کرد.

۱۱. کشتار مردم ورامین

۱۱. کشتار مردم ورامین

یکی دیگر از جنـایت هـای رژیم، کشـتار مردم بی دفـاع و رنـج کشـیده ورامین بـود. دهقانـان و کشـاورزان ورامین که در ۱۵ خرداد کفن پوشیده بودند و با پای پیاده برای پشتیبانی از رهبر خویش روانه پایتخت بودند، در راه با کامیون های

نظـامی و تانـک هـای خون آشامان رژیم برخورد کردنـد. عناصـر خود فروخته رژیم از مردم می خواسـتند به روسـتاهای خود برگردنـد و از تظـاهرات دست بردارنـد، ولی مردم چنـان خشـمگین بودنـد و در دفاع از اسـلام و رهبر خود جان بر کف نهاده بودنـد که به دسـتورهای آنان توجهی نکردند و با تمام نیرو به آن ها حمله ور شدند. البته آتش مسـلسل ها و تانک ها به آنان اجازه نداد که به نظامیان نزدیک شوند و چون در آن بیابان، جان پناهی نبود، تظاهرکنندگان به صورت دسـته جمعی به خاک و خون کشـیده شدند و کفن های سـفید به خون رنگین شان آغشـته شد. سـپس حرکت تانک ها بر روی جسدهای کشتگان، استخوان های آن ها را خرد کرد، به گونه ای که هویت جنازه های آنان برای بستگانشان نیز قابل تشخیص نبود.

رژیم با شدت تمام، قیام ۱۵ خرداد را در تهران و قم و دیگر شـهرها سرکوب کرد و هزاران نفر را به خاک و خون کشید. هم چنیـن افزون بر کارهـای فاشـیستی و دیکتاتورمآبـانه، بـا طرح نقشه هـایی کوشـید راه پیمـایی گسـترده مردمی را که بـا هـدف سرنگونی حـاکمیت جور و اسـتبداد و در دفـاع از ارزش هـای اسـلامی و اسـتقلال کشور صورت گرفته بود، از مسـیر اصـلی و هدف خود منحرف کند. رژیم، عناصـر ساواک و وابسـته به خود را با لباس های سـیاه به جمع تظاهرات کنندگان فرسـتاد تا با شکسـتن شـیشه و پنجره های مکان های عمومی و غارت مغازه های مردم و حمله به زنان و دختران، این گونه جا بیاندازند که راه پیمایان آشوبگرند و در پی هرج و مرج و سلب آسایش عمومی

هستند و سرکوب و کشتن آن ها به سود عموم جامعه است.(۱)

۱۲. اعلام حکومت نظامی

۱۲. اعلام حکومت نظامی

تظاهرات مردمی پانزده خرداد که کاخ ستم شاهی را به لرزه درآورده بود، رژیم شاه را به فکر چاره جویی انداخت. آنان وحشت زده و نگران به هر شیوه ای دست می زدند تا از پیشروی و گسترش نهضت مذهبی و ملی مردم جلوگیری کنند. بهترین راه حلی که در پیش گرفتند، این بود که از همه رفت و آمدها و گردهم آیی ها جلوگیری کنند تا جلو هرگونه شورش و اعتراض گرفته شود.

بنابراین، فرماندار انتظامی تهران (نصیری) در اعلامیه ای هرگونه رفت و آمد در پایتخت و حومه را از ساعت ۸ بعد از ظهر ۱۵ خرداد ممنوع اعلام کرد و دستور داد هرکس که بر خلاف فرمان حکومت نظامی در شهر رفت و آمد کند، تیر باران خواهد شد.

سیاهی شب فرا رسید و شهر در سکوتی مرگبار فرو رفت. از همه جا وحشت و مرگ می بارید. پیکرهای شهیدان هنوز در خیابان ها مانده بود و هر از چند گاهی صدای شلیک گلوله و رگبار مسلسل بر وحشت شب می افزود. حرکت کامیون های نظامی و رفت و آمد سربازان و کماندوها در طول شب ادامه داشت. کامیون های نظامی از پیکرهای کشتگان پر می شد و به سمت قبرستان ها حرکت می کرد. در میدان ها و خیابان های مهم شهر، تانک ها و

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۸۸.

کامیون های نظامی هرگونه حرکتی را زیر نظر داشتند. بازار، دانشگاه، مسجدها و میدان بار فروش ها در محاصره پلیس قرار داشت و هرکس که در خیابان ها دیده می شد، بازداشت می شد.

پلیس در یک حمله وحشیانه به کوی دانشگاه در امیرآباد، صدها نفر از دانشجویان را که به نوار سخنرانی امام خمینی رحمه الله در عصر عاشورا گوش می کردند، دستگیر و روانه زندان کرد. ساواک هر شخصیت مذهبی و سیاسی را که احتمال می داد در جنبش مردمی نقشی داشته باشد، دستگیر می کرد و به بازداشت گاه ها و پادگان های نظامی می فرستاد.

دژخیمان پهلوی توانسته بودند به زور سرنیزه و تانک و مسلسل، جنبش مردمی را در پانزده خرداد متوقف کنند و به ظاهر پیروز شوند؛ غافل از آن که این سکوت فریاد زیر خاکستری بود که به زودی ارکان رژیم را در برمی گرفت و دودمان آن را درهم می شکست.

۱۳. کشتار مردم در ۱۶ خرداد

۱۳. کشتار مردم در ۱۶ خرداد

رژیم فکر می کرد با خون ریزی بی رحمانه ای که در تهران به راه انداخته بود، دیگر کسی جرأت آمدن به خیابان و اعتراض به بیدادگری های رژیم را نخواهد داشت، ولی فردای آن روز، مردم از جان گذشته و مسلمان تهران دوباره به خیابان ها آمدند تا ثابت کنند که از آرمان های اسلامی خویش دست نکشیده اند و هرگز رهبری خویش را تنها نخواهند گذاشت. تظاهر کنندگان با دادن شعار «یا مرگ یا خمینی» به سوی کاخ شاه به حرکت درآمدند و در سر راه خود به کامیون ها و زره پوش های رژیم حمله ور شدند و شماری از آن ها را به آتش کشیدند.

شاه که از حماسه بزرگ مردم آشفته شده بود، فرمانی صادر کرد که هیچ کس نباید گلوله ای را هدر بدهد. هر گلوله باید در مغز و قلب تظاهر کنندگان جای بگیرد. بنابراین، فرمان «به قصد کشت» صادر شد تا جنبش مردم را بتواند سرکوب کند. به فرمان شاه، تانک ها به حرکت درآمدند و مسلسل ها غرّیدند و مبارزان مسلمان را به خاک و خون کشیدند.

وحشی گری رژیم در روز ۱۶ خرداد با روزهای گذشته فرق اساسی داشت. اگر در روزهای گذشته حکومت ستم شاهی می خواست مخالفان رژیم را پراکنده سازد و قیام و جنبش آن ها را سرکوب کند، ولی در ۱۶ خرداد فرمان ستمگرانه شاه اقتضا می کرد که هیچ گلوله ای بی هدف شلیک نشود و باید قلب و مغز مبارزان نشانه گرفته می شد. راه پیمایی ۱۶ خرداد نیز چهره واقعی رژیم را که آدم کشی و خون خواری از ویژگی های ننگین آن بود، آشکارتر ساخت و به جهانیان ثابت کرد که رژیم برای اجرای انقلاب سفید، حاضر است تمام کشور را به خون بکشد.

۱۴. قیام در دیگر شهرستان ها

۱۴. قیام در دیگر شهرستان ها

هم زمان با تهران و قم، در شهرستان های دیگر کشور نیز تظاهرات مردمی و اعتصاب های عمومی برای اعتراض به دستگیری رهبری نهضت به راه افتاد که با یورش جنایت کاران رژیم روبه رو شد.

در شیراز، قیام اسلامی مردم این شهر در ۱۶ خرداد به شدت از سوی رژیم سرکوب شد. آیت اللّه محلاتی ــ از روحانیان برجسته ــ با روشنگری و آگاه سازی مردم شیراز و استان فارس و عشایر آن منطقه، از جنایت های رژیم ستم شاهی پرده برداشت و نقش مؤثری در جنبش مردمی آن منطقه بر عهده

گرفت. ساواک همیشه می کوشید با محدود کردن این روحانی مبارز، از شورش مردم این خطه از کشور جلوگیری به عمل آورد که هیچ گاه موفق نشد. ساواک با اوج گیری قیام مردمی و هم زمان با دستگیری امام خمینی رحمه الله، آیت اللّه محلاتی را نیز همراه با چند نفر از روحانیان مبارز دستگیر کرد و به تهران فرستاد. راه پیمایی و مخالفت مردم شیراز با رژیم که در ۱۵ خرداد به دلیل اعتراض به دستگیری امام خمینی رحمه الله ادامه داشت، در روز ۱۶ خرداد با شور و حال دیگری ادامه یافت. شنیدن خبر جنایت های رژیم در تهران و قم نیز در ایجاد شور و هیجان مردمی بی تأثیر نبود. گروه زیادی از راه پیمایی کنندگان در آن روز دستگیر و روانه زندان های رژیم شدند. روزنامه اطلاعات نوشت:

اشخاصی که در وقایع ۱۶ خرداد در شیراز متهم هستند، حدود ۵۰۰ نفر می باشند که عده ای از آن ها دستگیر شده و به زودی محاکمه خواهند شد و مأمورین در تعقیب سایر متهمین هستند.(۱)

اعتراض های مردمی در مشهد از شدت بیش تری برخوردار بود. آیت اللّه قمی و آیت اللّه میلانی از جمله شخصیت های مبارزی بودند که در مشهد به افشاگری جنایت های رژیم می پرداختند. با اوج گیری مبارزات مردم در تهران و قم و دیگر شهرها، دستگاه خون آشام شاه احتمال می داد که در مشهد نیز مخالفت ها گسترده تر شود. بنابراین، از اول صبح جاهای حسّاس شهر به محاصره نیروهای نظامی درآمده بود. روز دوازده محرم (۱۵ خرداد) وقتی آیت اللّه قمی به قصد زیارت حرم مطهر امام رضا علیه السلام از خانه به راه افتاده بود، وضع

۱- روزنامه اطلاعات، ۵ شهریور ۱۳۴۲.

غیرعادی شهر را می بیند که شهر در اشغال نیروهای نظامی است و بازار تعطیل است و از رفت و آمد روزانه مردم جلوگیری می کنند و صدای شلیک تیر هوایی به گوش می رسد. آیت اللّه قمی پس از اقامه نماز ظهر و عصر در مسجد گوهرشاد، می خواست به خانه برگردد که سیل جمعیت پشت سر ایشان به راه افتادند. رژیم که از شکل گیری تظاهرات گسترده بیمناک بود، از حرکت مردم جلوگیری کرد، ولی مردم به هشدار پلیس توجهی نکردند و به افراد مسلح هجوم آوردند. مزدوران رژیم نیز مردم بی دفاع را به رگبار گلوله بستند و آزادی خواهان مسلمان را به خاک و خون کشاندند. در این راه پیمایی، آیت اللّه قمی را دستگیر کردند و با یک آمبولانس یکسره به تهران و زندان قصر فرستادند و ایشان نیز در جوار سلول امام خمینی رحمه الله زندانی شد.

یکی دیگر از شهرهایی که اعتصاب ها و راه پیمایی های مردم گستردگی بیش تری داشت، شهر تبریز بود که با یورش وحشیانه رژیم روبه رو شد. در دیگر شهرهای کشور نیز مردم همانند مشهد و شیراز به اعتصاب هایی دست زدند و با بستن بازار و تعطیلی مغازه ها و با راه انداختن اجتماع و راه پیمایی، خشم و نفرت خود را نسبت به دژخیمان رژیم نشان دادند.

۱۵. دروغ پراکنی و وارونه جلوه دادن واقعیت ها

۱۵. دروغ پراکنی و وارونه جلوه دادن واقعیت ها

رژیم خون آشام شاه که با کشتار آزادی خواهان و دین داران در تهران و قم و دیگر شهرها توانسته بود به صورت موقت تاج و تخت خود را از فروپاشی کامل نجات دهد، سرمست پیروزی ظاهری بود و دنیا را به کام خود می دید. شاه فکر می کرد با حمام خونی که در ایران به راه انداخته است، دیگر کسی جرأت نمی کند رو در روی رژیم بایستد و به مخالفت با او برخیزد. وی که

خود را یکه تاز میدان می دید و از این که با کشتار مردم توانسته است منافع امپریالیسم غربی و صهیونیسم جهانی را حفظ کند و ایران را به طور موقّت، جزیره امنی برای اربابان خویش درآورد، بسیار مغرور و خوش حال بود. البته هنوز ترس و نگرانی ناشی از قیام مردمی ۱۵ خرداد، رژیم را هراسان نگاه داشته بود و شاه از وحشت نهضت و انقلاب مردم هنوز بر خود می لرزید. بنابراین، کوشیدند تا با صحنه سازی و دروغ پراکنی زمینه را برای گرفتن انتقام از رهبری نهضت و روحانیان و مبارزان سیاسی فراهم کنند. در حالی که آیت اللّه میلانی و آیت اللّه قمی در زندان به سر می بردند، روزنامه های وابسته به دربار در یک اعلامیه جعلی با تیتر درشت نوشتند:

حضرت آیت اللّه میلانی و آیت اللّه طباطبایی قمی مردم را به آرامش و رعایت نظم دعوت کردند. رژیم از یک سو علما و روحانیان مبارز را زندانی کرده بود و از سوی دیگر، به نام آن ها دروغ سازی می کرد و مردم را به آرامش فرا می خواند. این امر ترس و وحشت بی اندازه رژیم طاغوتی از خشم مردم را نشان می داد.(۱)

پاکروان ــ رئیس سازمان امنیت کشور ــ در یک گفت وگو مطبوعاتی در بعد از ظهر ۱۵ خرداد، برای این که ذهن ها را برای شایعه پراکنی آماده سازد، قیام اسلامی مردم را ارتجاع خواند و عنوان کرد که قیام کنندگان به تحریک کشورهای خارجی شورش کرده اند و افرادی که در راه پیمایی شرکت داشتند،

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۹۵.

از عناصر بیگانه پول می گرفته اند.(۱)

نخست وزیر وقت _ اسداللّه علم _ نیز در گفت وگو با خبرنگاران خارجی ادعا کرد که تمامی سران و بزرگان قیام کنندگان دستگیر شده اند و در مخالفت های مردمی بر ضد حکومت، در اثر تیراندازی مأموران پلیس تنها ۲۰ نفر کشته شده اند. وی در این گفت وگو که در ۱۷ خرداد ترتیب یافته بود، گفت:

۱۵ نفر از بزرگ ترین پیشوایان مذهبی که در آشوب ضد دولتی این هفته در شهرهای مختلف دست داشتند، تسلیم محکمه نظامی خواهند شد و محکمه نظامی ممکن است معنی مجازات اعدام را داشته باشد.(۲)

پیرو دروغ پردازی های عناصر وابسته دربار، خود شاه نیز در ۱۷ خرداد پس از مصاحبه اسد اللّه علم، قیام مردمی آزادی خواه و استبدادستیز را «ارتجاع سیاه» خواند و حرکت مقدس آنان را «اقدام وحشیانه» نامید. سپس با روا داشتن تهمت های بزرگی به ملت شریف ایران، با نگرانی و بیچارگی، دروغ هایی را سر هم کرد که هیچ عقل سلیمی آن را باور نمی کرد. وی گفت:

باید به شما بگویم که متأسفانه کسانی که بساط پانزده خرداد را به راه انداختند، کما این که در میان کسانی که زخمی شده اند یا دستگیر شده اند، خیلی از آن ها می گفتند که ما چه کار کنیم؛ به ماه ۲۵ ریال پول داده بودند و می گفتند در کوچه ها بدوید و بگویید: «زنده باد فلانی». ما حالا می دانیم این وجوه از کجا رسیده است و به شما ملت ایران به زودی جزییات گفته خواهد شد. فقط این

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، صص ۴۹۵ _ ۴۹۸.

۲- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۴۹.

موضوع اوّلاً ـ از لحاظ ایرانیّت یک ایرانی که پول خارجی را بگیرد و بر ضد جامعه خودش اقدام کند، این را چه می شود گفت. دوم یک نفر شیعه پول بگیرد از یک نفر مسلمان غیر شیعه این چیست؟ و این خون هایی که در روز پانزده خرداد ریخته شد، به گردن کیست و کی مسئول این خون هاست. باید بگویم کسانی که بساط پانزده خرداد را به راه انداخته و باعث ریخته شدن خون ها شده اند، به زودی به سزای اعمال خودشان خواهند رسید.(۱)

نقشه رژیم این بود که با پیوند دادن قیام مردم با عوامل بیگانه و زدن برچسب ارتجاعی و مادی به قیام، از سویی قیام اسلامی مردم را مادی جلوه دهد که برای ۲۵ ریال و آن هم به تحریک بیگانگان! به خیابان ها ریخته اند و از سوی دیگر، زمینه را برای اعدام رهبر ملت فراهم کند. البته رویدادها و تحولات آینده، رسوایی بزرگی برای رژیم شاه به بار آورد و ساختگی بودن گفته های آنان را بر همگان روشن ساخت. به طور کلی، قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲، زمینه را برای پیروزی نهضت مردم در سال ۵۷ فراهم کرد و پایه های تشکیل حکومت اسلامی را در ایران بنیان نهاد.

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۰۰ .

فصل چهارم: ویژگی های قیام ۱۵ خرداد

اشاره

فصل چهارم: ویژگی های قیام ۱۵ خرداد

زیر فصل ها

۱. دینی بودن

۲. مردمی و خودجوش بودن

۳. رهبری شایسته و توانمند

۴. همه جانبه بودن

۵. استقلال فکری

۶ . استبداد و استعمارستیزی

۱. دینی بودن

۱. دینی بودن

یکی از مهم ترین ویژگی های قیام پانزده خرداد، دینی و اسلامی بودن حرکت مردم بود. البته این بدان معنا نیست که عامل حرکت مردم، تنها ایدئولوژیکی و عقیدتی بوده و عوامل دیگر در پدید آمدن نهضت، اثر نداشته است. اسلامی که امام خمینی رحمه الله بر اساس اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله به جهانیان معرفی کرد، افزون بر معنویت گرایی، هرگونه ستم و استبداد را نیز نفی می کرد. و خواستار برابری اجتماعی و برچیده شدن فاصله طبقاتی و تقسیم عادلانه ثروت میان همه گروه های مردمی بود.

شهید مرتضی مطهری در این باره می گوید:

نهضت ما واقعا یک نهضت اسلامی بوده است. با آن که نهضت از سویی خواهان عدالت بود و از سویی دیگر، در جست وجوی آزادی و استقلال، ولی عدالت را در سایه اسلام می خواست و استقلال و آزادی را در پرتو اسلام جست وجو می کرد. به عبارت بهتر، نهضت ما همه چیز را با رنگ و بوی اسلامی طلب می کرد. این، همان جهت مورد خواست و میل ملت بود.(۱)

اساسا اسـلام، دین کفرستیز و مکتب مبـارزه با بی عـدالتی ها و بردگی هاست، ولی این جنبه های اجتماعی دین اسـلام در اثر تبلیغات دروغ و حکومت های پادشاهی، فراموش شده بود که امام خمینی رحمه الله توانست این غبار را از چهره

۱- مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، ص ۵۴ .

اسلام بزداید. امام بیان داشت که سیاست مسلمان از دیانت وی جدا نیست و هر فرد مسلمان یک فرد سیاسی و مبارز علیه بی عدالتی هاست. بنابراین، مسلمانان که ارزش های اسلامی و قرآن و مذهب خود را در خطر می دیدند، در سایه آموزه های اسلام به مبارزه برخاستند و به خیابان ها ریختند تا حقوق از دست رفته خود را بازیابند.

نهضت های پیشین که بیش تر جنبه ملی و مذهبی یا تنها رنگ ملی داشتند، نتوانستند موفقیت اساسی به دست آورند. در این نهضت ها، رهبران سیاسی از رهبران دینی جدا بودند و مسایل مذهبی تحت الشعاع مسایل ملی قرار می گرفت. رهبران ملی نیز چندان توجهی به مذهب نداشتند. در مقابل، آن چه در پانزده خرداد رخ داد، این بود که رهبران مذهبی و سیاسی یکی بودند و در اصل، سیاست نهضت بر پایه دیانت و باورهای مذهبی مردم بود و مبارزه بر اساس اسلام بود.

ریچارد نیکسون، از نظریه پردازان و سیاست مداران امریکا در تحلیل ماهیت انقلاب اسلامی بر این امر تأکید می کند که انقلاب ایران، انقلاب علیه همه ارزش های غربی و شرقی بود. وی با رد انگیزه های مادی در قیام مردم، باورهای مذهبی توده ها را عامل اصلی حرکت مردم معرفی می کند.(۱)

۲. مردمی و خودجوش بودن

۲. مردمی و خودجوش بودن

بی تردید قیام پانزده خرداد را توده های مردمی بر اساس آموزه های اسلام و به رهبری عالمان دینی به ویژه امام خمینی؛ آغاز کردند و ادامه دادند. در سال

۱- مؤلّفه های مدنیت ولایی در ایران، ص ۲۴۹.

۴۲، برنامه و سازمان دهی مشخصی از سوی یک گروه یا حزب خاصی برای حرکت مردم پیش بینی نشده بود. تنها گروه های مختلف مردم؛ یعنی بازاریان، کارگران، کشاورزان، روحانیان، دانشجویان و... آن گاه که دیدند اسلام و قرآن در خطر است، به رهبری یک مرجع تقلید آگاه، در راه مبارزه با استبداد و استعمار داخلی و خارجی گام نهادند و برای تحقق آرمان های اسلامی به خیابان ها ریختند.

این قیام به غرب و شرق وابسته نبود و از سوی حزب یا گروه خاصی سازماندهی نمی شد، بلکه قیام کاملاً ـ مردمی علیه حکومت استبدادی شاه و استعمارگران بود. نهضت مردم ایران از باورهای مذهبی آن ها سرچشمه می گرفت و مبارزه با استبداد عامل وحدت بخش همه گروه های مبارز بود. رهبران مذهبی به عنوان نیروی مستقل، مردمی، روشن بین و استبداد ستیز، رهبری توده های مردم را بر عهده داشتند.(۱)

در شرایطی که رژیم تا دندان مسلح بود و هرگونه مخالفتی را در هم می کوبید و هر صدای مخالفی را در گلو خفه می کرد، تنها نیرویی که می توانست در برابر مسلسل ها و تانک های رژیم پایداری کند و استبداد را به وحشت اندازد، نیرو و قدرت شگفت انگیز ایمان مردم بود. هیچ حرکت انقلابی بدون پشتوانه مردمی به پیروزی و نتیجه نمی رسید. پیروزی انقلاب اسلامی نیز دستاورد حضور حماسی مردم در قیام پانزده خرداد ۴۲ بود.

امام خمینی رحمه الله که رهبری نهضت مردم را بر عهده داشت، درباره ماهیت

۱- اقتصاد سیاسی ایران، ص ۲۷۳.

مردمی قیام پانزده خرداد می فرماید:

اشخاصی که در ۱۵ خرداد جان دادند، هرچه هست [از] این قشر پایین است. این قشر کشاورز است؛ این قشر کارگر است؛ این تاجر مُسلِم است؛ این کاسب مُسلِم است؛ این روحانی متعهد است. هرچه هست، از این قشر است. پس ۱۵ خرداد را به تبع اسلام این ها به وجود آوردند و به تبع اسلام این ها حفظ کردند و به تبع اسلام این ها نگهداری می کنند.(۱)

۳. رهبری شایسته و توانمند

۳. رهبری شایسته و توانمند

حکومت ستم شاهی محمدرضا توانسته بود با همکاری قدرت های استعمارگر و به زور سرنیزه و شکنجه و زندان، همه مخالفان خود اعم از ملی گرایان، چپ گرایان، مالکان، نخبگان و روشن فکران را سرکوب کند و اوضاع سیاسی کشور را به سود خود آرام سازد. در چنان شرایطی، امام خمینی رحمه الله در برابر هشدارها و تهدیدهای رژیم هیچ گاه تسلیم نشد و در عاشورای ۴۲ چنان ضربه محکمی به دودمان پهلوی زد که کاخ ستم شاهی را برای همیشه به لرزه درآورد. امام در زمانی که شاه خود را شاهنشاه و شکست ناپذیر می خواند، وی را بدبخت و بیچاره خواند.

صراحت بیان، شجاعت، هوشیاری و زمان شناسی از ویژگی های مهم امام بود.(۲) هم چنین ایشان دارای اصالت فکری بود و همین عامل، در بسیج نیروهای

۱- صحیفه نور، ج ۷، ص ۵۶ .

۲- غلام رضا نجاتی، تاریخ بیست و پنج ساله ایران، مؤسسه فرهنگی رسا، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۴۷۷.

مردمی نقش مؤثری داشت. وی عضو حزب یا گروه سیاسی خاصی نبود و تنها با توکل به خدا و باور راسخ به نیروی مردمی، مبارزه خود را با رژیم آغاز کرد.

اساس حرکت امام بر پایه مبانی اسلامی بود و هدف او تحقق آموزه های اسلام بود. وی در این راه، از هیچ کوششی فروگذار نمی کرد و خستگی ناپذیر بود. شهید سعیدی نقل می کند که پس از ۱۵ خرداد به امام گفتم: «ممکن است یاران کم تری در راه مبارزه داشته باشید» که امام فرمود:

به خدا قسم، اگر تمام جن و انس پشت به پشت هم بدهند و در مقابل من بایستند، من چون این راه را حق یافته ام، از پای نخواهم نشست.(۱)

آن چه این نهضت را از نهضت های پیشین متمایز می کرد، وجود یک رهبر دینی و مرجع تقلید در رأس حرکت مردمی بود. این گونه نبود که مردم به یک عضو حزب یا گروه سیاسی رأی بدهند و او را به رهبری برگزینند، بلکه به دلیل مبارزات طولانی، ایشان در میان مردم جایگاه والایی یافت و توانست رهبری مردم را به دست گیرد.

ممکن است افرادی پیدا شوند که ویژگی های یک رهبر سیاسی را داشته باشند، ولی تفاوت امام با دیگر مبارزان سیاسی این بود که ایشان راه تازه ای برای مبارزه با رژیم برگزید. روشی که امام برای فشار بر رژیم به کار برد و منطقی را که برای بسیج توده های مردم به کار گرفت، با راه و روش دیگران متفاوت بود.

بی شک، اسلام، ریشه ای دیرینه در تار و پود ملّت ایران دارد و ایرانیان

۱- شهدای روحانیت، ص ۲۲۶.

مسلمان علاقه خاصی به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم(علیهم السلام) می دهند. مبارزه و نهضت امام خمینی رحمه الله نیز در قالب دین اسلام و آموزه های مذهب شیعه صورت گرفت. بنابراین، وقتی مردم یک مرجع دینی را در رأس مبارزه دیدند، با جان و دل به او پیوستند و فتواها و دستورهای ایشان را واجب دانستند.

شهید مطهری در این زمینه می گوید:

امام خمینی به این علت رهبر بلامنازع و بلا معارض این نهضت شد که علاوه بر این که واقعا شرایط و مزایای یک رهبر در فرد ایشان جمع بود، ایشان در مسیر فکری و روحی و نیازهای مردم ایران قرار داشت. حال آن که دیگران (یعنی) آن ها که برای کسب مقام رهبری نهضت تلاش می کردند، به اندازه ایشان در این مسیر قرار نداشتند. رمز موفقیت رهبر[ی امام] در این بود که مبارزه را در قالب مفاهیم اسلامی به پیش برد. ایشان با ظلم مبارزه کرد، ولی مبارزه با ظلم را با معیارهای اسلامی مطرح کرد. امام از طریق القای این فکر که یک مسلمان نباید زیر بار ظلم برود و یک مسلمان نباید تن به اختناق بدهد و مؤمن نباید زیردست و فرمانبر کافر باشد، مبارزه خود را آغاز کرد.(۱)

بنابراین، رهبری مبارزان در پانزده خرداد در دست یک مرجع تقلید بود و هیچ گروه و فرد دیگری با گرایش ملی یا چپ در کار رهبری دخالتی نداشت.

۴. همه جانبه بودن

۴. همه جانبه بودن

از دیگر ویژگی های قیام پانزده خرداد، همه جانبه بودن و گستردگی حرکت مردم در جنبه های گوناگون بود. هیچ کدام از نهضت های پیشین، این چنین گسترده و همه جانبه نبودند. نهضت های گذشته، بیش تر در تهران یا چند شهر

۱- پیرامون انقلاب اسلامی، صص ۵۱ و ۵۲ .

بزرگ کشور، هوادارانی از یک طبقه یا گروه خاص پیدا می کرد یا به دلیل سطحی بودن خواسته های قیام کنندگان، با عقب نشینی رژیم، جنبش قیام کنندگان نیز پایان می یافت. هم چنین گاه با سرکوبی قیام کنندگان و دستگیری رهبران آن دیگر هیچ گونه واکنشی صورت نمی گرفت و صدای اعتراض آن ها برای همیشه قطع می شد.

در عاشورای ۱۳۸۳ ه . ق، مردم مسلمان و مذهبی که از سراسر کشور برای زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام و نیز برای برقراری ارتباط بیش تر با علما و مراجع به قم آمده بودند، با چشم خود وحشی گری ها و جنایت های رژیم را در کشتار مردم و حمله به مراکز دینی دیدند. پس از آن، مردم حتی در روستاهای دور افتاده نیز از جنایت های رژیم علیه اسلام سخن می گفتند.

پس از دستگیری حضرت امام، دیگر هر فرد مسلمانی بر اساس باورهای مذهبی اش، خود را موظف به مبارزه با رژیم می دانست. به دیگر سخن، دین داری مساوی با مبارزه با رژیم شده بود؛ چون توهین به ساحت دین و مراجع و قرآن برای یک فرد مسلمان تحمل پذیر نبود. بنابراین، وقتی پانزده خرداد آغاز شد، تمام کشور به پا خاست و همه نهادها و مراکز علمی و مذهبی و سیاسی را حتی در خارج از مرزهای ایران به واکنش وا داشت.

دلیل گستردگی و همه جانبه بودن قیام پانزده خرداد، واکنش کشورها و نهادها و سازمان های بین المللی نسبت به این قیام بود. بی شک، شکوه و گستردگی این قیام، امپریالیسم غربی و کمونیسم شرقی را به وحشت انداخته بود. از این رو، برای جلوگیری از قیام اسلامی مردم ایران، آن را یک حرکت ارتجاعی لقب دادند و محکوم کردند تا بتوانند با پشتیبانی از دستگاه وابسته

داخلی، منافع استعماری خویش را بهتر فراهم آورند و از توفانی که منافع آن ها را به خطر انداخته بود، نجات یابند.

در این نهضت، همه گروه های مردمی شرکت داشتند؛ زیرا همگان بر اساس باورهای اسلامی، سکوت در برابر ستم و استبداد را ننگ می دانستند. آنان آشکارا وابستگی رژیم پهلوی به بیگانگان و غارت بیت المال به دست استعمارگران را به چشم می دیدند و رژیم استبدادی شاه را دژخیمانه ترین حکومت تشخیص می دادند. بنابراین، همگی دست در دست هم نهادند تا حکومت خفقان و استبداد و وابسته به بیگانه را سرنگون کنند.

۵. استقلال فکری

۵. استقلال فکری

نهضت اسلامی پانزده خرداد حرکتی مستقل و متفاوت با دیگر حرکت ها و مبارزات احزاب و گروه های سیاسی مبارزه با رژیم استبدادی بود. پانزده خرداد حرکتی بر اساس اسلام بود. اگرچه ملی گراها و لیبرال ها و روشنفکران، سال ها پیش از پانزده خرداد مبارزات سیاسی خود را علیه رژیم پهلوی آغاز کرده بودند، ولی قیام پانزده خرداد بر اساس آموزه های دینی اسلام آغاز شد؛ در حالی که به هیچ کدام از حرکت های گذشته و مبارزات سیاسی غیر دینی وابسته نبود. تفاوت اساسی این قیام با دیگر قیام ها، درون مایه و نگرش حاکم بر مبارزات مردم بود. جریان های پیشین، خواسته های سطحی از حکومت را دنبال می کردند و هرگز به فکر دگرگونی در ساختار حکومت و جای گزینی حکومت مردمی به جای حکومت سلطنتی نبودند، ولی هدف قیام کنندگان در پانزده خرداد براندازی نظام پادشاهی و برقراری حکومت اسلامی بود.

احزاب و گروه های سیاسی در ایران، به طور کلی یا ساخته دست قدرت های بیگانه مثل انگلستان، امریکا و شوروی بودند یا به دلیل داشتن ذهنیت غربی، در میان مردم پایگاه اجتماعی نداشتند. در نتیجه، احزاب و بسیاری از گروه ها سرچشمه آشفتگی و بدبینی در میان مردم نسبت به هدف و مقصودشان بودند.(۱)

برای مثال، مردم به خوبی می دانستند حزب توده که به عنوان گروه چپ در ایران فعالیت می کند، به استعمار شوروی وابسته است و نمی خواهد کشور از یوغ بندگی بیگانگان رها شود. مردم از ماهیت تشکیلاتی مانند فراماسونری نیز باخبر بودند و از وابستگی آن ها به بیگانگان و امپریالیسم غربی آگاهی داشتند. بنابراین، به آن ها هیچ گونه اعتمادی نداشتند. البته گروه هایی مانند ملی گراها نیز در ایران بودند که فعالیت های سیاسی می کردند و مخالف رژیم و سیاست های او بودند، ولی به دلیل داشتن ذهنیت غربی و تأثیرپذیری از غرب و الگوهای غربی، هرچند با استبداد داخلی و استعمار خارجی مبارزه می کردند، نتیجه ای به بار نمی آمد. در این میان، تنها صدایی که کاخ استبداد و استعمار را به لرزه درآورد، صدای دین بود. امام خمینی رحمه الله افزون بر آن که شاه را دیکتاتور معرفی کرد، عامل اصلی استبداد را نیز استعمار خارجی دانست و با هر دو به مبارزه برخاست.

بنابراین، امام خمینی رحمه الله کوشید در تمام مراحل مبارزه، روحانیت را در مسیر

۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر هشتم، ص ۴۳، سخنان سید محمد خاتمی.

مبارزه حفظ کند و آن ها را از تهمت های وابستگی و اتحاد فکری با دیگر احزاب و گروه ها کنار نگه دارد. این بدان معنا نیست که امام از مشارکت دیگر گروه ها در مبارزه با رژیم استبدادی جلوگیری کرد، بلکه هدف این بود که ماهیت اسلامی نهضت با مسایل ملی آمیخته نشود و نهضت از هدف های دینی و اسلامی خود منحرف نگردد.

۶ . استبداد و استعمارستیزی

۶ . استبداد و استعمارستیزی

یکی دیگر از ویژگی های مهم نهضت پانزده خرداد، مبارزه و ستیز با استبداد داخلی و استعمار خارجی است. در واقع، شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» از نهضت پانزده خرداد آغاز شد. امام خمینی رحمه الله در همان حال که شاه را عامل بدبختی های مردم و دیکتاتور معرفی می کرد، امریکا، انگلیس، شوروی و اسرائیل را سلطه گر و استعمارگر می نامید و وابستگی به هر نوع قدرت خارجی را رد می کرد. ایشان درباره علت این قیام می فرماید:

اساس این قیام از شدت فشارهای خارجی و داخلی و چپاول گری های خارجی و داخلی و اختناق های فوق العاده سرچشمه گرفته [است]. نهضت پانزده خرداد مانند نهضت تنباکو نبود که به موضوع خاصی پافشاری کند و پس از عقب نشینی استبداد و دستگاه حاکمه، مسایل را حل شده تلقی کند و از ادامه مبارزه باز ایستد، بلکه جنبشی بود که ریشه استبداد و استعمار را نشانه گرفته بود. قیام پانزده خرداد مانند نهضت ملی شدن نفت نبود که تنها قطع دست استعمار را در صنعت نفت خلاصه کند، بلکه (این) قیام اساس استعمار و وابستگی به هر قدرت خارجی را نفی می کرد.(۱)

۱- سروش، شماره ۱۰۰، ص ۳۹.

این قیام، مبارزه قهرآمیز و سازش ناپذیری را با رژیم وابسته به امپریالیسم در پیش گرفته بود و در سطحی جهانی حتی مبارزه با امپریالیسم جهانی را در پیش گرفت. آموزه های دین مبین اسلام، سیطره غیرمسلمان بر مسلمان را نفی می کند و برای رهایی از بند بندگی و بردگی، مسلمانان را به مبارزه فرا می خواند و زندگی با عزّت را برای آن ها می پسندد. از سوی دیگر، بیگانگان در ایران منافعی داشتند و به راحتی از آن دست برنمی داشتند. مانع بزرگ بر سر راه سلطه بیگانگان بر این کشور، اسلام و باورهای مذهبی مردم بود که مسلمانان را به مبارزه همیشگی با استعمار و استبداد فرا می خواند.(۱)

مردم وقتی دانستند انقلاب سفید شاه برای ریشه دارتر کردن سلطه استعمار و استبداد بر کشور است، به مبارزه و مخالفت دست زدند و علیه همه ارزش های غربی و برای تشکیل جامعه ای اسلامی به پا برخاستند. امام نیز در آن شرایط، خطاب به دستگاه فرمود:

شما وقتی برنامه هم می خواهید درست کنید، دستتان را پیش اسرائیل دراز می کنید. شما کارشناس نظامی از اسرائیل به این مملکت می آورید. این مملکت مترقی است که الآن نسبت به هر چیزش به خارج احتیاج دارد؟(۲)

امام خمینی رحمه الله که خوب می دانست استبداد داخلی از استعمار خارجی فرمان می گیرد، مبارزه خود را در هر دو زمینه در پیش گرفت. ریچارد نیکسون، تحلیل گر و سیاستمدار امریکایی درباره ماهیت ضد استبدادی و استعماری این نهضت

۱- برای آگاهی بیش تر نک: فصل اول همین پژوهش، عوامل و زمینه های قیام.

۲- صحیفه نور، ج ۱، ص ۷۷.

می گوید:

این انقلاب همان قدر که از سرمایه داری غرب تنفر داشت، از کمونیسم (شرق) نیز متنفر بود.(۱)

شوروی به گسترش انقلاب کمونیستی و انقلاب سرخ در ایران کمر همت بست و امریکا نیز برای این که بتواند بر اوضاع ایران مسلط شود، انقلاب سفید را به دست شاه در ایران به راه انداخت، ولی مردم ایران فریب هیچ کدام از قدرت های استعماری جهان را نخوردند. آری، آن ها دست به انقلاب زدند، ولی نه انقلاب سرخ و نه انقلاب سفید، بلکه انقلابی بر مبنای اسلام. یک نشریه علمی مسیحیان امریکا در تحلیل واقعه پانزده خرداد به این نکته اشاره می کند و می نویسد:

انقلاب ایران همان گونه که خروشچف پیش بینی کرده بود انجام می گیرد، ولی برخلاف نظر وی، انقلاب ایران از تاریخ بومی و از جریان های ملی و مذهبی آنان رخ می دهد. شاه در رأس حکومت ایران قرار دارد و اسداللّه علم که نقش یک نخست وزیر را بازی می کند، مجری دستورات اوست و از طرف مجلس تأیید نشده است؛ چون مجلسی وجود ندارد که نخست وزیر قانونی تعیین کند. واقع امر چنین است که تظاهرات هفته گذشته (قیام پانزده خرداد) علیه شخص شاه انجام گرفته [است].(۲)

۱- مؤلفه های مدنیت ولایی در ایران، ص ۲۹۴.

۲- نهضت روحانیون ایران، ج ۴، ص ۱۵۸.

فصل پنجم: نقش نیروها و گروه های مبارز در قیام ۱۵ خرداد

اشاره

فصل پنجم: نقش نیروها و گروه های مبارز در قیام ۱۵ خرداد

در فصل گذشته گفته شد که ماهیت اصلی قیام پانزده خرداد، مذهبی و اسلامی بودن آن است و نیز گفتیم که مبارزه با استبداد رژیم شاه و استعمار خارجی در قالب آموزه های اسلام انجام می گرفت. بنابراین، گروه هایی در این قیام نقش سازنده داشتند که دارای گرایش های مذهبی و جایگاه مردمی بودند و اسلام را اساس حرکت خود می دانستند. البته احزاب و گروه های دیگری نیز بودند که شاه را مستبد و دیکتاتور می دانستند و با رژیم و استعمار خارجی مبارزه کردند. اینان با وجود آن که گرایش های مذهبی نداشتند، در صف مبارزات بودند. با این حال، مسلّم است که سهم همه گروه های شرکت کننده در این نهضت، به یک اندازه نبود و حتی گروه هایی که گرایش های مذهبی داشتند، موضع و هدف متفاوتی را در مبارزه با رژیم پی می گرفتند.

گفتنی است احزاب و گروه هایی نیز بودند که در شرایط حساس مبارزه، با رژیم و امپریالیسم جهانی هم سویی می کردند و قیام مردم را ارتجاعی و بی نتیجه می خواندند. پس از آن که پانزده خرداد معادلات سیاسی را دگرگون کرد و دست آوردهای این نهضت و زمینه های شکل گیری انقلاب اسلامی فراهم شد، آنان ادعا کردند که در نهضت، مشارکت مثبت داشته اند. این در حالی است که عملکرد آن ها در شرایط حساس و برهه های سخت مبارزاتی نقش واقعی شان را نشان می دهد. در ادامه می کوشیم با معرفی این گروه ها و نیروهای شرکت کننده در نهضت پانزده خرداد، نقش آنان و رویکردها و عملکردهایشان را در جریان مبارزات مردم نشان دهیم.

۱. روحانیان

۱. روحانیان

برای روشن شدن نقش روحانیت در پانزده خرداد باید چگونگی آغاز این قیام بزرگ را بررسی و تحلیل کرد. در فضای خفقان بار دهه چهل، تنها صدای پر طنین که برای مخالفت با رژیم پهلوی بلند شد، صدای دین بود که از منبرهای علما برخاست. آغاز پیدایش نهضت به دوره تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی برمی گردد. روحانیت اولین گروهی بودند که خطر آن لایحه ضد دینی را تشریح کردند و ملت را از توطئه های استعمار جهانی برای نابودی ارزش ها و باورهای دینی آگاه ساختند.

در حقیقت، پانزده خرداد به رهبری علما و روحانیون جامعه رخ داد که در رأس آن امام خمینی رحمه الله قرار داشت. مردم عمل به فتواها و دستورهای رهبر دینی خود را یک تکلیف شرعی می دانستند و اجرای آن را برای خود واجب می شمردند. امام خمینی رحمه الله از حوزه علمیه قم ــ به عنوان سنگر مبارزه ــ به افشاگری می پرداخت و طلبه ها و روحانیان دیگر ــ به عنوان پیک های تبلیغاتی در سراسر کشور ــ در مسجدها، حسینیه ها و مجالس عزاداری به تبیین دیدگاه های ایشان می پرداختند و بدین وسیله، توده های مردم را نسبت به موضع روحانیت آگاه می کردند.

اگرچه ملی گراها و گروه های چپ در دانشگاه ها و مراکز دیگر در مسیر مخالفت با رژیم فعالیت می کردند، ولی دیدگاه های سیاسی و دینی امام در مبارزه با شاه، ابتکار عمل را به دست حوزه های علمیه و روحانیت سپرد. گفتنی است با اعلام مخالفت امام و چند مرجع تقلید دیگر با لایحه ننگین انجمن های ایالتی و ولایتی، مردم یکپارچه پشت سر علما و روحانیان به مبارزه

علیه رژیم برخاستند تا جایی که رژیم عقب نشینی کرد و لغو آن را با تلگراف و اعلامیه به رهبران مذهبی یعنی روحانیت اعلام کرد.

با بررسی واقع بینانه نهضت پانزده خرداد روشن می شود که این قیام از مدرسه فیضیه و با دستگیری امام خمینی رحمه الله آغاز شد. سپس مردم به پشتیبانی از مرجع تقلید خویش و برای آزادی وی به خیابان ها ریختند و در مقابل کاخ شاه «شعار مرگ بر شاه» سر دادند. رفراندومِ اصول شش گانه رژیم از سوی علما تحریم شد و افشاگری های علما، محرم ۱۳۸۳ ه . ق را سرآغاز انقلاب اسلامی قرار داد. بنابراین، اگر بخواهیم نقشی برای روحانیت در این نهضت در نظر بگیریم، عنوان رهبری نهضت و هدایت همه جانبه حرکت مردمی، بهترین نقش است. این امر به قدری روشن است که دستگاه های تبلیغاتی رژیم و امپریالیسم غرب و شرق، روحانیت را هدف قرار داده بودند و آنان را «مرتجع» لقب می دادند تا شاید بتوانند علما را از راهی که در پیش گرفته اند، باز دارند. با ورق زدن صفحه های روزنامه های آن سال ها، به خوبی نقش محوری و تعیین کننده روحانیت روشن می شود. به همین دلیل، رژیم برای سرکوبی قیام مردم به دستگیری گسترده روحانیان دست زد تا با زندانی کردن رهبران نهضت بتواند از گسترش مبارزات مردمی جلوگیری کند.

پاک روان، رییس ساواک با اعتراف به این موضوع گفت: در سپیده دم چهارشنبه (۱۵ خرداد) آیت اللّه خمینی رحمه الله را در قم و آیت اللّه قمی را در مشهد و حدود ۳۰ تن دیگر از علما را توقیف کرده اند. این اشخاص به اتهام توطئه

علیه امنیت ملی کشور محاکمه خواهند شد.(۱)

روزنامه لوموند در شماره ۵۷۶۰، در تاریخ ۲۵/۷/۱۹۶۳ م. می نویسد:

روحانیان بزرگ در زندان به سر می برند و هواداری توده با آن هاست.(۲)

این روزنامه در جایی دیگر درباره علت شکل گیری تظاهرات سراسری در ایران می نویسد:

شورش روزهای ۱۵ و ۱۶ خرداد به علت دستگیری رهبران مذهبی به ویژه آیت اللّه خمینی که شخصیت برجسته ای در میان توده های مسلمان شیعه دارد، به وجود آمده است.(۳)

۲. دانشگاهیان

۲. دانشگاهیان

دانشگاه ها در هر کشوری به دلیل شرایط و فضای خاصی که بر آن حاکم است، همیشه یکی از کانون های بزرگ دگرگونی های فکری، سیاسی و اجتماعی به شمار می روند. با آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه الله، اندیشه های سیاسی و مذهبی ایشان در دانشگاه های ایران راه یافت و پس از آن، دانشگاه به عنوان یکی از مراکز مهم تربیت نیروهای انقلابی در کنار حوزه قرار گرفت. اولین حرکت هماهنگ دانشگاه در پشتیبانی از مبارزات امام خمینی رحمه الله، پس از تصویب لایحه ضد دینی انجمن های ایالتی و ولایتی بود. دانشگاهیان با تشکیل گردهمآیی و مخالفت ورزیدن با تصویب این لایحه، در پشتیبانی از قیام به حق علما به قم شتافتند و در حرم مطهر، مسجد اعظم و بیت علما

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۹۷.
۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۱۹.
۳- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۳۱.

و مراجع علیه رژیم شعار دادند.(۱)

پس از اعلام لوایح شش گانه و برنامه های انقلاب سفید، دانشگاهیان نیز در کنار دیگر گروه ها به مخالفت با رفراندوم دروغین شاه پرداختند و از تحریم همه پرسی پشتیبانی کردند. در آن روزها، در دانشگاه ها به دلیل نفوذ ملی گراها و عناصر چپ، شعارهایی سر داده می شد که با هدف کلی نهضت که براندازی کاخ ستم شاهی بود، چندان هم سویی نداشت. شعارهایی مانند: «اصلاحات آری، دیکتاتوری نه»؛ «اصلاحات ارضی نباید سرپوشی برای دیکتاتوری باشد»؛ «دانشجویان با اصلاحات موافقند، اما حکومت دیکتاتوری بر ایشان قابل تحمل نیست»،(۲) که بر در و دیوار دانشگاه زده شده بود، نشانگر این بود که هنوز گروه های ملی به مبارزه اصلاح گرایانه ادامه می دهند و موضع چندان روشنی در راه مبارزه ندارند. آن چه مسلّم است این که طولی نکشید دانشجویان و دانشگاهیان به عنوان وجدان های بیدار جامعه، موضع خود را به روحانیت نزدیک کردند و دانشگاه در کنار حوزه به یکی از بزرگ ترین کانون های مبارزه برای براندازی رژیم بَدَل شد. برای همین بود که سازمان امنیت و نیروهای نظامی بارها به دانشگاه حمله ور شدند و با مجروح کردن دانشگاهیان، سراسر دانشگاه ها را به خاک و خون کشیدند.

دانشجویان در شب یازدهم محرم، راه پیمایی باشکوهی در مخالفت با رژیم برگزار

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۱۸۲.

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۲۴۴.

کردند و در روزهای دیگر نیز دوشادوش دیگر گروه های جامعه در راه پیمایی ها حضوری فعال داشتند. پس از دستگیری امام خمینی رحمه الله نیز اولین راه پیمایی روز پانزده خرداد در تهران، در حمایت از رهبری نهضت، از دانشگاه شکل گرفت و مردم با شنیدن صدای «خمینی را آزاد کنید»، به جمع دانشجویان مبارز پیوستند.

۳. بازاریان

۳. بازاریان

یکی دیگر از کانون های مبارزاتی مردم در جریان قیام پانزده خرداد و تحولات پس از آن، مجموعه بازاری بود. بازاریان دوشادوش دیگر گروه های در مبارزات مردم علیه حکومت ستم شاهی اجتماعی حضوری فعال داشتند. اینان از اولین گروه هایی بودند که پس از دریافت اطلاعیه های امام در صحنه های مبارزه حضور می یافتند.

از مهم ترین عملکردهای بازاریان، راه اندازی اعتصاب های سراسری در کشور بود که شرایط فوق العاده ای در کشور ایجاد می کرد و رژیم را زیر فشار قرار می داد. روشن است که اعتصاب یکی از شیوه های رایج مبارزاتی و از مؤثرترین روش ها برای اعمال فشار به حکومت هاست. بازاریان در شرایط حساس، نه تنها دست از کسب و کار می کشیدند، بلکه به صف راه پیمایی مردم می پیوستند و هم گام با توده های مردمی به پشتیبانی از رهبری نهضت می پرداختند. پس از تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی، بازاریان جزو اولین گروه هایی بودند که با انتشار اعلامیه و نوشتن طومار، مخالفت خود را با آن لایحه اعلام کردند و تا زمان لغو آن، از پای ننشستند.(۱)

۱- نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۵۶ .

پس از اوج گیری مبارزات، اولین راه پیمایی از بازار آغاز می شد. هم چنان که با صدور اعلامیه تحریم رفراندوم شاه از سوی امام خمینی رحمه الله، بازار تهران تعطیل شد و کسبه به خیابان ها آمدند و موج انبوهی از مردم هم گام کردند.(۱) در جریان قیام پانزده خرداد، بازار تهران و دیگر شهرها، اولین محل تجمع راه پیمایی کنندگان بود. به طور کلی، بازار همواره به عنوان دژ مستحکم و سنگر انقلاب در کنار حوزه و دانشگاه به کانون سوم مبارزات مردم تبدیل شده بود.

۴. دیگر گروه های مردمی

۴. دیگر گروه های مردمی

مهم ترین عناصر شکل دهنده قیام پانزده خرداد و مبارزات پس از آن، گروه های مختلف مردم بودند. کارگران، صنعت گران، کشاورزان، عشایر و قشرهای مستضعف و محروم جامعه از جمله گروه هایی بودند که از آغاز راه پیمایی ها و مبارزات تا آخرین مرحله های آن در صحنه مبارزه حضوری فعال و گسترده داشتند.

توده های مردمی که افرادی دین دار و مذهبی بودند، وقتی باورهای مذهبی خود را در خطر دیدند، پشت سر مرجع دینی خود برای حفظ اسلام و قرآن به پا خاستند. آن ها روحانیت را بخشی از مردم و پشتیبان خود می دانستند که برای تحقق عدالت اجتماعی و گرفتن حقوق از دست رفته محرومان جامعه به

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۲۴۶.

پـا خاسـته است. مردم حرکت اسـلامی روحـانیت را بهترین و منـاسب ترین فرصتی یافتنـد تا برای به دست آوردن حقوق اولیه خـویش گـام بردارنـد. حـتی عشـایر کشـور در کـوه هـا و دشـت هـا بـه مبـارزه مسـلحانه بـا رژیـم و عوامـل خـود فروختـه آن پرداختند.(۱) بیش ترین شـهیدان و مجروحان این قیام از میان همین گروه های محروم و پا برهنه جامعه بود. امام خمینی رحمه الله که رهـبری حرکت مردم را در دست داشت، دربـاره نقش سازنـده و میزان مشـارکت تـوده هـای مردمی در نهضت پـانزده خرداد می فرماید:

اشخاصـی که در ۱۵ خرداد جـان دادنـد، سـنگ های قبرهای آن ها را ببینیـد. کی بودنـد این ها؟ هرچه هست، این قشـر پایین است؛ این قشـر کشاورز است؛ این قشـر کارگر است؛ این قشـر تاجر مُسلِم است. این قشر کاسب مسلم است. هر چه هست، از این قشر است. پس ۱۵ خرداد را به تبع اسلام این ها به وجود آوردند.(۲)

۵. روشن فکران

اشاره

۵. روشن فکران

بـا وجـود حضور پرشور و حماسـی مردم مسـلمان ایران در نهضت پـانزده خرداد و تحولاـت پس از آن، روشن فکران جـامعه، رویکرد متفاوتی در برابر قیام خونین مردم داشتند.

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲- صحیفه نور، ج ۷، ص ۵۴ .

دو گروه روشن فکران؛ یعنی روشن فکران ملی گرا و غیرمذهبی و روشن فکران مذهبی در آن برهه فعال بودند.

الف) ملی گراها و روشن فکران غیر مذهبی

این افراد که بیش تر در قالب حزب توده و احزاب و گروه های ملّی گرا مانند: جبهه ملی و بعضی از عناصر نهضت آزادی گردهم می آمدند، به سبب داشتن مقام دولتی یا تلاش برای رسیدن به آن، تنها به مخالفت سطحی با رژیم بسنده می کردند. افزون بر آن، این ها به دلیل وابستگی فکری به مکتب های غربی، باور چندانی به مبارزه در قالب اسلام نداشتند. در این جا با آوردن گفته های چند تن از سران روشن فکر آن زمان، می کوشیم به معرفی آنان بپردازیم: کریم سنجابی یکی از برجستگان ملی گرای آن روز در حالی که می کوشد روحانیت را متهم کند، می گوید:

معامله با آخوندها نمی شود [کرد.] آن ها اهل سیاست نیستند و می خواهند آخوند بازی دربیاورند. موقعیّت فعلی ایجاب نمی کند مبارزه ای شروع شود، جز این که افرادی قربانی شود و نتیجه ای هم گرفته نشود. ما افرادی هستیم که به مبارزه قانونی معتقدیم. عقل اجازه نمی دهد مردم را بیهوده به وحشت بیاندازیم.(۱)

حتی بعضی از آن ها قدرت چشم گیر مردمی را نادیده می گرفتند و برای انجام اصلاحات دست به دامن امریکایی ها می شدند. غافل از این که همه برنامه ها و سیاست های ایران بر اساس نقشه ها و طرح های امریکا و در راستای منافع آنان اجرا می شود. مهندس مهدی بازرگان در ماجرای بازجویی خود در سال ۵۷ در بازداشت گاه ساواک، درباره ارتباط عناصر جبهه ملی با خارجی ها در زمینه قیام ۱۵ خرداد می گوید:

۱- مؤلفه های مدنیت ولایی در ایران، ص ۲۷۱.

در حـدود سال های ۴۰ و ۴۱ مـا از طرف نهضت آزادی نـامه ای تهیه و به منـازل عـده زیـادی از امریکـایی هـای مقیم تهران انـداختیم. مفهوم این بود که شـما امریکاییـان در مملکت مـا چه کـار می کنیـد؟ چه منافعی داریـد؟ اگر پشتیبان مبارزات ملی هستیـد، چه نظری داریـد؟ بعـد از مـدتی، از قرار معلوم، نامه بدون امضایی به منزل اللهیار صالح انداخته بودند، ولی معلوم بود که از سوی امریکایی ها و در جواب نامه مـذکور است و مفهوم نامه این بود که: شـما رهبر قابل قبول و مورد اطمینانی ندارید تا حکومت را در دست بگیرد. اگر رهبر شایسـته بین شـما پیدا شد، مورد پشتیبانی ماست و مسلما امریکایی ها منافعی در ایران دارند و به همین سادگی از ایران چشم پوشی نخواهند کرد.(۱)

جلال آل احمد درباره نقش روشن فکران در مبارزات انقلابی مردم به ویژه در جریان نهضت پانزده خرداد می گوید:

مهم این است که روشن فکران... هرگز صـدایی به مخـالفت برنیاوردنـد و همیشه بـا یـک دنبـاله روی کودکانه در این دعوای مـدام میـان حکومت و روحانیت، طرف حکومت را گرفته انـد و آخرین بارش قضـیه ۱۵ خرداد ۴۲ بـه این طرف است. چنین است که به احتمـال قوی، بـار اصـلی تمام شـکست های سیاسـی و اجتماعی مملکت را در این قرن اخیر به دوش روشن فکران باید دانست؛ هم چنان که نقش اصلی در قیام ها و حرکت های اجتماعی همین قرن اخیر را روحانیت عهده دار بودند.(۲)

ب) رویکرد روشن فکران مذهبی

این گروه که گرایش های مذهبی داشتند، مخالف سرسخت رژیم شمرده

۱- مؤلفه های مدنیت ولایی در ایران، ص ۲۷۲.

۲- جلال آل احمد، در خدمت فضیلت روشنفکران، انتشارات رواق، تهران، ص ۳۲۹.

می شدند و با رژیم هیچ گونه همکاری نداشتند. این گروه، اگرچه تفسیرهای جدیدی از اسلام ارایه می دادند، ولی در کل به مبارزه بر اساس اسلام اعتقاد کامل داشتند. البته شمار این افراد بسیار کم بود که از آن جمله می توان دکتر علی شریعتی و جلال آل احمد را نام برد. این افراد با بیان اندیشه های خویش بر اساس اسلام، نقش مؤثری در حرکت ها و تحولات اجتماعی آن روز داشتند.

دکتر شریعتی به عنوان یک اندیشمند برجسته در دوران مبارزات سیاسی خود که از سال ها پیش از ۱۵ خرداد آغاز شده بود و تا درگذشتش ادامه داشت، بر اساس اندیشه دینی، هزاران جوان دانشجو را با فلسفه سیاسی خود که ترکیبی از سنت های اسلامی با افکار انقلابی بود، آشنا ساخت.(۱)

۶ . جمعیّت های مؤتلفه اسلامی

۶ . جمعیّت های مؤتلفه اسلامی

این گروه از بازاریان، دانشجویان، روحانیان، کارگران و کارمندان تشکیل می شدند و در جریان قیام خونین پانزده خرداد نقش اساسی در پیش برد نهضت داشتند. اگرچه این گروه پس از پانزده خرداد، نام رسمی و تشکّل منسجمی به خود گرفت، ولی اعضای تشکیل دهنده این گروه در وقایع پانزده خرداد فعالانه شرکت داشتند و در حقیقت، برنامه های اصلی حرکت مردم به دست این گروه بود. از اعضای شاخص این گروه می توان به شهید مهدی عراقی، شهید فضل اللّه محلاتی و آقای حبیب اللّه عسکر اولادی اشاره کرد.

۱- تاریخ بیست و پنج ساله ایران، ص ۴۷۸.

۷. نهضت آزادی

۷. نهضت آزادی

پیش از کودتای ۲۸ مرداد، «جبهه ملی» در داخل خود به دو گروه: ملی گراهای غیر مذهبی و ملی گراهای مذهبی تقسیم شده بود. گروه دوم؛ یعنی مـذهبی های جبهه ملی به عنوان «نهضت مقاومت ملی» نامیده می شدند که بعدها به دلیل دو دستگی ها و اختلاف هـای داخلی گسترش نیافت. بنابراین، آن دسته از افراد مـذهبی که از جبهه ملی جـدا شـده بودنـد، اساس «نهضـت آزادی» را پس از کودتای ۲۸ مرداد تشکیل دادند که از جمله آن ها آیت اللّه سید محمود طالقانی، مهندس مهدی بازرگان و دکتر یداللّه سـحابی بودند. اعضای عادی نهضت آزادی را فرهنگیان، دانشـگاهیان و مسلمانان تحصیل کرده تشکیل می دادند که از آن جمله محمد علی رجایی و دکتر مصـطفی چمران از اعضای این نهضت به شمار می رفتند.(۱) البته عناصر غیرمذهبی نیز به داخـل این نهضت رخنه کرده بود که آیت اللّه طالقـانی از نفوذ آن ها سـخت ناراحت بود و می گفت: «من با این اعضـا مخالف بودم، ولی بازرگان این ها را آورد». از جمله این افراد عباس سمیعی و حسن نزیه بودند.(۲)

به هر حـال، نهضت آزادی از جمله گروه های مبارز با رژیم سـتم شاهی به شـمار می رفت که حتی بیش تر اعضای اصـلی آن بارها دستگیر و روانه زندان شدند و در جریان ۱۵ خرداد نیز در زندان بودند و تنها آیت اللّه طالقانی آزاد

۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر هفتم، صص ۱۱۰ و ۱۱۱.

۲- خاطرات پانزده خرداد، دفتر هفتم، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.

شده بود. این گروه بیش تر از دیگر گروه های ملی در مبارزات مردم نقش داشت.(۱)

نهضت آزادی در جریان تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی، با صدور اعلامیه هایی، رفتار دولت را در فریب دادن مردم و سرگرم کردن آن ها محکوم و به شدّت از آن انتقاد کرد.(۲) این گروه هم چنین نهضت آزادی در اعلامیه ای که در تاریخ ۲۲/۴/۱۳۴۲ به مناسبت چهلم شهدای ۱۵ خرداد صادر کرد، جنایت های رژیم را در به خاک و خون کشیدن ملت مبارز ایران نکوهید. و حکومت پهلوی را حکومتی مرتجع و دیکتاتور نامید. در این اعلامیه آمده است:

آیا کسی که برای دموکراسی و احیای حکومت مردم بر مردم، سر برکف دست گرفته است، مرتجع است یا آن که با زور و سر نیزه و به تبعیت از روش های قرون وسطایی، مملکت را به صورت فردی اداره کردن و تا بزنگاه نیستی و انهدام سوق دادن؟(۳)

این گروه در مبارزات مردم شرکت داشت، ولی آن چه قابل توجه است این که شیوه مبارزه آن ها با امام فرق داشت. آن ها گرایش های اسلامی داشتند، ولی نمی توانستند اسلام را وارد مبارزات خود کنند و براساس مبانی اسلام حرکت کنند. آن ها در مبارزه سیاسی، معیارهای جداگانه ای داشتند و بیش تر بر ملی

۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر هفتم، ۱۱۱ و ۱۱۲.

۲- بررسی نهضت امام خمینی رحمه الله، ص ۱۶۶، اعلامیه نهضت آزادی، اعلامیه دوم، ص ۱۸۴.

۳- نهضت روحانیون ایران، ج ۴، صص ۱۵۷ _ ۱۶۰

گرایی تأکید داشتند تا بر اسلام. در نظر آن ها، ملیت نقش تعیین کننده داشت، حال آن که در نظر امام «ملیت گرایی خودش مخالف اسلام بود».(۱)

این گروه اگر چه با حکومت دیکتاتور پهلوی مبارزه می کردند، ولی تا پایان مبارزه خود بر این که «شاه سلطنت کند، نه حکومت» تأکید داشتند. اینان به برقراری رابطه با امریکا و حرکت و مبارزه براساس قانون اساسی معتقد بودند و به جهاد و انقلاب اولویت نمی دادند چنان که بازرگان در سخنان خود به مناسبت اعلام موجودیت این گروه، بر پیروی از قانون اساسی تأکید کرد.(۲) زمانی که امام در پاریس بود، مهندس بازرگان به دیدار ایشان رفت و می خواهیم گفت که شاه در ایران بماند و سلطنت کند، نه حکومت. وی حتی به امام گفت: نخست وزیر را هم خودتان تعیین کنید، ولی امام این موضوع را نپذیرفت و فرمود: «شاه باید برود». وقتی بازرگان به ایران برگشت، گفت: «آیت اللّه خمینی می گوید: مرغ یک پا دارد!»(۳)

۸. جبهه ملی

۸. جبهه ملی

پس از انشعاب عناصر مذهبی جبهه ملی از آن، افراد غیر مذهبی و

۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر هفتم، ص ۵۴.

۲- اسناد نهضت آزادی، تهران، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۷.

۳- خاطرات پانزده خرداد، دفتر دوم، ص ۴۵.

پـان ایرانیس این گروه، جبهه ملی دوم(۱) را تشـکیل دادنـد که از افراد مـذهبی در آن خبری نبود و به همین دلیل هیـچ گونه پایگاه مردمی نداشـتند. این گروه مصـلحت انـدیش و فرصت طلب بودند و با شـعار حفظ نظام شاهنشاهی و پاسداری از قانون اساسـی، برای برقراری حکومت دموکراسـی در ایران تلاش می کردند؛ یعنی هم می خواستند مردم را با شعارهای عوام فریبانه پشت سـر خـود بسیج کننـد و هم پیونـد خـود را بـا حکومت از دست ندهنـد و به پست و مقـامی برسـند. این گروه، بـا انجـام اصـلاحات در ایران بسیار خرسند بودند و از آن پشتیانی می کردند و از در پیش گرفتن هرگونه رویکرد تند علیه شاه و دولت پرهیز داشـتند. از این رو، در جریـان قیام پانزده خرداد خود را از مبارزات مردم دور نگه داشـتند. آن ها همواره با شاه و امریکا در تماس بودند و در فعالیت های سیاسی خود بسیار با احتیاط پیش می رفتند.

جبهه ملی نمی توانست موضع مشخصی در برابر سیاست های شاه داشته باشد؛ چون شاه در حقیقت مجری سیاست های امریکا بـود و جبهه ملی که خـود را «لاییـک» و مـورد حمـایت امریکـا می دانست، در عمـل نمی تـوانست همراه ملت و روحانیـان به مخالفت با شاه برخیزد. بنابراین، آن ها در پی شـعاری بودنـد که هم بتواننـد پیونـدشان با شاه را حفظ کنند و هم در میان ملت جایگاهی داشته باشند. از این رو، شعار «اصلاحات آری؛ دیکتاتوری نه» را مطرح

۱- منظور مبحث ما در این بخش همان جبهه ملی دوم است.

می کردند.(۱) همراهی بـا شـاه و مخـالفت با مردم، در حقیقت، سـرآغاز مرگ سیاسـی این جبهه بود. این گروه در ۱۵ خرداد نتوانست موضع مشخصـی در قبال شاه و ملت بگیرد و با توجه با اختلاف های داخلی و نیز به دلیل شرایط سیاسی کشور، ضربه سختی متحمل شد و دیگر نتوانست فعالیت سیاسی مؤثری انجام دهد.

در عصر روز چهارشنبه ۱۵ خرداد که تیمسار پاک روان _ رئیس ساواک _ در گفت وگوی مطبوعاتی شـرکت کرده بود، در پاسخ به پرسـش یکی از خبرنگاران که پرسـیده بود: آیا جبهه ملی در این جریان ها شـرکت داشته است؟ گفت: «تا آن جا که من اطلاع دارم خیر».(۲)

دکتر محمـد مصـدق نیز که در آن زمـان به احمـد آباد تبعیـد شـده بود، همواره با سـران جبهه ملی تماس داشت و هیـچ گونه واکنشی از خود نشان نداد.(۳)

۹. حزب توده

۹. حزب توده

پس از قیام خونین پانزده خرداد و آشـکار شـدن دسـتاوردهای این قیام، حزب توده ادعا کرد که در جریان مبارزات مردم علیه حکومت پهلوی نقش اساسی داشته و از مواضع روحانیت پشتیبانی کرده است. این حزب در کتاب

۱- جواد منصوری، قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، مرکز انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۲۶۸ _ ۲۷۲.

۲- جواد منصوری، قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، مرکز انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۷۰.

۳- جواد منصوری، قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، مرکز انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۷۰.

اسناد و دیدگاه های حزب توده، سخنان شاه را که گفته بود: «ارگان بی دینان دنیا، گاهی چنان از دین و روحانیت دفاع می کند که گویی وظیفه پیامبری بر عهده دارد»،(۱) به عنوان نمونه برای هم سویی این حزب با قیام اسلامی پانزده خرداد نقل می کند، ولی واقعیت چیز دیگری است. حزب توده که وابسته به شوروی سابق و مجری سیاست های آن کشور در ایران بود، هر چند با عنوان گروه چپ با حکومت پهلوی مبارزه می کرد، ولی همواره خواهان ایجاد انقلاب کمونیستی (انقلاب سرخ) در ایران بود، در حالی که قیام اسلامی مردم ایران که در پانزده خرداد شکل گرفت، همان اندازه که امپریالیسم غربی را رد می کرد، با کمونیسم شرقی نیز مخالف بود. در نتیجه، حزب توده با پیروی از شوروی و هم صدا با کشورهای غربی، قیام مردم را «کوشش محافل ارتجاعی» لقب داد و آن را محکوم کرد.

ماهنامه مردم _ ارگان تئوریک حزب توده _ در تیرماه ۱۳۴۲ نوشت:

در این که محافل ارتجاعی کوشیده اند در ایام عزاداری از احساسات مذهبی عده ای سوء استفاده کرده، گروهی از افراد عقب افتاده و متعصب را به اعمال و رفتاری جاهلانه ضد ترقی و برخلاف انسانیت برانگیزند و حتی شعارهایی علیه اصلاحات ارضی و آزادی (زنان) در میان تظاهرات مردم پخش نمایند، شکی نیست.(۲)

رادیو پیک ایران نیز که به عنوان سخن گوی این حزب در خارج از مرزهای

۱- اسناد و دیدگاه ها (حزب توده ایران در آغاز پیدایی تا انقلاب ۵۷)، ۱۶ آذر، شماره ۶۸، ص ۴۶۱.

۲- زندگی نامه سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۲۲۱.

ایران فعالیت می کرد، در تحلیل واقعه پانزده خرداد گفت:

افرادی که با لباس روحانیت با شرکت زنان ایران در سرنوشت خود و جلب نیمی از ایرانیان به امور سیاسی مخالفت می ورزند، اگر تحریک شده از طرف محافل معیّن استعماری و مخالف با پیشرفت و آزادی مردم ایران نباشند، بدون شک و شبهه، در شمار جاهلان کور باطل و خرافاتی های قشری هستند که درک نمی کنند مخالفت آنان با برابری حقوق زنان ایران آن هم در نیمه دوم قرن بیستم بی اندازه ننگ آور و زیان بخش است.(۱)

۱۰. حزب زحمتکشان

۱۰. حزب زحمتکشان

یکی دیگر از گروه های فرصت طلب، حزب زحمتکشان به رهبری دکتر مظفر بقایی بود. این گروه اساساً به نهضت اسلامی اعتقادی نداشتند و تنها به امید آن که امریکا با ایجاد اصلاحات و فضای باز سیاسی در ایران به افرادی مانند علی امینی و خود مظفر بقایی چراغ سبز نشان خواهد داد و آن ها را روی کار می آورد، به میدان فعالیت سیاسی پا نهادند اعضای این حزب از ملی گراهایی بودند که هیچ گونه گرایش مذهبی نداشتند. این گروه در تیرماه ۱۳۴۲ پس از تجزیه و تحلیل وقایع کشور، به این نتیجه رسید که از حرکت های آزادی خواهانه مردم پشتیبانی کند. بنابراین، خود را در ظاهر به روحانیت نزدیک می کردند و از دسیسه ها و نقشه های رژیم برای انحراف نهضت و سرکوبی آن خبر می دادند. این گروه بر این عقیده بود که دولت می خواهد امام خمینی رحمه الله را در یک

۱- نهضت روحانیون ایران، ج ۴، ص ۱۵۸، برگرفته از: روزنامه مردم، دوره پنجم، شماره ۷۷، ۱۵ اسفند ۱۳۴۲.

محکمه سرّی به اعدام محکوم کند و سپس با پنهان کاری های غیر مستقیم از روحانیت بخواهد که با التماس، درخواست عفو کنند. آن گاه رژیم با یک درجه تخفیف نسبت به حکم اعدام، همه خون های ریخته شده را به گردن روحانیت بیاندازد و در محیط خفقان و وحشت و سکوت، به اصلاحات و انتخابات فرمایشی دست بزند. این گروه، تحلیل های خود را بر اساس سخنان اسد اللّه علم تنظیم کرده بودند که گفته بود سران مذهبی که اکنون در زندان هستند، به محکمه نظامی سپرده خواهند شد و احتمال دارد برای آنان حکم اعدام صادر شود. این گروه پس از تجزیه و تحلیل مسایل جامعه، به علمای قم پیشنهاد کرد که:

۱. حضرت آیت اللّه خمینی به عنوان مرجع تقلید و شخص اول روحانیت به تمام مراجع داخلی و خارجی رسماً و بدون ابهام معرفی گردد؛

۲. کلیه تقاضاهای مختلفه به صورت شعار واحد؛ یعنی اجرای کامل قانون اساسی و قوانینی که به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است، منحصر گردد؛

۳. رسماً اعلام شود هر کس مطلبی خارج از این اعلام دارد، بستگی به مقامات روحانی ندارد.(۱)

مطالب پیشنهادی این حزب به خوبی نشان می دهد که تلاش این گروه تنها برای این است که خود را در قیام مردم سهیم کند و پایگاه مردمی به دست آورد و به منافع شخصی خود دست یابند؛ چون با دقت در این پیشنهاد در می یابیم که امام خمینی رحمه الله را به عنوان شخص اول روحانیت معرفی کرده اند، نه

۱- نهضت روحانیون ایران، ج ۴، ص ۱۷۹.

به عنوان رهبر تمـام جـامعه. هم چنین این گروه، خواسـته های خود را در چارچوب قانون و مصوبات مجلس فرمایشـی پی می گیرنـد، در حالی که این امر با هدف قیام اسـلامی مردم در تضاد است. افزون برآن، آن ها به جای آن که موضع خود را تغییر دهند و به مردم و مراجع نزدیک شوند، می خواستند روحانیت را به خود نزدیک کنند.

۱۱. دیگر گروه ها

۱۱. دیگر گروه ها

از گروه هـای دیگری که در جریان قیام پانزده خرداد ۴۲ نقش داشـتند، گروه خلیل ملکی بود. در حقیقت، جامعه سوسیالیست هـا به رهـبری وی به طـور رسـمی در قیـام پـانزده خرداد شـرکت کردنـد.(۱) وی در حزب تـوده فعـالیت داشـت جزو حزب زحمتکشـان بقـایی بود که از آن جـدا شـد. خلیـل ملکی بـا این که گرایش هـای اسـلامی نـداشت، ولی فردی آگاه بود که با صـدور اعلامـیه ای در پانزده خرداد، از مبارزات مردم به رهبری امام خمینی رحمه الله پشتیبانی کرد و یاوه گویی های رژیم را محکوم ساخت. در بخشی از این اعلامیه آمده است:

این ها مرتجع نیستند. این ها مردمان پابرهنه ای هستند که حقشان را می خواهند.(۲)

از گروه های دیگری که به حمایت از قیام مردم و در مخالفت با رژیم به مبارزه پرداختنـد، گروهی به نام «مجاهـدین» بود. این گروه، در جریان تصویب

۱- زندگی نامه سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۲۲۶.

۲- خاطرات پانزده خرداد، دفتر دوم، ص ۵۵.

لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی، اعلامیه تندی علیه رژیم صادر کرد. در بخشی از این اعلامیه آمده است:

بر حسب فرمان لازم الاجرای الهی، آنان که برخلاف نوامیس اسلامی و قوانین قرآن آغاز به فعالیت هایی کرده اند، بایستی در این موقعیت خطرناک، از انقلاب عمیق علیه خود بترسند. شاه و ایادی شاه بدانند مردم مسلمان ایران نمرده اند که برخلاف عقاید دینی آنان این گونه علنی اقدام شود.(۱)

فصل ششم: واکنش های خارجی به قیام ۱۵ خرداد

اشاره

فصل ششم: واکنش های خارجی به قیام ۱۵ خرداد

موضع گیری های مجامع بین المللی و کشورهای شرق و غرب در برابر قیام اسلامی پانزده خرداد قابل توجه و بررسی است. بلوک غرب و کشورهای امپریالیستی به ویژه امریکا همواره پس از جنگ دوم جهانی با کشورهای کمونیستی به ویژه شوروی سابق در رقابت بودند و هرکدام از آن ها موضع متضادی نسبت به در قبال کشورهای زیر سلطه از جمله ایران یکدیگر داشتند. با این حال، وقتی نهضت اسلامی مردم ایران در پانزده خرداد آغاز شد، همه آن کشورها هم پیمان شدند و برای مخالفت با قیام مردم مسلمان ایران، از رژیم شاهنشاهی پشتیبانی کردند. دلیل این امر را باید در ماهیت اسلامی این نهضت جست وجو کرد؛ اسلام همان اندازه که منافع امپریالیسم غربی را در ایران به خطر می انداخت و بساط سلطه آنان را از ایران برمی چید، به همان اندازه با

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۱۸۳.

کمونیسم شرقی سر ستیز داشت و هر گونه سلطه خارجی بر این کشور را نفی می کرد.

بنابراین، همه آن کشورها یک صدا در حمایت از رژیم و «ارتجاعی» و «باطل» خواندن قیام مردم مسلمان ایران هم پیمان شدند. البته مواضع نهادها و سازمان های مستقل جهانی و شخصیت های آزادی خواه بیش تر به حقیقت نزدیک بود و آن ها به گونه ای جدا و متفاوت از کشورهای استعماری عمل می کردند. در ادامه، مواضع بعضی از کشورها و نهادهای جهان را به اختصار بیان می کنیم.

۱. امریکا

۱. امریکا

همان گونه که پیش تر گفته شد، اصلاحات در ایران به پیشنهاد و دستور کاخ سفید بود تا ساختار سیاسی و اجتماعی ایران را دگرگون سازد و با حفظ تاج و تخت پادشاهی، سلطه خویش را بر این کشور گسترش دهد. ماه ها پیش از آن که شاه اصول شش گانه انقلاب سفید را اعلام کند، فیلیپ تالبوت ـ معاون وزارت خارجه امریکا ـ در سخنانی در کنگره این کشور، اصلاحات در ایران را نوید داد و گفت:

ایران با تشویق ها و کمک های امریکا به اجرای برنامه های شجاعانه ای که عبارت از تثبیت اوضاع سیاسی باشد، پرداخته است که دور نمای امید بخشی برای رفع مشکلات داخلی آن دارد. این برنامه که در سال ۱۹۶۳ آغاز می شود، کاملاً جدید و پرارزش خواهد بود.(۱)

شاه، اصول انقلاب سفید را در ۶ بهمن ۱۳۴۱ برابر با ۲۶ ژانویه سال

۱- روزنامه اطلاعات، ۶ تیر ۱۳۴۰.

۱۹۶۳؛ یعنی همان سالی که اربابان امریکایی گفته بودند، اعلام کرد. کاخ سفید به شاه اعلام کرده بود در صورتی کمک های نظامی و مالی امریکا به رژیم افزایش خواهد یافت که برنامه اصلاحاتی در ایران به طور کامل اجرا شود. با آغاز اصلاحات در ایران، رسانه های امریکا با مدیحه سرایی از شاه، عملکردهای وی را «ابتکار بی سابقه» نامیدند و به طور گسترده از او پشتیبانی کردند. روزنامه یونایتدپرس نیز آغاز اصلاحات را اساسی ترین گام دولت برای جلوگیری از شورش داخلی و مبارزه با کمونیسم توصیف کرد.(۱)

قیام اسلامی مردم مسلمان ایران منافع استعماری امریکا را در هر زمینه به خطر می انداخت. بنابراین، با آغاز مبارزات مردمی و اوج گیری آن در پانزده خرداد، مطبوعات و رسانه های ایالات متحده امریکا با چاپ مقاله ها و گزارش هایی از اوضاع ایران، از قیام مردم با لحن توهین آمیزی یاد می کردند و آن را ارتجاعی و ضد پیشرفت لقب می دادند. مجله تایم در سرمقاله شماره ۱۴ ژوئن ۱۹۶۳ (۲۴ خرداد ۱۳۴۲) نوشت:

تهران در هفته گذشته سه روز تمام میدان نبرد بود. مردم شیون می کشیدند، مسلسل ها می غریدند و دودی که از زباله های سوخته به هوا می رفت، با ابرهایی از گاز اشک آور درآمیخته بود. این نبردی بر ضد پیشرفت بود.

این مجله در ادامه شاه را «پادشاه فوق العاده و اصلاح اندیش» نامید و مبارزات او را برای «تبدیل کشور فئودالی به کشوری مدرن!» ستود. هم چنین این مجله درباره مخالفان شاه نوشت:

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۱۲۶.

مخالفان نیرومنـد او (شاه) عبارتنـد از دیوان سالاران فاسد، زمین داران بزرگ و ملاهایی که برنامه او را در اعطای حق رأی به زنان و اجاره دادن روستاهای موقوفه به دهقانان، کفرآمیز می دانند.(۱)

هم چنین یونایتدپرس اینترنشنال در گزارشی از اوضاع ایران نوشت:

هزاران مسلمان متعصب به قلب تهران یورش بردند.

این روزنامه در گزارش دیگری اعلام کرد:

تظاهرات به تحریک شخصیت های دینی صورت گرفته است، همان کسانی که با اصلاحات شاه مخالفند؛ زیرا اصلاحات او به درآمد ایشان از زمین هایی که اکنون به روستاییان اعطا شده لطمه زده است.(۲)

روزنـامه هـای وابسته به دولت امریکـا، همـان مواضـع رژیـم ایران را در قبـال نهضت تکرار کردنـد و راه پیمـایی کننـدگان را مزدوران و تحریک شـدگان از سوی کمونیسم لقب دادنـد. این در حالی بود که شوروی نیز مخالف این نهضت اسـلامی بود. در این میان، نشـریه علمی مسـیحیان که دیـدگاه اعتدلالی داشت، با بررسـی اوضاع ایران در جریان قیام پانزده خرداد، نهضـت مردم را متـأثر از تاریـخ بومی و جریـان هـای ملی و مـذهبی ایران دانست که در مخـالفت بـا شـخص شاه و دیکتاتوری های او صورت گرفته است.(۳) نشریه نوشن (NOTION)نیز با پشتیبانی از مبارزات مردم، حرکت علمای دینی را تو دهنی

۱- زندگی نامه سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۲۲۲.

۲- زندگی نامه سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۲۲۲.

۳- نهضت روحانیون ایران، ج ۴، ص ۱۵۸.

به رژیم خواند.(۱)

۲. انگلستان

۲. انگلستان

گفتیم که کشورهای غربی با آغاز اصلاحات، به پشتیبانی از رژیم شاه برخاستند و مخالفان آن را به هر وسیله ممکن کوبیدند. روزنامه نیوز دیلی چاپ انگلستان با مدیحه سرایی از شاه نوشت:

شاهنشاه با تقسیم املاک میان کشاورزان، حق شناسی عمیق مردم ایران را به خود جلب کرده است.(۲)

با این ادعا، روشن می شود که این روزنامه، دولت های استعماری را با ملت ایران به اشتباه گرفته است؛ زیرا شاه می کوشید با انجام اصلاحات به قیمت سرکوبی مردم، خشنودی کشورهای غربی را فراهم کند. با اوج گیری مبارزات مردم ایران در پانزده خرداد و کشتار گسترده مردم به دست رژیم، این کشور هم چنان به پشتیبانی از رژیم استبدادی شاه ادامه داد و راه پیمایی های اسلامی و به حق مردم را آشوب های خیابانی و حرکت های ارتجاعی نامید. رادیو لندن (BBC) در تفسیری که به اوضاع و دگرگونی های ایران اختصاص داشت، با بررسی روزنامه های داخلی انگلستان و شرح گزارش هایی از آن ها به نقل از روزنامهتایمز می گوید:

ریشه این غائله، مذهبی و احساساتی است که در ماه محرم غلیان می کند. رهبران که قدرت فراوانی دارند، قدرت خود را در ایران با برنامه ترقی خواهانه

۱- نک: فصل هفتم همین پژوهش، دست آوردهای قیام، زیر عنوان معرفی قیام در خارج از مرزهای کشور.

۲- روزنامه اطلاعات، ۲۲ بهمن ۱۳۴۰.

شاه در خطر می بینند.(۱)

این رادیو به نقل از روزنامه کنس وایتر دهلی تلگراف، دروغ های رژیم ایران را در استقبال مردم از رفراندوم قلابی شاه تکرار می کند و می گوید:

۹۹ درصد مردم از برنامه اصلاحات ارضی و اقتصادی شاه پشتیبانی کردند! اکنون دستگاه انقلابی سلطنت با مخالفین ارتجاعی مواجه شده اند.

همان گونه که روشن است این رادیو، قیام اسلامی مردم ایران را حرکت ارتجاعی می داند که مانع از عملکردهای انقلابی و پیشرفته رژیم می شود. رادیو BBC در ادامه، آمار کشته ها و زخمی های تظاهرات خونین پانزده خرداد را بسیار اندک تر از آن چه روی داده بود، بیان می کند و می گوید:

پس از چندین روز آشوب و تظاهرات در ایران، دست کم نودونه کشته و قریب ۲۰۰ نفر زخمی شده اند.

البته چنین موضع گیری های ناحق از سوی کشورهایی مانند امریکا و انگلیس و دولت های استعماری که تنها به منافع خود می اندیشند، چندان هم دور از انتظار نیست؛ چون امروزه بر همگان آشکار است که آن دولت ها به نام آزادی، حاضرند ملت های بی گناهی را به خاک و خون بکشند تا منافع اقتصادی خود را به دست آورند.

۳. اتحاد جماهیر شوروی (سابق)

۳. اتحاد جماهیر شوروی (سابق)

گفتیم که نهضت اسلامی مردم ایران همان اندازه که با سیاست های استعماری غرب مخالف بود، با سلطه گری های شرق نیز مخالف بود. بنابراین، شوروی با دشمنان پیشین خود هم پیمان شد آنان در برابر خطر مشترکی که هر

۱- سروش، شماره ۱۰۰، ص ۴۷.

دو آن ها را تهدید می کرد، به پا خاستند. بیان دیدگاه ها و مواضع رسانه های این دو ابرقدرت، این موضوع را به خوبی آشکار می کند.

رادیو مسکو در برنامه فارسی شب ۱۶ خرداد خود، با تکرار همان مواضع رسانه های امریکایی و اروپایی، قیام مردمی پانزده خرداد را چنین ارزیابی می کند:

عناصر ارتجاعی ایران که از اصلاحات این کشور مخصوصاً اصلاحات ارضی ناراضی هستند و افزایش حقوق اجتماعی و توسعه آزادی زنان ایران را باب میل خود نمی دانند، امروز در تهران و قم و مشهد تظاهرات خیابانی برپا کردند. رهبران بلوا و محرکین اصلی آن، برخی از رهبران مذهبی بودند. عناصر ارتجاعی بازار را به آتش کشیدند، چند مغازه را مورد حمله قرار داده و غارت کردند. اتومبیل ها و اتوبوس ها را درهم شکستند و به چند اداره دولتی نیز حمله ور شدند.(۱)

این رادیو در تفسیر روزهای بعد نیز با ارایه گزارش هایی از ایران، غارت مغازه ها و حمله به زنان بی چادر را که از سوی عناصر لباس شخصی رژیم صورت می گرفت، به مردم مذهبی و راه پیمایان دینی نسبت داد.(۲)

پشتیبانی شوروی از رژیم و محکومیت قیام مردم به رادیو دولتی این کشور محدود نماند و مطبوعات دولتی و غیر دولتی نیز کوشیدند با ناسزاگویی به مردم تظاهرات کننده در ایران، رسالت دروغ گویی خود را به انجام برسانند.(۳)

۱- زندگی نامه سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۲۲۲.

۲- سروش، ش ۱۰۰، ص ۴۷.

۳- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۱۵.

۴. فرانسه

۴. فرانسه

روزنامه امانیته چاپ فرانسه همانند دیگر کشورهای غربی مخالفت های مردم با اصلاحات در ایران «حرکت ارتجاعی» خواند و آنان را به مخالفت با «آزادی زنان و توسعه» متهم کرد. روزنامه لیبراسیون نیز با ارایه گزارش هایی از اوضاع ایران، قیام ملت را «آشوب های خیابانی» نامید و آن را به شدّت محکوم کرد.(۱) البته موضع روزنامه لوموند تا حدودی به واقعیت ها نزدیک بود و در لابه لای مطالب این روزنامه، حقایقی از کشتار فجیع رژیم و وحشی گری های آن در سرکوبی مردم به چشم می خورد. این روزنامه در شماره ۵۷۱۹ خود به تاریخ ۷/۶/۱۹۶۳ نوشت:

۲۳ تانگ سنگین امریکایی در برابر اداره شهربانی و وزارت خارجه آماده عملیات هستند. سربازان به طور مداوم انگشتانشان روی ماشه آماده فشردن است. وزارت دادگستری آمار کشته شدگان را ۷۴ نفر شمرد، ولی به نظر می رسد شمار قربانیان خیلی بیش ازاین باشد. هرگونه اجتماع از ساعت ۸ به بعد ممنوع است. مأموران فرمانداری نظامی دستور دارند در پی اولین اخطار شلیک کنند. هر کس علیه نظم عمومی فعالیت کند، در معرض مجازات اعدام قرار دارد.

این روزنامه در ادامه به گفته های تیمسار پاک روان ــ رئیس ساواک ــ اشاره می کند که گفته بود:

توطئه گران با عوامل مصری ارتباط داشتند و وجوهی از آن کشور دریافت داشته اند. هدف آیت اللّه خمینی، رئیس توطئه گران با هم دستی علمای خارجی این است که می خواهد خود را مرجع شیعیان گرداند.

۱- سروش، ش ۱۰۰، ص ۴۷.

این روزنامه در شماره بعدی خود (۸ ژوئن) می نویسد:

به نظر می رسد که شورش روزهای چهارشنبه و پنج شنبه (۱۵ و ۱۶ خرداد) بخشی از یک برنامه عمومی از پیش تعیین شده نبوده است، بلکه به علت دستگیری رهبران مذهبی به ویژه دستگیری آیت اللّه خمینی که شخصیّت برجسته ای در میان توده های مسلمان شیعه دارد، به وجود آمده است.(۱)

روشن است که موضع این روزنامه تا حدودی با واقعیت های اوضاع ایران در آن زمان سازگار است و گرچه سانسور خبری نیز اعمال شده است، ولی جنایت های رژیم و اعمال فاشیستی او را افشا می کند.

۵ . آلمان

۵ . آلمان

رسانه های کشور آلمان در راستای اهداف امپریالیسم غربی، تظاهر کنندگان علیه رژیم را مخالفان آزادی زنان و توسعه نامید و آنان را «افراطیون مذهبی» لقب داد. روزنامه فرانکفورتریستونگ که تفسیر خبری خود را با عنوان «اغتشاشات در ایران» نام گذاری کرده بود، ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران را نظامی شکست خورده و کهنه خوانده و نجات کشور و استقلال همه جانبه ایران را در گرو اصلاحات و انقلاب شاهنشاهی دانست. این روزنامه اجرای برنامه های امریکا و وابسته کردن کشور به غرب و نابودی کشاورزی ایران را استقلال سیاسی و اقتصادی ایران می داند، شاه را به دلیل کارهای شجاعانه اش می ستاید و مخالفان وی را افرادی متعصب و مخالف آزادی معرفی می کند.

روزنامه دی ولت (شماره ۱۲۹ در تاریخ ۶/۶/۱۹۶۳) در گزارشی از اوضاع

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، صص ۵۱۹ _ ۵۲۴.

ایران، با عنوان «مسلمانان علیه اصلاحات؛ بازار در حال آتش سوزی» چنین خبر می دهد:

برابر احتمال هایی که داده می شود، صدها نفر از مردم کشته شده اند... تظاهر کنندگان، بازار را در چندین نقطه به آتش کشیدند.(۱)

البته در این جا این پرسش مطرح می شود در حالی که شمار زیادی از قیام کنندگان از بازاریان بودند و بازار اولین محل تجمع راه پیمایی کنندگان بود، چگونه ممکن است که خود بازاریان و مردم، مغازه هایشان را به آتش بکشند و آن ها را غارت کنند. این روزنامه، عملکرد عناصر ساواک را همانند رژیم پهلوی به مردم عادی نسبت می دهد تا میان تودهای مردم ایجاد اختلاف کند. این روزنامه در شماره های بعدی، سانسور خبری را شدیدتر کرده و حتی آمار کشته شدگان را که پیش تر صدها نفر اعلام کرده بود، به استناد گفته های دولت، به ۲۶ نفر و زخمی ها را به ۶۰ نفر کاهش می دهد. دی ولت در شماره ۱۳۰ تاریخ ۷/۶/۱۹۶۳ می نویسد:

در اغتشاشاتی که ۳ روز به طول انجامید، برابر گفته علم ــ نخست وزیر کشور ــ ۲۶ نفر کشته و ۶۰ نفر زخمی شده اند.(۲)

۶. عراق

۶. عراق

واکنش دولت عراق و حوزه های علمیه این کشور نسبت به قیام مردم ایران در سال ۱۳۴۲ کاملاً متفاوت بود. رادیو بغداد در گزارش هایی که از اوضاع

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، صص ۵۲۶ و ۵۲۸.

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، صص ۵۲۶ و ۵۲۸.

ایران مخابره می کرد، در راستای اهداف امپریالیسم جهانی، قیام مردم را توطئه عوامل خارجی با انگیزه های مادی بر می شمرد. این رادیو در آن زمان گفت:

تظاهر کنندگان از سوی بعضی از روحانیان تحریک شده بودند و خود این روحانیان نیز به واسطه مالکانی که با اصلاحات ارضی مخالف هستند، حمایت می شوند.(۱)

در واقع، این رادیو علت قیام مردم را قطع شدن موقوفات و وجوهی می داند که مالکان به روحانیت می پرداختند. این مطلب همان تبلیغات دستگاه حاکم ایران بود که برای انحراف و تغییر ماهیت قیام اسلامی پانزده خرداد صورت می گرفت.

البته جامعه روحانیت این کشور از همان آغاز مبارزات مردم، به پشتیبانی از رهبری نهضت و قیام اسلامی مردم برخاستند و با صدور اعلامیه ها و بیانیه های گوناگون و محکوم کردن جنایت های رژیم ایران و عملکردهای ضد اسلامی و استبدادی او، انزجار و نفرت خود را از حکومت ایران اعلام کردند. در جریان رفراندوم ساختگی، رادیو دولتی ایران اعلام کرد که «روحانیون ایرانی و ایرانی های مقیم عراق به صورت گسترده در دبیرستان ایرانیان کربلا حضور یافته اند و با امضای طوماری، پشتیبانی خود را از انقلاب سفید شاه اعلام کرده اند». در پی آن، علما و مراجع کربلا با صدور اعلامیه ای واکنش تندی به دروغ پردازی های رژیم نشان دادند و با محکوم کردن اعمال ضد اسلامی شاه، استبداد دستگاه حاکم، زندانی کردن علما و مردم و عوام فریبی های رژیم، این گونه

۱- سروش، ش ۱۰۰، ص ۴۷.

دروغ پردازی ها را راهی برای پوشیده نگه داشتن جنایت های رژیم دانستند. مجله صوت المبلغین با درج اعلامیه علمای عراق، حقایقی را از فریب کاری های رژیم برای انحراف افکار عمومی افشا کرده است که جالب توجه است. این مجله می نویسد:

جاسوسان شاه در کربلا، اولیای اطفال دبستانی و دبیرستانی را به اسم گرفتن لباس رایگان برای فرزندانشان به محل دبیرستان ایرانی های مقیم کربلا فرا می خوانند و پس از حضور عده ای از اولیا، جشنی برگزار می کنند و با تزویر و نیرنگ به عنوان رسید لباس، امضاهایی از مردم می گیرند. آن گاه با بوق و کرنا مردم شرافت مند کربلا و علمای اسلام را متهم می سازند که رژیم ضد قرآن و ضد علمای دین را تأیید کرده اند! و اعلام می کنند که رفتن مردم کربلا به محل دبیرستان ایرانیان مقیم کربلا- برای پشتیبانی از رفراندوم شاه بوده است؛ در صورتی که مرم شرافت مند کربلا از فتواهای علمای خویش علیه هیأت حاکمه ایران و کارهای ضد اسلامی رژیم شاه باخبرند و هیچ گاه آن را تأیید نمی کنند.(۱)

علمای عراق در جریان حادثه فیضیه نیز با برگزاری مجالس سوگواری و ترحیم، اعمال فاشیستی رژیم را در کشتار طلاب و مردم بی گناه و مظلوم ایران محکوم کردند و با محاصره سفارت ایران در عراق و صدور اعلامیه ای، خشم و انزجار خود را از رژیم شاه آشکار ساختند. پس از آن وقایع، آیت اللّه العظمی حکیم از علمای ایران خواست تا به نشانه اعتراض به رژیم شاه، به عراق مهاجرت کنند.

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۲۷۸.

در پی این موضع گیری آگاهـانه علمـای عراق در پشتیبانی ازمبارزات مردم ایران، جهانگیر تفضل ـ مشاور نخست وزیر ـ در یک گفت و گوی خبری گفت:

علمای شرافت مند حقیقی ایران که در عراق هستند، طرفدار انقلاب (انقلاب سفید) شاه ملت ایران می باشند، ولی شنیده ام که بعضـی در لباس روحانیت از جانب سـرهنگ عبدالناصر(مصری) سودهایی مادی برده اند و تشویق هایی شده اند تا اولاً خلیج فارس را خلیج عربی بنامند و ثانیاً با انقلاب مقدس ملت ایران ناجوان مردانه مبارزه کنند.(۱)

گفتنی اسـت ایـن گـونه تهمت زدن هـا به علمـای عراق نمی تـوانست آن هـا را از راهی که برگزیـده بودنـد، بـازدارد. پس از حوادث خونین پانزده خرداد، حوزه های علمیه نجف، کربلا و کاظمین با شـنیدن جنایت های رژیم و کشـتار وحشـیانه مردم به دست دژخیمـان اسـتبداد، بـا تمـام نیرو پشتیبـانی خود را از امـام خمینی رحمه الله و ملت به پا خاسـته ایران علیه اسـتبداد اعلام کردند. هم چنین با صدور اعلامیه ها و تلگراف هایی از تمام سـران کشورهای اسـلامی و سازمان های بین المللی برای آزادی امام خمینی رحمه الله و دفاع از ملت ایران کمک خواسـتند. آنان با فرسـتادن اعلامیه هایی به رژیم شاه، خشم و انزجار خود را از وحشی گری های رژیم درکشتار مبارزان مسلمان در ایران ابراز داشتند.

۷. مصر

۷. مصر

وقتی امـام خمینی رحمه الله مبـارزات خود را علیه اسـتبداد داخلی و اسـتعمار خـارجی آغاز کرد، اسـرائیل را بزرگ ترین خطر برای کشورهای اسلامی

۱- روزنامه اطلاعات، ۱۵ فروردین ۴۲.

می شـمرد. در آن زمان، به دلیل گسترش روابط رژیم ایران با اسـرائیل و به رسـمیت شـناختن اسـرائیل از سوی حکومت ایران، رابطه ایران با کشور مصر قطع شده بود.(۱)

پس از قیام خونین پانزده خرداد که شاه در آن به کشـتار گسترده مردم دست زد و هزاران نفر را به خاک و خون کشید، رژیم شاه برای این که اعمال فاشـیستی خود را توجیه کنـد، در یک دروغ سازی آشـکار، قیام مردم را با عوامل خارجی پیوند داد و اعلام کرد که قیام کنندگان از سـرهنگ جمال عبدالناصـر مصـری مبلغی پول دریافت کرده اند. بنابراین، دستگاه های تبلیغاتی رژیم نوشتند:

در تاریخ یازدهم خرداد، شخصی به نام عبدالقیس جوجو از لبنان وارد فرودگاه مهرآباد تهران شده است، ولی چون مورد سوء ظن مأموران گمرک قرار گرفته بود، تحت بـازجویی و وارسـی قرار گرفت و مبلغی معـادل یـک میلیون تومـان از او به دسـت آمد. وی پس از تحقیقات اعتراف کرد آن مبلغ را از سوی جمال عبدالناصر برای افراد مشخصی در ایران آورده است.(۲)

این دروغ به قـدری ناشـیانه بود که رژیم در انتشار آن دچار تناقض گویی شـده بود، به گونه ای که سـفارت ایران در بغداد با تکرار داسـتان یاد شده، فرسـتاده عبدالناصر را فردی به نام محمد توفیق القیاسی معرفی کرد،(۳) ولی مدارک مستند این دروغ هیچ گاه برای افکار عمومی ارایه نشد و رسوایی بزرگی برای

۱- برای اطلاع بیش تر نک: فصل اول همین پژوهش علل و زمینه های قیام، بخش مربوط به اسرائیل.

۲- روزنامه کیهان، ۲۶ خرداد ۱۳۴۲.

۳- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۰۶.

رژیم به بار آورد.

روزنامه الاهرام در تاریخ پنجشنبه ۱۶ خرداد با تیتر «تهران شعله ور گردید و مردم با صدای بلند، فروپاشی نظام حاکم و قطع رابطه با اسرائیل را خواستار شدند»، تظاهرات خونین مردم و خون آشامی های رژیم را توضیح داد و با گسترده توصیف کردن تظاهرات مردم، آن را کاخ برانداز معرفی کرد. این روزنامه در شماره بعدی خود (در ۱۷ خرداد) نوشت:

انقلاب مردمی سراسر ایران را فرا گرفته است و تلاش بی امان ارتش که به تانک و زره پوش مسلح است، در سرکوبی انقلاب به جایی نرسیده است. دانشجویان دانشگاه ها در برابر در ورودی دانشکده صنعتی شعار «مرگ بر شاه خون آشام» را نوشته اند. دامنه انقلاب به شیراز نیز کشیده شده است و در تهران تظاهرات قهرآمیز و کشتار ادامه دارد و از شمار کشته شدگان آمار درستی در دست نیست.(۱)

شادروان شیخ محمود شلتوت ـ رئیس دانشگاه الازهر ـ با صدور اعلامیه ای، مسلمانان جهان به ویژه علمای مجاهد اسلام را به پشتیبانی از روحانیت و ملت ایران فرا خواند و اهانت رژیم به ساحت مقدس دین را ننگی بزرگ برای بشریت دانست. ایشان با محکوم کردن عملکرد رژیم دیکتاتوری شاه خواستار آزادی دستگیر شدگان پانزده خرداد به ویژه امام خمینی رحمه الله شد.(۲)

البته باید گفت گروه ها و شخصیت های دیگری نیز از این قیام حمایت

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۳۸.

۲- بخش هایی از این اعلامیه را در بخش سخنان بزرگان فصل نهم همین پژوهش می آوریم.

کردنـد که از آن جمله به موارد زیر بسـنده می شود: جـامعه علمی اسـلامی لبنـان؛ جوانان مسـلمان کویت؛ جبهه ملی ایران در اروپـا و امریکـا؛ دانشـجویان مسـلمان ایرانی مقیـم آلمـان و آقـای سـید علی شایگـان، رئیس شـورای عـالی جبهه ملی ایرانیـان امریکا».(۱)

این گروه هـا و شخصـیت هـا بـا صـدور تلگراف هـا و بیـانیه هـا و بـا فرسـتادن نـامه های سرگشاده به مجامع بین المللی، برای پشتیبانی از ملت ایران و امام خمینی رحمه الله به پا خاستند و کشتار وحشیانه رژیم را در به خاک و خون کشیدن هزاران نفر از مردم بی گناه ایران محکوم کردند.

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۴۱.

فصل هفتم: دستاوردهای قیام ۱۵ خرداد

اشاره

فصل هفتم: دستاوردهای قیام ۱۵ خرداد

زیر فصل ها

۱. شکست ابهت شاه

۱. شکست ابهت شاه

رژیم شاه توانسته بود با سرکوبی و شکنجه و زندان، هرگونه جنبش و حرکتی را مهار کند و با ایجاد ترس و وحشت عمومی، فضای جامعه را به سود استبدادگری های خود، در آرامش نسبی نگه دارد. گروه های سیاسی در حالت ناامیدی به سر می برند و انتظار دگرگونی اوضاع را نداشتند. برخی احزاب سیاسی تغییر ماهیت داده و در عمل، با سیاست های رژیم هم سو شده بودند. وقتی امام خمینی رحمه الله در چنان فضایی، نهضت اسلامی خویش را آغاز کرد، در همان گام نخست، قلب استبداد را نشانه رفت. در فضایی که کوچک ترین توهین به یک شهردار یا فرمانده نظامی یا مقام دولتی، مجازات سختی در پی داشت و کسی جرأت نمی کرد که اسم شاه را بر زبان آورد و از جنایت های او سخن بگوید، سخنان کوبنده امام در عصر عاشورای ۴۲ ه . ش ابهت شاه را در هم شکست و سخنان ایشان چون پتکی سنگین بر سر استبداد فرود آمد. سخنان آن روز امام چنان ضربه سنگینی بر پیکر رژیم طاغوتی شاه وارد ساخته بود که منابع خبری رژیم، ناباورانه، شکست شاه را چنین بیان کردند:

آخوند پرخاشگری به ساحت شاهنشاه اهانت کرده است.(۱)

۱- ایران، ابرقدرت قرن، ص ۴۵۳.

این حرکت امام به اندازه ای برای رژیم سنگین بود که سازمان امنیت کشور (ساواک) با اعتراف به شکست ابّهت شاه، سخنان امام را چنین گزارش داد:

خمینی به منبر رفت و شروع به نصیحت و بدگویی شدید کرد. مرتب تکرار می کرد: بدبخت، بیچاره، بدبخت، بیچاره. کاری نکن که بدهم تو را بیرون کنند و مرتب به شاه نصیحت می کرد و می گفت: «بیچاره، چرا این کارها را می کنی سرعقل بیا» یک ساعت صحبت کرد و از منبر پایین آمد. از نطق او هم نوار تهیه کرده اند و به تهران آورده اند.(۱)

پس از سخنرانی پرشور امام خمینی رحمه الله در ۱۵ خرداد، تظاهرات سراسری در کشور شکل گرفت و مردم یک صدا در برابر کاخ شاه خواستار سرنگونی حکومت شاهنشاهی شدند. پس از پانزده خرداد، دیگر کسی از رژیم شاهنشاهی ترسی نداشت و فریاد «مرگ بر شاه» از هر کوی و برزن به گوش می رسید.

۲. آشکار شدن ماهیت ضد دینی رژیم

۲. آشکار شدن ماهیت ضد دینی رژیم

شاه همواره خود را مسلمان معرفی می کرد و نقاب دین داری بر چهره می زد تا با بهره برداری از احساسات دینی مردم، منافع اربابان امپریالیستی خود را حفظ کند. وی برای پیشبرد هدف های استبدادی خود و سرکوبی هرگونه مخالفتی، در اجتماع کارکنان شرکت واحد اتوبوس رانی تهران (در ۳ خرداد سال ۱۳۴۲) ادعا کرد که امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف را در دوران کودکی در خواب دیده

۱- مجله پانزده خرداد، ش ۲۵، ص ۱۱۶، برگرفته از: گزارش، شماره ۸۳۱.

است. وی خود را «وسیله مشیت الهی» خواند و اعمال فاشیستی و ضد دینی خود را برابر شرع مقدس و در راستای اجرای احکام اسلامی دانست. او هم چنین خود را با خدا و امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف و حضرت عباس علیه السلام در ارتباط دانست و مخالفان خود را دشمنان شیعه و ملت لقب داد و گفت:

باید بدانید که دشمنان این مملکت، دشمن های این ملت و مملکت شیعه، راحت ننشسته اند. به هر وسیله ای، با صرف وجوه، افراد بی عقیده و بی ایمان و بدبختی را می خرند و تحریک می کنند و در هر لباس و هر مکانی و در هر قیافه ای ظاهر می شوند. این ها دشمن این مملکتند و دشمن این ملت و مذهب مقدس «شیعه».(۱)

امام که چهره واقعی شاه را می شناخت و می دانست وی به هر وسیله ای برای حفظ سلطه خویش بر این مملکت چنگ می زند، در میان طلبه ها و علما این خطر بزرگ را گوشزد کرد و فرمود:

در این جا طرف خطاب و حساب شخص شاه است، نه دولت. او مأمور است که این برنامه را به هر قیمتی به اجرا بگذارد و با کمال درندگی با هر مخالفتی مقابله خواهد کرد.(۲)

با اوج گیری مخالفت ها و مبارزات مردم، چهره واقعی رژیم که برای نابودی دین و مذهب در این کشور کمر همّت بسته بود، آشکار شد؛ به گونه ای که شاه آشکارا در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۲ اعلام کرد:

اگر این گونه کارها متوقف نشود، دست به کشتار وسیع خواهیم زد و کلیه

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۴۳۴، برگرفته از: سخنان شاه، ص ۴۲.
۲- مجله پانزده خرداد، ش ۲۵، ص ۴.

علمایی که به نحوی در راه اندازی این آشوب ها سهیم باشند، دستگیر خواهند شد.(۱)

پس از آن، رژیم طاغوتی شاه برای حفظ تاج و تخت پادشاهی، به کشتار بی رحمانه مردم مسلمان ایران دست زد و حتی به مراکز علمی و مذهبی مانند مدرسه فیضیه یورش برد و به دستگیری و شکنجه علما و مراجع پرداخت. با کشتاری که رژیم در پانزده خرداد برای سرکوبی قیام مردم به راه انداخت، همگان چهره ضد دینی رژیم را شناختند. حتی کارهای بعدی شاه پس از این رخدادهای خونین که برای جبران حرکت های ننگین گذشته و فریب دوباره مردم صورت می گرفت، مؤثر واقع نشد. وی از سال ۱۳۴۳ به بعد، به ساختن مسجد، چاپ قرآن و زیارت عتبات و...دست می زد تا دوباره بتواند چهره مذهبی به خود گیرد و اعمال ضد دینی اش را توجیه کند. شاه در سال ۱۳۴۴، قرآنی به نام قرآن پهلوی چاپ کرد که با مخالفت شدید علما این طرح به شکست انجامید.

۳. از دست رفتن وجهه ملی شاه

۳. از دست رفتن وجهه ملی شاه

حکومت پهلوی برای این که بتواند چهره ملی و مردمی به خود گیرد، برنامه اصلاحات امریکایی را «انقلاب سفید ملت»! نامید. کشورهای غرب و شرق نیز که سیاست های شاه را برنامه ریزی می کردند، انقلاب سفید در ایران را

۱- روزنامه کیهان، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۲.

وسیله ای برای آرام نگهداشتن توده ها و به دست آوردن رضایت آنان قلمداد می کردند.

شاه برای به دست آوردن محبوبیّت در میان روستاییان و کشاورزان ایران که بخش بزرگی از جامعه را تشکیل می دادند، به اصلاحات ارضی دست زد. سپس برای این که بتواند موافقت نیمی از جمعیت کشور، یعنی زنان را جلب کند، حق رأی زنان را مطرح کرد و به اصطلاح خواست به آنان آزادی دهد و حقوق پایمال شده آنان را بازگرداند. هم چنین برای سرگرم ساختن جوانان، برنامه های هدف مندی را در پیش گرفت.

در پرتو مبارزات و آگاهی مردم، هیچ کدام از نقشه های رژیم به طور کامل اجرا نشد و کشتار گسترده مردم در خیابان های تهران، قم، تبریز، شیراز، مشهد و سراسر ایران، چهره ضد ملی و استبدادی شاه را نشان داد و از دسیسه های شوم وی برای وابستگی بیش تر ایران به بیگانگان پرده برداشت.

رژیم می خواست با سانسور شدید خبری، مخالفت های مردم را به افراد و گروه های محدودی نسبت دهد، ولی تظاهرات مردم به اندازه ای گسترده بود که رسانه های بزرگ خبری جهان در حالی که می کوشیدند اوضاع را به سود رژیم تغییر دهند، مخالفت های مردم را منعکس کردند. به طور کلی، همگی این نکته را گزارش دادند که مردم ایران در پانزده خرداد فریاد «مرگ بر شاه» سر دادند و خواستار فروپاشی رژیم شدند.

شاه که خود را پیش از پانزده خرداد، «شاهنشاه ایران» و «آریا مهر» و «پدر ملی» لقب داده بود، پس از قیام خونین مردم، منفورترین چهره سیاسی ایران شده بود.

۴. تزلزل در پایه های رژیم

۴. تزلزل در پایه های رژیم

نهضت ها و حرکت هایی که در راستای مخالفت با رژیم در پیش از پانزده خرداد روی می داد، خواسته های سطحی داشتند و هیچ کدام خواهان دگرگونی در ساختار حکومت نبودند؛ چون همه آن گروه های مخالف، رژیم را شکست ناپذیر می شمردند و توان رویارویی و مبارزه جدی با رژیم را در خود نمی دیدند.

رژیم پهلوی نیز با انجام اصلاحات و انقلاب سفید می خواست پایه های رژیم خویش را در میان توده های مردم مستحکم سازد و با انجام رفراندوم در مجامع بین المللی، چهره ای دموکراتیک و مردمی از خود نشان دهد. هم چنین با خریدهای کلان تجهیزات نظامی، خود را در منطقه و داخل کشور شکست ناپذیر وانمود کند و به مخالفانش بفهماند که رژیم می تواند هرگونه شورشی را به شدّت سرکوب سازد.

قیام پانزده خرداد تنها نهضتی بود که خواستار دگرگونی در ساختار حکومت طاغوتی بود و می خواست به جای حکومت استبدادی و پادشاهی، حکومت اسلامی تشکیل دهد. بنابراین، وقتی نهضت پانزده خرداد آغاز شد، مردم در برابر کاخ شاه و در حالی که در محاصره تانک ها و مسلسل ها و نیروهای نظامی بودند، خواستار سرنگونی رژیم پادشاهی شدند و با حرکت حماسی خود پایه های رژیم را به لرزه در آوردند.

۵. پایه ریزی حکومت اسلامی

۵. پایه ریزی حکومت اسلامی

نهضتی که از سال ۱۳۴۱ به رهبری امام خمینی رحمه الله آغاز شد، با تمام حرکت های پیش از خود تفاوت داشت. انقلاب مشروطیت با این که دگرگونی های بسیار گسترده ای را در نظام اجتماعی ایران به وجود آورد، ولی از نظر حکومتی، نظام پادشاهی هم چنان باقی ماند. حرکت های بعدی هم چون نهضت تنباکو و نهضت ملی شدن نفت نیز خواستار اصلاح در بخشی از حکومت و جامعه بودند. در مقابل، نهضت پانزده خرداد اساس حکومت پادشاهی را سست و پایه های حکومت اسلامی را طرح ریزی کرد. این قیام، جنبش جدیدی به وجود آورد که دگرگونی در ساختار حکومتی را بر اساس اسلام پی گیری می کرد.

برخی این قیام را بی برنامه و بی هدف نشان می دهند، ولی هدف قیام، دگرگونی در ساختار حکومت بود. اساساً هر انقلابی پس از زمینه سازی های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بسیار و پس از سال ها و دهه ها به نتیجه می رسد و به انقلاب تبدیل می شود. قیام پانزده خرداد به ظاهر ناکام ماند، ولی مهم این است که این قیام، مبارزات مردم را در مسیر باورهای دینی قرار داد و توده های مردمی را برای اسلام بسیج کرد که آنان مبارزات و فعالیت های خود را به طور پیوسته تا برقراری حکومت اسلامی دنبال کردند. آقای جلال الدین فارس در این باره می گوید:

قیام مردم مسلمان ایران را می توان به درختی تشبیه کرد که ریشه اش، اعتقاد؛ تنه اش؛ تحول در عقاید و اخلاق و طرز تفکر و خوی وعادت هاست و ثمرش،

پیروزی (انقلاب) و رهایی از طاغوت است.(۱)

قیام پانزده خرداد فرآیندی بود که به پیروزی انقلاب اسلامی ایران انجامید و بزرگ ترین دستاورد آن، برقراری حکومت اسلامی بود. این قیام با نگرش جدید به دین و یکی دانستن سیاست و دیانت و به پیروی از رهبران دینی و براساس آموزه های اسلامی آغاز شد و براندازی نظام سلطه و برقراری حکومت اسلامی را در دستور کار خود قرار داد؛ به همین دلیل، امام خمینی رحمه الله قیام پانزده خرداد را مبدأ تاریخ انقلاب اسلامی بر شمرد و این قیام را اساس انقلاب اسلام دانست:

یادتان نرود که ما یک ۱۵ خرداد داشتیم. ۱۵ خرداد مبدأ نهضت اسلامی ایران است.(۲)

۶ . پویایی دانشگاه ها

۶ . پویایی دانشگاه ها

از دیگر دستاوردهای قیام ۱۵ خرداد، پویایی دانشگاه ها در راستای اسلامی شدن بود. دانشگاه ها به عنوان یکی از قطب های بزرگ تأثیرگذار در جامعه، پیش از پانزده خرداد هماهنگی و هم سویی چندانی با سیاست های دینی نداشتند. گروه ها و احزاب سیاسی فعال، بیش تر ملی گرا و وابسته به حزب توده و جبهه ملی بودند و گرایش های غیرمذهبی داشتند؛ به گونه ای که وقتی در آغاز نهضت اسلامی، اعلامیه های امام در دانشگاه ها، با واکنش منفی این

۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر هفتم، ص ۹۳.

۲- صحیفه نور، ج ۹،ص ۶۵ .

گروه ها رو به رو می شد.(۱) البته گروهی نیز بودند که گرایش های مذهبی داشتند و با مواضع روحانیت مخالف نبودند؛ هر چند شیوه های مبارزاتی آنان با رهبران دینی فرق می کرد. بزرگ ترین تحولی که نهضت پانزده خرداد به وجود آورد، این بود که گرایش اسلامی و دینی بر دانشگاه حاکم شد و دانشگاه به بزرگ ترین کانون مبارزه فکری و عملی در راستای نهضت اسلامی بَدَل گردید.

فضای دانشگاه بهترین مکان برای نشر افکار انقلابی و فعالیت های سیاسی بود، اگر چه ساواک و نیروهای پلیس آشکارا و پنهان در دانشگاه ها حضور داشتند. پس از پانزده خرداد و در حالی که سکوت و خفقان در جامعه حاکم شده بود، دانشگاه در کنار حوزه، نیرومندترین سنگر سیاسی کشور بود و نیروهای انقلابی در آن تربیت می شدند. نوارهای سخنرانی و اعلامیه های امام در دانشگاه ها دست به دست می گشت و فعالیت های فکری و سیاسی و عملی در آن جا سازماندهی می شد و در جامعه بازتاب می یافت.

۷. سیاسی شدن حوزه ها

۷. سیاسی شدن حوزه ها

پیش از نهضت پانزده خرداد، فرهنگ تقیه بر حوزه ها حاکم بود و علما و روحانیان از دخالت در امور سیاسی پرهیز می کردند و حوزه را مرکز حفظ دین و سنت آل محمد صلی الله علیه و آله می دانستند. آنان در توجیه رویکرد خود معتقد بودند که رژیم قدرت نظامی بالایی دارد. بنابراین، اگر حوزه ها وارد مبارزات سیاسی شوند، رژیم، حوزه را سرکوب و نابود می کند. این روند تا زمان مرجعیّت آیت

۱- خاطرات ۱۵ خرداد، دفتر هفتم، ص ۶۷ .

اللّه العظمی بروجردی ادامه داشت و روابط حوزه و حکومت بر پایه جدایی دین از سیاست و احترام دو سویه استوار بود. رژیم آیت اللّه العظمی بروجردی را بزرگ ترین مانع در راستای سیاست های خود می دانست، ولی بسیاری از علما تنها مخالف عملکرد ضد دینی رژیم بودند. دستگاه تبلیغاتی رژیم در آن زمان از امام خمینی رحمه الله به عنوان یک «افراطی» یاد می کرد و وقتی ایشان نهضت خود را در سال ۱۳۴۱ آغاز کرد، برخی در درون حوزه با کارهای امام مخالف بودند و آشکارا می گفتند: «چرا نمی گذارید زندگی بکنیم».(۱)

وقتی امام خمینی رحمه الله نهضت اسلامی خود را آغاز کرد، سیاست را عین دیانت دانست و تأکید کرد که طلبه ها آن چه را به صورت نظری یاد می گیرند، باید در عمل نیز اجرا کنند. اسلام تنها دین عبادی نیست، بلکه دین زندگی است. ایشان دخالت فرد مسلمان را در امور سیاسی، وظیفه و تکلیف دینی شمرد و توانست حوزه ها را دگرگون کند.

پس از آن که در پرتو روشنگری های امام، حوزه رهبری مبارزات مردم را به دست گرفت، گروه های ناراضی از رژیم پهلوی به حوزه ها روی آورند و توجه به حوزه از دانشگاه ها بیش تر شد و از آن پس، هدایت مبارزات مردم در حوزه ها شکل گرفت. بیش تر طلبه ها و روحانیان جوان به مسایل فرهنگی و سیاسی روی آوردند و به چاپ نشریه و روزنامه پرداختند و فعالیت های سیاسی شان را رونق بخشیدند. پس از پانزده خرداد و کشتار گسترده مردم و

۱- خاطرات ۱۵ خرداد، دفتر اول، ص ۵۹.

حمله به مدرسه فیضیه و جنایت های دیگر، آن گروه از روحانیان محافظه کار که تا آن روز سکوت کرده بودند، به صف مبارزان رژیم پیوستند. حوزه علمیه قم، نجف و کربلا به هم نزدیک شدند و دیگر رژیم نتوانست حوزه های نجف و کربلا را پشتیبان خود بداند. بنابراین، می توان گفت که امام با رویکردی نو، حوزه ها را پویا کرد و آن ها را از دینی صرف بودن، به یک محیط دینی، سیاسی و اجتماعی تبدیل کرد.

۸. پیوند حوزه و دانشگاه

۸. پیوند حوزه و دانشگاه

از دیگر دستاوردهای مهم پانزده خرداد، پیوند میان حوزه و دانشگاه بود. با توجه به تجربه ای که رژیم از ملی شدن صنعت نفت داشت، از نزدیک شدن گروه های ملی و مذهبی می هراسید. از این رو، با پیاده کردن سیاست هایی می کوشید تا این دو کانون بزرگ تأثیرگذار در جامعه ایران را از هم دور نگه دارد. عناصر تبلیغاتی رژیم در دانشگاه ها به دانشجویان القا می کردند که روحانیان افرادی واپس گرا و دنباله رو سحر و جادو و افسانه و اسطوره ها هستند اندیشه های آنان نیز به هزار سال پیش مربوط است و به درد زندگی امروزی که عصر تکنولوژی و پیشرفت های علمی است، نمی خورد. در مقابل، در میان حوزویان تبلیغ می کردند که دانشگاهیان بی دین و مذهب هستند و کسی که وارد دانشگاه می شود، با اسلام قهر می کند و مرتد می شود. بنابراین، مسیر زندگی، هدف و اندیشه های دانشگاهیان به طور کامل با حوزویان متفاوت است.

این سیاست سال ها برای جدایی این دو نهاد و آرام نگه داشتن جامعه

صورت می گرفت. گـاه حتی رژیم این دو کـانون را رویاروی هم قرار می داد و به چالش فرا می خوانـد، ولی آن چه رژیم از آن وحشت داشت، در پـانزه خرداد ۱۳۴۲ روی داد و حوزه و دانشـگاه در مسـیر مبـارزه علیه رژیم قرار گرفتنـد. این وحشت و نگرانی از اطلاـعیه هـایی که رژیم در آن روزهـا صـادر می کرد، به خـوبی آشـکار است. برای مثـال، سازمـان امنیت کشور با صدور اعلامیه ای گفت: «ارتجاع سیاه و ارتجاع سرخ، دست به دست هم داده اند تا کشور را نابود کنند!»(۱)

منظور ساواک از ارتجاع سیاه، روحانیان و مبارزان دینی بودند. رژیم بارها با این عنوان از آنان یاد می کرد و منظور از ارتجاع سرخ دانشـجویان و دانشگاهیان بودند که رژیم آن ها را عوامل کمونیسم معرفی می کرد. البته عالمانی مانند: آیت اللّه مطهری و آیت اللّه بهشتی از سـال ۱۳۴۱ به بعـد در دانشـگاه ها فعالیت می کردنـد و با همکاری روشن فکران مذهبی مانند دکتر علی شریعتی به تبلیغ مسایل مـذهبی و آگاه ساختن دانشـجویان می پرداختند، ولی پیوند واقعی این دو نهاد علمی پس از قیام پانزده خرداد بود. از آن پس، نـامه ها و اعلامیه های امام در دانشـگاه ها دست به دست می گشت و روحانیان به راحتی در دانشـگاه فعالیت می کردند. گروه های دانشجویی نیز همیشه با حوزه در رفت و آمد و ارتباط بودند.

۱- خاطرات ۱۵ خرداد، دفتر اول، ص ۱۸۱.

۹. تشکیل گروه های سازمان یافته

۹. تشکیل گروه های سازمان یافته

یکی از ایرادهای وارد بر نهضت پانزده خرداد، سازمان نیافتگی آن است. پس از پانزده خرداد، روحانیت به این نتیجه رسیدند که برای ایجاد دگرگونی های اساسی در ساختار جامعه و رسیدن به پیروزی، نهادهای سازمان یافته ای باید باشند که به هنگام نیاز هماهنگ عمل کنند. بنابراین، روحانیان به فکر راه اندازی تشکل ها و گروه های سیاسی، فرهنگی، نظامی و مذهبی افتادند و کوشیدند گروه هایی را که پیشینه فعالیت سیاسی داشتند و دارای گرایش های مذهبی بودند، با خود همراه سازند.

نخست تشکّل های گروهی به صورت صنفی بود. دانشجویان مسلمان، بازاریان، روحانیان و دیگر گروه های مذهبی و عزاداری تشکّل هایی داشتند که به دلیل مذهبی بود نشان، رژیم به آسانی نمی توانست با آن ها برخورد کند، مانند: جبهه مسلمانان آزاد.(۱)

هنوز یک هفته از کشتار بی رحمانه و مردم در پانزده خرداد نگذشته بود که روزنامه ای به نام فریاد شروع به کار کرد(۲) و از همان آغاز مواضع بسیار تندی علیه رژیم گرفت. چند ماه پس از این قیام، «مجمع طلاب و فضلای مبارز» در قم شکل گرفت که ماهیت کاملاًـ مذهبی ـ سیاسی داشت و ارگان مبارزاتی آن، نشریه «بعثت» بود. با اوج گیری فعالیت ها در سال ۱۳۴۳، نشریه دیگری به نام «انتقام» برای افشاگری جنایت های رژیم با همکاری جمعیت های مؤتلفه

۱- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۶۰.

۲- مؤسسه نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ادبیات انقلاب و انقلاب ادبیات، کنگره بررسی تأثیر امام خمینی رحمه اللهو انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر، تهران، مهرماه ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۰.

اسلامی آغاز به کار کرد. حتی در خارج از مرزها نیز گروه مبارزی به نام «تشکل روحانیون مبارز خارج از کشور» شروع به فعالیت کرد. هم چنین رادیویی به نام «صدای روحانیت» در عراق برای نشر اندیشه های روحانیان راه اندازی شد که هشت سال فعالیت گسترده داشت.(۱) بسیاری از گروه ها نیز شاخه های نظامی تشکیل دادند و به مبارزه مسلحانه پرداختند که از جمله این تشکل های نظامی پس از پانزده خرداد به «هیأت های مؤتلفه اسلامی» و «حزب ملل اسلامی» می توان اشاره کرد.(۲)

۱۰. توجه احزاب به نیروهای مردمی

۱۰. توجه احزاب به نیروهای مردمی

گفتیم که حوزه ها به دلیل این که در خود توان رویارویی با قدرت نظامی شاه را نمی دیدند، از ورود به میدان مبارزات سیاسی پرهیز می کردند. احزاب و گروه های سیاسی نیز به دلیل این که منافع حزبی خود را دنبال می کردند، در میان توده های مردم جایگاهی نداشتند. حتی بسیاری از گروه ها و احزاب، شرط رسیدن به پیروزی را وابستگی به یکی از قدرت های بزرگ خارجی می دانستند و بیش تر اجرا کننده سیاست های امپریالیسم غرب و شرق بودند.

امام خمینی رحمه الله تنها کسی بود که توانست این حقیقت را نهادینه کند که برای ایجاد نهضت و انقلاب، «بزرگ ترین قدرت، نیروی مردم است». ایشان با افشاگری ها علیه رژیم و مخاطب قرار دادن مردم توانست توده های مردمی را علیه رژیم تا دندان مسلح شاه، بسیج کند و پایه های رژیم پهلوی را به لرزه

۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر اول، ص ۱۳۱.

۲- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، صص ۱۰۰ _ ۱۱۰.

درآورد. وقتی قیام پانزده خرداد رخ داد و دستاوردهای آن آشکار شد، احزاب و گروه های سیاسی، به نیروی مردمی در ایجاد انقلاب پی بردند و کوشیدند به گونه ای، خود را به نهضت مردمی پیوند زنند.

۱۱. معرفی قیام در خارج از مرزها

۱۱. معرفی قیام در خارج از مرزها

یکی دیگر از دستاوردهای قیام پانزده خرداد، معرفی خواسته های مردم در خارج از مرزهای ایران بود. تا پیش از پانزده خرداد، به دلیل دولتی بودن رسانه های داخلی و سانسورهای شدید خبری، مبارزات به حق مردم به گوش آزادی خواهان و آزاداندیشان جهان نمی رسید و حتی بسیاری از شهرهای دور افتاده ایران نیز از اوضاع کشور آگاهی چندانی نداشتند.

قیام پانزده خرداد به اندازه ای گسترده بود که مجامع بین المللی و رسانه های خبری بزرگ جهان را به واکنش واداشت. هر چند واکنش کشورهای غرب و شرق و رسانه های بین المللی نسبت به قیام مردم، تکرار گفته های دستگاه های تبلیغاتی رژیم شاه بود و تنها بعضی از آزاد اندیشان و مجامع علمی و مذهبی، واقعیت ها را به گوش جهانیان می رساندند، ولی در مجموع، این واکنش ها سبب شد که خواسته های مبارزان در خارج از مرزها به گوش جهانیان برسد.

۱۲. تجلّی پیوند دین و سیاست

۱۲. تجلّی پیوند دین و سیاست

در اثر سیاست ها و دسیسه های رژیم و غفلت مسلمانان، دخالت در امور سیاسی از صفحه جامعه دینی کنار مانده بود و چنین تبلیغ می شد که سیاست کار دروغ و لا مذهبی است و دین داران برای این که پاک بمانند، نباید خود را

به دروغ و نیرنگ مشغول کنند. ساواک در مقاله ای که با عنوان «مذهب و مسایل روز» در روزنامه ها به چاپ رساند، نوشت:

مذهب امری است جدا از سیاست. سیاست سخن روز است و مذهب سخن ازلی و ابدی. سیاست امروز یک چیز می گوید و فردا چیز دیگر. مذهب فردا و امروز و دیروز یک چیز می گوید.(۱)

پس از در گذشت آیت اللّه العظمی بروجردی، شاه به آیت اللّه العظمی حکیم در عراق پیام تسلیت فرستاد. امام خمینی رحمه الله که سیاست و دیانت را یکی می شمرد، این اقدام شاه را دخالت در امور مذهبی دانست و اعلام کرد که دخالت هر فرد مسلمان در سیاست لازم است.(۲) البته امام سیاستی را که پر از دروغ و نیرنگ باشد، نمی خواست، بلکه سیاستی که امام براساس اسلام مطرح می کرد، عین صداقت و براساس حقیقت بود و هرگونه جور و ستم و بی عدالتی و دروغ را رد می کرد. امام با فتوای تاریخی خود، «تقیه» را حرام دانست و پس از آن فتوا، یعنی پس از پانزده خرداد کسی که مسلمان بود، باید در صف مبارزان قرار می گرفت.

۱۳. مرجعیت و رهبری بی مانند امام خمینی رحمه الله

۱۳. مرجعیت و رهبری بی مانند امام خمینی رحمه الله

پس از درگذشت آیت اللّه العظمی بروجردی، در میان شیعیان جهان به ویژه

۱- روزنامه اطلاعات، ۱۵ اسفند ۱۳۴۱.

۲- ایران ابرقدرت قرن، ص ۴۵۱ و ۴۵۲.

در داخل ایران خلأیی احساس می شـد.(۱) رژیـم از ایـن فرصت بهره گرفت و در پیـام تسـلیتی به آیت اللّه العظمی حکیم در عراق خواست این نکته را وانمود کند که از این پس، ایشان بزرگ ترین مرجع شـیعیان جهان هسـتند. رژیم قصد داشت با این سیاست، روحانیت را در ایران تضعیف کند.

در چنان شرایطی، امام خمینی رحمه الله فعالیت سیاسی خود را در مخالفت با رژیم آغاز کرده بود و از لحاظ علمی و دینی نیز مقام والایی داشت. علما و مردم در تهران و دیگر شـهرها، جلسه هایی برای تعیین مرجعیت ترتیب دادنـد. آنان سـرانجام به این نتیجه رسـیدند که اگر بخواهند کشور را از زیر یوغ استعمار و استبداد رها کنند، باید کسی را به مرجعیّت برگزینند که توانایی رویارویی با رژیم را داشـته و در مسایل سیاسی روز نیز صاحب نظر باشد. آنان با توجه به سابقه مبارزاتی امام خمینی رحمه الله و ویژگی های اخلاقی، علمی و سیاسی وی، ایشان را تنها کسی می دانستند که تمامی ویژگی های رهبری را داراست.

امام، رهبری نهضت و مرجعیت مسـلمانان را در دست داشت و با فتواها و تـدبیرهای ایشان نهضت به صورت هماهنگ به پیش می رفت. با اوج گیری مبارزات امام، رژیم در یک اقدام نسنجیده، ایشان را دستگیر کرد و اعلام داشت که ممکن است حکم اعدام برای دستگیر شدگان در نظر گرفته شود.

۱- پس از درگـذشت آیت اللّه العظمی بروجردی، مسأله مرجعیت به این شـکل تقسـیم شـد: آیـات عظام سـید محسن حکیم، شـاهرودی، هـادی شـیرازی، سـید ابوالقـاسم خـویی و عبـدالله شـیرازی در عراق و آیـات عظـام گلپایگـانی، مرعشـی نجفی و شریعتمداری در قم، خاطرات پانزده خرداد، دفتر ۸، ص ۱۰۱.

پس از آن، علما و مراجع در قم چندین جلسه مشورتی تشکیل دادند و سرانجام به این نتیجه رسیدند که امام خمینی رحمه الله به صورت رسمی «مرجع تقلید شیعیان» معرفی گردد؛ چون در قانون اساسی، مصونیت مرجع تقلید آمده بود. در آن صورت، رژیم نمی توانست به امام آسیبی برساند. متن نامه تنظیم گشت و پس از امضای حاضران(۱) به شاه، نخست وزیر و دیگر علما و مردم تلگراف شد.

پس از قیام پانزده خرداد دیگر هیچ کس در رهبری و مرجعیت امام خمینی رحمه الله تردیدی نداشت. همه گروه ها و افراد می کوشیدند مواضع خود را با دیدگاه های امام هماهنگ کنند.

محور حرکت مردم در پانزده خرداد، آموزه های اسلامی و باورهای دینی بود. وقتی مردم فاصله طبقاتی و نابرابری های اجتماعی و خفقان و ستم گری ها و استبداد رژیم را دیدند، آن را با سنت پیامبر و دین اسلام ناسازگار می یافتند. از این رو، ستیز با آن را وظیفه شرعی خود می دانستند. وقتی مردم کشتار رژیم را دیدند، به یاد مبارزات صدر اسلام و واقعه عاشورا به پا خاستند. دفاع از مسلمان بودن ایجاب می کرد که علیه یزید زمان به پا خیزند و در راه تحقق اسلام و حفظ قرآن، لحظه ای دریغ نورزند.

۱- از جمله افراد حاضر در جلسه، آیت اللّه العظمی شریعتمداری، بنی صدر، منتظری، شیخ مرتضی حائری، خادمی، محلاتی، قمی، دستغیب، سید محمد جعفر طاهری شیرازی و ملا علی همدانی بودند خاطرات پانزده خرداد، دفتر ۸، صص ۱۱۰ _ ۱۱۴.

مبارزه های هیـچ کـدام از گروه های مخالف رژیم که در قالب تشـکل های غیراسـلامی و در چارچوب باورهای ملی صورت می گرفت، به نتیجه ای نرسـید و تنها صـدای دین بود که توانست توده های مسـلمان را علیه رژیم بسـیج کنـد و قیام سراسـری بیافرینند.

پس از پانزده خرداد، اسـلام و مرجعیت دینی به عنوان محور حرکت مطرح شدند. هر کس که به اسـلام و رهبران دینی اعتقاد نـداشت، خود به خود از سـیل خروشـان مردم، کنـار می افتـاد و مردم آن هـا را رد می کردنـد. از این رو، کسـانی که گرایش اسلامی نیز نداشتند، مجبور بودند حرکت های خود را با روحانیت و نیروهای مردمی هماهنگ کنند.

فصل هشتم: آسیب شناسی قیام ۱۵ خرداد

اشاره

فصل هشتم: آسیب شناسی قیام ۱۵ خرداد

در «آسیب شناسی» یک پدیده یا جریان، نباید تنها به بررسی خطرها و آسیب هایی بسنده کرد که در زمان روی دادن آن پدیده یا جریان، آن را تهدید می کرده است، بلکه ممکن است یک نهضت یا یک پدیده اجتماعی و سیاسی به دلیل ماهیت خاص خود یا به واسطه برخوردهایی که با دیگر مسایل و گروه های اجتماعی دارد، در آینده به چالش هایی کشیده شود که برای ادامه و دوام آن مشکل آفرین باشد. مقام معظم رهبری درباره «آسیب شناسی یک انقلاب» می فرماید:

نباید این طور تلقی کرد که آن چه به عنوان «آسیب شناسی انقلاب» مطرح می شود، حتماً به آن چه امروز تحقق و وقوع یافته است، نگاه می کند. نه، شما باید آسیب های ممکن را بررسی بکنید؛ چه آن چه الان هست، چه آن چه که ممکن است بعداً پیش بیاید.(۱)

در این فصل می کوشیم با بررسی آسیب هایی که در همان سال ها متوجه قیام پانزده خرداد بوده است، به بیان خطرها و تهدیدهایی که انقلاب به احتمال زیاد در آینده با آن ها رویارو خواهد شد، بپردازیم. برخی از این آسیب ها به قرار زیر است:

۱- انقلاب پویا، سخنان مقام معظم رهبری در جمع اعضای دبیرخانه همایش آسیب شناسی یک انقلاب در تاریخ ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۷۷، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۷، ص ۹.

۱. سازمان نیافتگی و بی برنامگی

۱. سازمان نیافتگی و بی برنامگی

اساساً برای انجام دگرگونی های اساسی در جامعه و ایجاد هر نوع جنبش اجتماعی، وجود نوعی سازماندهی و برنامه ریزی هماهنگ ضروری است تا با صرف کم ترین نیرو و در مدت زمان کوتاهی، بیش ترین و بهترین نتیجه ممکن را به دست آورد. همه کارشناسان بر این نکته تأکید دارند که قیام پانزده خرداد سال ۱۳۴۲، بدون سازمان دهی بود و نهضت، برنامه ای از پیش تعیین شده نداشت.(۱) حتی در آن زمان برخی، به اشتباه، این نهضت بزرگ را که دستاورد مهم آن، انقلاب اسلامی ۵۷ شد، قیامی کور می شمردند.

هرچند اسلام به عنوان اساس حرکت و اندیشه های دینی این نهضت، توده های مردم را گرد هم آورده بود، ولی این قیام با همه گستردگی و سازمان درونی و معنوی اش، نظم و تشکیلات بیرونی نداشت. اگر این نهضت مردمی، نظم و برنامه هدایت شده ای داشت، چه بسا بساط حکومت استبدادی را در همان سال ۴۲ از کشور بر می چید.

به طورکلی، می توان گفت هر نوع قیام و حرکتی باید سازمان فرهنگی، سیاسی و حتی نظامی هماهنگی داشته باشد؛ همان گونه که پس از پانزده خرداد، قیام کنندگان این ضرورت اساسی را احساس کردند و به فکر تشکیل گروه های سازمان یافته افتادند.

شعارهایی که مردم در نهضت پانزده خرداد سر می دادند، هیچ کدام برنامه ریزی شده نبود و برنامه ای برای راه پیمایی وجود نداشت، بلکه مردم

۱- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۶۰.

به طور خود جوش و براساس شرایط پیش آمده شعارسازی می کردند. حتی بعضی از عناصر ملی از این وضع سوء استفاده کرده و شعارهایی مانند «مصدق رهبر ملی، خمینی رهبر دینی» سر می دادند که براساس خواست اصلی تظاهرکنندگان و رهبری نهضت نبود.

راه پیمایان برنامه و هدف مشخصی در مسیر راه پیمایی خود نداشتند و با توجه به واکنش نیروهای انتظامی و شرایط پیش آمده، عمل می کردند. نبود هدایت راه پیمایی از سوی نیروهای خاص، سبب می شد رژیم، وحشیانه و به شدت، قیام کنندگان را سرکوب کند و پراکنده سازد.

۲. نداشتن نتیجه زودرس

۲. نداشتن نتیجه زودرس

درست است که یک نهضت پس از سال ها مبارزه پی گیر و طولانی مردم به انقلاب می انجامد، ولی با توجه به گستردگی و شور و حالی که در قیام پانزده خرداد وجود داشت، قیام کنندگان تصور نمی کردند که رژیم بتواند در برابر اراده و خواست آنان مقاومت و قیام گسترده مردمی را سرکوب کند. با این حال، رژیم خون آشام شاه توانست نهضت پانزده خرداد را دست کم برای چندین سال، سرکوب کند. این امر سبب شد پس از قیام پانزده خرداد نوعی سکوت و خفقان بر جامعه حکم فرما شود. امام در زندان بود، ولی گروه های مذهبی ـ سیاسی به سازمان دهی و تشکل نهادهای هماهنگ روی آوردند و چند سالی طول کشید تا توانستند دوباره مردم را به صحنه مبارزه بکشانند. ناامیدی ایجاد شده در توده های مردم، تنها با روشنگری ها و هدایت های امام خمینی رحمه الله از میان رفت. اگر روشن گری های امام نبود، چه بسا نهضت و قیام

مردم برای همیشه خاموش می شد. این ناامیدی گاه حتی در میان یاران نزدیک امام نیز دیده می شد. پس از کشتار بی رحمانه شاه در فیضیه، شهید سعیدی که از یاران جان بر کف امام خمینی رحمه الله و از فعالان بزرگ نهضت اسلامی بود، به امام خمینی رحمه الله می گوید: احتمال دارد پس از قیام، یاران کم تری در راه مبارزه داشته باشید، ولی امام در پاسخ می فرماید:

به خدا قسم اگر تمام جن و انس پشت به پشت هم بدهند و در مقابل من بایستند، من چون این راه را حق یافته ام، از پای نخواهم نشست.(۱)

مردم چنین فکر می کردند که در همان روزهای نخستین، پیروزی شان حتمی است، ولی به دلیل سرکوبی شدید، نوعی ناامیدی بر توده ها حاکم شده بود. تنها روشنگری ها و تدبیر درست امام بود که به آن وضع پایان بخشید و مردم را به آینده امیدوار ساخت.

۳. ناآگاهی مردم در دیگر شهرها

۳. ناآگاهی مردم در دیگر شهرها

یکی از مواردی که می توان به عنوان «آسیب» برای نهضت پانزده خرداد در نظر گرفت، ناآگاهی مردم در شهرها و روستاهای دور افتاده از مراکز استان ها و پایتخت بود. این ناآگاهی دو جنبه داشت: یکی این که شهرهای کوچک دیرتر از جریان های تهران و قم با خبر می شدند. بنابراین، نمی توانستند به طور هماهنگ عمل کنند. دیگری جنبه سیاسی بود؛ یعنی مردم دیگر شهرها از ماهیت نقشه ها و دسیسه های دستگاه حاکم و استعمار کم تر با خبر می شدند و

۱- شهدای روحانیت، ص ۲۲۶.

انقلاب سفید شاه و مسایلی هم چون رفراندوم برای آنان روشن نبود. چون تا آن زمان، نه تنها مردم، بلکه حوزه ها نیز در امور سیاسی دخالت چندانی نداشتند.

بی شک، اگر توده های مردم از مسایل پشت پرده اصلاحات شاه و انقلاب سفید او که به دست استعمار برنامه ریزی شده بود، با خبر بودند و در این زمینه آگاهی های بیش تری داشتند، شرایط و اوضاع به گونه ای دیگر رقم می خورد.

۴. نبود وسایل ارتباط جمعی

۴. نبود وسایل ارتباط جمعی

داشتن رسانه های گروهی و دستگاه های تبلیغاتی، در پیشبرد هدف ها و آرمان های یک حزب یا جنبش نقش مهمی دارد. از این رو، برای آگاهی توده ها و حتی هواداران فکری، داشتن رسانه های گروهی از نیازهای ضروری برای هر حرکتی است. وقتی قیام پانزده خرداد آغاز شد، روحانیت که نقش رهبری نهضت را در دست داشتند، از ابتدایی ترین وسیله تبلیغاتی یعنی «روزنامه» بی بهره بودند. در مقابل، مخالفان نهضت؛ یعنی رژیم شاه و استعمار جهانی، قوی ترین رسانه های گروهی را برای به شکست کشاندن نهضت مردم، در دست داشتند. البته حوزه با اعزام مبلغان مذهبی به سراسر کشور و ارتباط این مبلغان با توده های مردم، تا اندازه ای پیام ها و اخبار سیاسی روز را به گوش مردم می رساند، ولی این روند بسیار کند صورت می گرفت و هنگام نیاز، این گونه اطلاع رسانی ها جواب نمی دادند.

به هر حال، نیاز به دستگاه های تبلیغاتی و رسانه های گروهی در آن زمان به شدت آشکار بود. بر همین اساس، روحانیت پس از قیام پانزده خرداد به

سرعت به چاپ روزنامه (روزنامه فریاد که در اولین هفته پس از قیام انتشار یافت) و نشریه روی آوردند.(۱)

۵. کمبود نیروهای آموزش دیده

۵. کمبود نیروهای آموزش دیده

یکی از خطرها و آسیب های قیام مردم، کمبود نیروهای آموزش دیده ای بود که از لحاظ فکری و سیاسی بتوانند در نبود امام خمینی رحمه الله، برنامه های ایشان را در میان توده ها بر عهده بگیرند. این امر پس از دستگیری امام در جریان قیام پانزده خرداد کاملاً آشکار بود. پیش تر گفتیم که وقتی امام خمینی رحمه الله در زندان رژیم به سر می بردند، فضای سکوت و آرامش و بی تکلیفی و سردرگمی بر جامعه حاکم بود و کسی نمی توانست در راستای خط مشی امام تصمیم اساسی بگیرد. باید افراد و گروه هایی می بودند تا در نبود امام در میان مبارزان، با محور قرار گرفتن ایشان، جریان نهضت هم چنان پویا ادامه یابد و نیروهای متمرکز مردم فعالانه عمل کنند و سست و دلسرد نشوند.

۶. نبود هماهنگی و هم سویی در نیروهای انقلابی

۶. نبود هماهنگی و هم سویی در نیروهای انقلابی

قیام پانزده خرداد به دلیل ماهیت اسلامی اش، با واکنش های متفاوتی از سوی نیروهای داخلی رو به رو بود. هر چند بیش تر گروه ها و احزاب سیاسی به گونه ای در این قیام شرکت داشتند و با رژیم مخالفت می کردند، ولی کاملا با

۱- نک: فصل دستاوردهای قیام در همین پژوهش، بخش تشکیل گروه ها و سازمان های منسجم.

آرمان ها و اهـداف قیام کننـدگان هم سو نبودنـد. بعضـی از این گروه ها، به دلیل گرایش های ملی گرایانه، هیچ گرایشـی به اســلام نداشـتند و نمی خواسـتند کـه اسـلام اسـاس حکـومت و هـدایت مردم قرار گیرد. بنـابراین، در زمـان بحران، هیـچ نـوع مشارکتی در نهضت نداشـتند. این گروه ها بعدها به دلیل فرصت طلبی هایشان خود را در قیام مردم سـهیم می پنداشـتند. یکی از دانشـجویان جبهه ملی از قول اللهیـار صالـح ـ از سـران اصـلی آن جبهه ـ درباره موضع جبهه ملی در قیام پانزده خرداد می گوید:

ایشان (اللهیار صالح) ما را از هر گونه پیروی و همکاری با مبارزات روحانیون سخت منع کرد و اظهار نمود که دنبال این گونه حرکت های زودگذر و موسمی نروید.(۱)

بیژن جنونی ـ یکی از مارکسیست هـا ـ در کتـاب طرح جـامعه شناسـی و مبانی استراتژی(۲) با ارتجاعی خوانـدن قیام پانزده خرداد، درباره نقش چنین نیروهایی می گوید:

در این مورد بایـد گفت شـعار جبهه ملی در این دوران «اصـلاحات آری، دیکتاتوری نه!» بود؛ یعنی صـریحاً برنامه های شاه را تحت عنـوان انقلاـب سـفید پذیرفتنـد و حتی حکـومت شـاه را نیز تأییـد کردنـد؛ یعنی همـان حرف مصـدق را که می گفت: «سـلطنت آری، دیکتـاتوری نه» دنبـال می کردنـد. بنـابراین، آن ها عملاً قیام ۱۵ خرداد را نفی کردنـد. بـه همین دلیـل، منزوی شدند.(۳)

۱- پیام انقلاب، ش ۳۳، ص ۴۵.
۲- طرح جامعه شناسی و مبانی استراتژی، ج ۱، ص ۲۲۱.
۳- طرح جامعه شناسی و مبانی استراتژی، ج ۱، ص ۲۲۱.

این نیروها در شعار، خود را مخالف رژیم نشان می دادنـد، ولی در عمل، آن رژیم را تأیید و قیام مردم را نفی می کردند. این نیروها هر چنـد به دلیل گستردگی و مردمی بودن قیام نتوانستند چندان تأثیر گذار باشـند، ولی به عنوان خطر و آسیب درونی نهضت مطرح بودند. مقام معظم رهبری این گونه نیروها را به عنوان آسیب درونی انقلاب نام می برد و این گونه می فرماید:

در ایران کسانی بودنـد که تنها از لحاظ این که آن ها با دین بر سـر لـج بودند و دین را قبول نداشـتند، با انقلاب مقابل شدند. این یکی از مسایـل و حقایق قابل توجه است؛ چون انقلاب مـدّعی و مروّج دین بود و مردم را به دین داری سوق می داد و آن ها تحت تأثیر فرهنگ غربی و با تفکرات گوناگون ـ و به قول خودشان گرایش به ایدئولوژی ها و مکتب های گوناگون ـ با دین، میانه ای نداشتند.(۱)

این گونه نیروها هر چند در ظاهر به دلیل منافع شخصی و حزبی، خود را با نهضت مردم هم سو نشان می دادند، ولی در عمل، بر همان مواضع گذشته خود ماندند و بعدها خود به خود از صحنه سیاسی کشور حذف شدند.

۷. عوامل و نیروهای خارجی

۷. عوامل و نیروهای خارجی

بـا آغاز قیام پانزده خرداد رهبری نهضت بر قطع وابسـتگی خارجی تأکیـد می ورزیـد و به دلیل ماهیت اسـلامی قیام با اسـتبداد داخلی و بـا اسـتعمار شـرق و غرب مبـارزه می کرد. بنـابراین، وقتی بلوک شـرق و غرب، خطری مشترک را در راه منـافع خود احساس کردند، هم صدا به مخالفت با قیام پانزده خرداد پرداختند. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

۱- انقلاب پویا، ص ۲۴.

ایجاد یک حکومت دینی برای شوروی، به خصوص در همسایگی جمهوری های مسلمان نشین، همان قدر ضرر داشت که انقلاب برای امریکا و از دست رفتن نفوذ کمپانی های امریکایی و مستشاران امریکایی، ضرر داشت.(۱)

اگر چه مردم مسلمان ایران بر استقلال تأکید می کردند و کمک هیچ قدرت خارجی را نمی خواستند، ولی مخالفت همه جانبه استعمار شرق و غرب که گسترده ترین رسانه های تبلیغاتی را در اختیار داشتند، در تضعیف روحیه مردم نقش مهمی داشت. در چنین شرایطی، نیروهای مبارز و انقلابی حتی ابتدایی ترین وسایل تبلیغاتی را در اختیار نداشتند تا بتوانند در دفع توطئه های دستگاه های تبلیغاتی داخلی و خارجی گامی بردارند و برای آگاه سازی توده ها نقش ایفا کنند.

۱- انقلاب پویا، ص ۲۳ و ۲۴.

فصل نهم: قیام ۱۵ خرداد در سخنان بزرگان

فصل نهم: قیام ۱۵ خرداد در سخنان بزرگان

رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی رحمه الله در پیامی به مناسبت سالروز قیام خونین پانزده خرداد در تاریخ پانزدهم خرداد سال ۱۳۶۱، این قیام اسلامی را چنین تحلیل می کند:

سالروز خرداد ۴۲ خمیر مایه نهضت مبارک ملت بزرگ ایران و روز بذر انقلاب اسلامی ماست. ملت عزیز باید این خمیرمایه و بذر پر برکت را در عصر عاشورای ۸۳ جست وجو کند؛ عصر عاشورای مصادف با ساعات شهادت نصرت آفرین سید مظلومان و سرور شهیدان؛ عصر عاشورایی که خون طاهر و مطهر ثارالله و ابن ثاره به زمین گرم کربلا ریخت و ریشه انقلاب اسلامی را آبیاری نمود. ملت عظیم الشأن در سالروز شوم این فاجعه انفجارآمیزی که مصادف با ۱۵ خرداد ۴۲ بود، با الهام از عاشورا آن قیام کوبنده را به بار آورد. اگر عاشورا و گرمی و شور انفجار آن نبود، معلوم نبود چنین قیامی بدون سابقه و سازماندهی واقع می شد. واقعه عظیم عاشورا از ۶۱ هجری تا خرداد ۶۱ و از آن تا قیام عالمی بقیه اللّه ـ ارواحنا لمقدمه الفداء ـ در هر مقطع انقلاب ساز است. آن روز یزیدیان با دست جنایت کاران گور خود را کندند و سقوط و ننگ ابدی را برای خویش به جا گذاشتند که ملت عظیم الشأن ایران بحمد الله تعالی با قدرت و پیروزی بر گور آتشبار آنان لعنت می فرستد.(۱)

امام بزرگوار به مناسبت های گوناگون درباره ماهیت و تأثیر این قیام، سخنان ارزنده ای ایراد کرده است. در این جا، برای اختصار تنها به سخنان کوتاهی از ایشان اشاره می کنیم:

کشتار پانزده خرداد از اعمال یک قشون با ملت بیگانه بدتر بود. آن ها بچه ها را

۱- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۷۹.

نمی کشـتند، زن ها را نمی کشتند. تا ملت عمر دارد، غمگین در مصیبت پانزده خرداد است. پانزده خرداد ننگ ملت بود؛ زیرا از پول همین ملت اسلحه تهیه شد و با این اسلحه، مردم را کشتند.(۱)

امام خمینی رحمه الله پس از آزادی از زندان در تاریخ ۲۵/۲ /۱۳۴۳، ناراحتی خود را از کشتار مردم به دست رژیم خون آشام شاه چنین ابراز کرد:

قضـیه پانزده خرداد را من مطلع نبودم تا این که از حبس به حصـر تبـدیل شـد و اخبار خارج به من رسـید. خدا می داند که مرا اوضـاع پـانزده خرداد کوبیـد (گریه شدیـد حضار). حالا هم که این جا آمـده ام از قیطریه، مواجه هسـتم با یک منظره هایی؛ با بچه های کوچک بی پـدر (گریه شدید حضار)، با پدرهای جوان از دست داده با مادرهای جوان مرده، با زن های برادر مرده، با پاهای قطع شده گریه شدید حضار، با افسردگی ها. این ها علامت تمدن آقایان است و ارتجاع ما.(۲)

ایشان در جای دیگر می فرماید:

نهضـت بزرگ ایران که در ۱۲ محرم ۸۳ (پانزده خرداد ۴۲) شـکوفا گردیـد، پرده هـای تزویر و عوام فریبی شاه را پاره کرد و قتل عام شاهانه و فداکاری ملت، مبدأ عظیمی در تاریخ ایران گردید و مفاتیح نجات اسلام و عدالت به دست آمد.(۳)

یادتان نرود که ما یک پانزده خرداد داشتیم. پانزده خرداد مبدأ نهضت اسلامی

۱- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۶۶.

۲- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۶۷.

۳- صحیفه نور، ج ۲، ص ۴، پس از کشتار ۱۹ دی.

ایران است.(۱)

وقتی که فریاد اسلام خواهی مردم کشور ما در پانزده خرداد به گوش امریکا رسید، وقتی که برای اولین بار غرور امریکا و اقتدار و ابرقدرتی او در اعتراض به مصونیت کارگرانش در ایران شکسته شد و امریکا متوجه اقتدار و رهبری علما و روحانیت اسلام و عزم و جزم و اراده پولادین ملت ایران برای کسب آزادی و استقلال و رسیدن به نظام عدل اسلامی گردید، به نوکر بی اراده و وطن فروش و فرومایه خود محمدرضاخان دستور داد که صدای اسلام خواهی ملت را خاموش کند و همه دیدیم که خاینان و سرسپردگان در این مأموریت لحظه ای درنگ ننمودند و به نام آزادی از کشته های این ملت پشته ها ساختند و در و دیوار کشور ما را از فیضیه گرفته تا دانشگاه و از دانشگاه تا کوچه و بازار و خیابان و از خیابان تا مسجد و محراب، به خون عزیزان و جوانان تکبیرگوی پیرو خدا و رسول خدا۹ رنگین کردند.(۲)

پانزده خرداد در عین حالی که مصیبت بود، لکن مبارک بود برای ملت که منتهی شد به یک امر بزرگی و آن استقلال کشور و آزادی برای همه مملکت بود.(۳) بزرگداشت روز حماسه آفرین پانزده خرداد، بزرگداشت ارزش های انسانی در طول تاریخ است.(۴)

مقام معظم رهبری حضرت آیت اللّه خامنه ای نیز درباره تأثیر قیام پانزده خرداد در پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ می فرماید:

پانزده خرداد یک شعله ای بود که اگر چه دیر نپایید، اما آتش گیره های واقعی

۱- صحیفه نور، ج ۹، ص ۶۵ .

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۶.

۳- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۵۴.

۴- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۶۴.

و ماندگار را روشن کرد. همان طوری که وقتی چند تا هیزم حسابی را می خواهند آتش بزنند، یک شعله مفصلی باید درست بکنند تا (هیزم ها آتش) بگیرند. وقتی گرفت، از فاصله صد متری هم گرم می کند و از دور دیده می شود. اما این شعله نمی ماند، یک مقدار که گذشت این شعله فرو می نشیند. آدم های ظاهر بین خیال می کنند تمام شد، اما آدم های واقع بین می فهمند که آتش شروع شده است؛ زیرا آن هیزم های پر حجم، تازه روشن شده است. آن ها شعله ندارد، اما آتش ماندگار است. پانزده خرداد هم این طور بود. آتش خرداد دو روزه نشست، اما آن هیزم های اصلی انقلاب (آتش) گرفت؛ حرکت های زیرزمینی شروع شد؛ اندیشه حرکت مسلحانه در میان انقلابیون راه یافت. روحانیونی که تا قبل از مبارزات ۴۱، اصلاً به فکر مبارزه نبودند و بعد از آن هم مبارزاتشان جنبه شعاری و منبری و سخنرانی داشت، به فکر تشکّل افتادند. اولین تشکیلات انقلابی یک عده روحانی، بعد از پانزده خرداد تشکیل شد که اساس آن یازده نفر بود که جز و آن یازده نفر (آقایان) منتظری، ربانی شیرازی، بنده، هاشمی، مصباح، آقای قدوسی، آذری، قمی و امینی نجف آبادی بود.(۱)

آقای سیدمحمد خاتمی، رییس جمهور نیز در تحلیل ماهیت نهضت اسلامی پانزده خرداد، آن را قیامی مترقی می داند که ویژگی های اساسی داشته است. به نظر ایشان، انقلاب ایران که از پانزده خرداد آغاز شد، براساس همان خواسته های مردم در پانزده خرداد ادامه یافت و سرانجام به پیروزی رسید. در این جا به مطالبی از سخنان ایشان در این باره اشاره می کنیم:

ماهیت نهضت پانزده خرداد را می توان از زاویه ارتجاعی یا مترقی بودن نهضت اسلامی بررسی کرد. متأسفانه، امروزه مطالبی اظهار می شود که به گونه ای

۱- سروش، ش ۱۴۰، ص ۲۴.

تأیید کننده (گفته های رژیم در) آن سال هاست. در همان زمان، (رژیم) روی ارتجاعی بودن حرکت انقلابی تکیه داشت و در مقابل حرکت انقلابی، به اصطلاح انقلاب خود را سفید می نامید و به تمام حرکت های دیگر عنوان ارتجاع و واپس گرا می داد. از طرف دیگر، حکومت های غربی که صاحبان اصلی منافع در ایران و پیشنهاد دهنده اصلاحات بودند، عقیده داشتند که حرکت انقلابی پانزده خرداد یک حرکت ارتجاعی است.

راه این است که تاریخ را منصفانه بررسی کنیم...در آن سال امام با بیداری و هوشیاری و نیز با تکیه بر اصالت اسلام و نیروی مردم توانستند انقلاب را آغاز (کنند) و پس از آن، با گذراندن انقلاب از سنگلاخ های بسیار سخت، انقلاب را به پیروزی برساند. یکی از رازهای موفقیت امام، مردمی نگهداشتن این انقلاب بود. مگر کسی برنامه پانزده خرداد را برنامه ریزی کرده بود که مردم را به خیابان ها بکشاند تا آن ها به نفع امام جانبازی کنند. پیوند تاریخی بین مردم و مرجع و دین و نقش معنوی او سبب شد تا مردم حرکت کنند. امام از همان روز مخاطب خود را مردم قرار دادند، نه جریان های سیاسی و گروه های چریکی. انقلاب دارای این دو جنبه؛ یعنی مردمی و دینی بوده است.(۱)

پس از دستگیری امام و حادثه خونین پانزده خرداد، علما و مراجع کشور در محکومیت جنایت های رژیم و پشتیبانی از حماسه ملت و رهبری، اعلامیه هایی صادر کردند که به اختصار به چند مورد اشاره می کنیم:

در اطلاعیه آیت الله العظمی گلپایگانی رحمه الله چنین آمده بود:

بازداشت حضرت آیت اللّه آقای خمینی...و سایر علما و مبلغین، بازداشت ملت شیعه و اهانت به مذهب و دین اسلام است. حقیر انزجار شدید خود را از این توهینات اظهار و اعلام می دارم مراجع شیعه در مورد مخالفت مقررات اخیر، با

۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ۸، صص ۲۹ _ ۵۸.

احکام شرعیه اتفاق رأی داشته و دارند و ان شاء الله تعالی با تشریک مساعی و هم قدمی و اتحاد کلمه، مقاصد مشروعه خود را تعقیب خواهند نمود.(۱)

هم چنین آیت اللّه العظمی میلانی، در اطلاعیه خویش چنین آورده بود:

بازداشت آیات و حجج و مبلغین و اساتید دانشگاه و سایر اشخاص محترم با ایمان در ایام عزاداری حسینی علیه السلام به جرم اظهار حق و امر به معروف و نهی از منکر بسیار موجب تأثر است. ای کاش! اولیای امور از واقعه کربلا عبرت گرفته و دست به چنین عملی نمی زدند. گرچه با این پیشامد، عظمت دین و آیین جلوه گر شد و مردم دنیا فهمیدند آزادی در این مملکت نیست و اختناق مردم به جایی رسیده است که بزرگان کشور و رجال مذهب که از خود گذشته اند تا جلوگیری از مفاسد اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی نمایند و مردم را از بدبختی نجات دهند، دستگیر و زندانی می شوند. بس جای شگفت است که علما و دانشمندان در سایر ممالک حایز اهمیت و احترام باشند و در ایران گوشه زندان به سر برند. بر همه مسلمانان لازم است به وظیفه ارادتمندی عمل نمایند و پشتیبانی کنند و هماهنگی خود را اظهار بدارند تا با تأیید خداوندی، قرآن و دین و آیین از مخاطرات مصون گردد. گویا اولیای امور می خواهند این مملکت جعفری را به خاک و خون کشیده، با کشتن جوانان غیور با ایمان، کشور را به دست دشمنان اسلام و قرآن بسپارند. امید است به یمن حمایت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه، از این گرفتاری مستخلص گردید.(۲)

شادروان شیخ محمود شلتوت رئیس دانشگاه الازهر مصر نیز اطلاعیه ای به این مضمون صادر کرد:

مسلمانان! ما در آستانه دوره ای به سر می بریم که در آن، برخی از مردم را زرق

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۴۶.

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۴۷.

و برق های تمدن و لذت ها و تجملات زندگی سرگرم و از دین غافل گردانیده است. در این دوره، جریان های تبلیغاتی شوم و تجاوزاتی آشکار رخ می دهد که قربانیانش علمای اسلام در ایرانند. آن رادمردانی که برای راه خدا و از دینش پاسداری می نمایند و جرمی جز این ندارند که تعلیمات الهی را باز می گویند.

مسلمانان! اقدام به نجات مظلوم کاری است که اسلام واجب گردانیده است. علمای اسلام و روحانیون ایرانی بارها مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند و بارها زندانی شده اند. مسلمانان! دست تجاوز به روی علمای دین و روحانیون دراز کردن، جنایتی در حق اخلاق است و داغ ننگی بر پیشانی ملت و بر چهره بشریت. هان به شما مسلمانان هشدار می دهم، به مسلمانان همه کشورها، این تجاوز و دست درازی بی شرمانه را به سادگی نگاه نکنید و با تمام نیرو برای نجات علمای ایران از چنگال دژخیمان دیکتاتور ایران مبارزه کنید وبه ستم کاران تکیه نکنید که آتش دوزخ گریبانتان را خواهد گرفت.(۱)

۱- متن کامل اعلامیه در صص ۵۳۳ تا ۵۳۵ کتاب بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله آمده است.

فصل دهم: برگزیده ادب فارسی

اشاره

فصل دهم: برگزیده ادب فارسی

زیر فصل ها

الف) اشعار

ب) متن ادبی

الف) اشعار

اشاره

الف) اشعار

شعر زیر، بازگو کننده ستم های رژیم شاه در واقعه ۱۵ خرداد است و دوران استبداد و خفقان شاهنشاهی را به تصویر می کشد. محمد حسین بهجتی این شعر را پس از آن واقعه خونین سروده است:(۱)

خون هایی که می جوشد!

افق امروز چرا سرخ تر است؟

سینه اش خونین است؟

می خراشد رخ و خون می ریزد؟

یا رب این منظره چیست؟

دیگر این ملک سیه، ایران نیست،

محبسی ویران است

وین سیه سقف سپهر

سقف بشکسته این زندان است.

ملتی پای به زنجیر و اسیر

اندر آن می نالد.

۱- علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام، ج ۴، ص ۹۰.

این افق غمی است که بینی از دور

گرد این حبس حصاری است بلند

که زخون شهدا

جابه جا قرمز و خون آلود است

وه که این صحنه چه درد اندود است

دیگر این ایران نیست

کوره ای سوزان است

که در این کوره شب و روز هزاران مظلوم

بی گنه می سوزند

بام این کوره و دیوار و درش

شده چون قیر، سیاه

بس که آه

از دل سوخته بر می خیزد.

این یکی درّه پر فریاد است

مرکز بیداد است

یا که کشتارگهی خون بار است

که در آن نسل جوان قربانی است

نه...ببخشید مرا

که در این کشور ما، آزادی است!

همه جا آبادی است!

می زند موج به بام و در و دیوارش، عدل!

این شرف او را بس!

دیگر آزادی از این بالاتر؟!

که شود آن همه استاد اسیر؟!

یا شود رهبر آگاه و دلیر

گاه زندانی و گاهی تبعید

نازم آزادی را

که کند حکم به اعدام گروهی دین دار!

کار از این بهتر چیست؟!

این عدالت نبود؟!

که این همه مردم بی اسلحه را در یک روز!

به مسلسل بندند؟!

این تمدن نبود؟!

که هزاران نفر از دست ستم بی تقصیر

همه در خون غلتند؟!

الحق انصاف این است!

قابل تحسین است!

افق امروز ملال انگیز است.

می خراشد رخ و خون می ریزد

در غم پانزده خرداد است.

تا ابد ننگ از این حادثه بر می خیزد

نرود هیچ ز یاد

خون زند جوش هنوز

در تن پاک شهیدان غیور

خون آن مردم آزاده نیافتد از جوش

آری، این شعله نگردد خاموش

هرگز آرام نگیرد این موج

تا ز بن برنکند ریشه بیداد سیاه

به امید آن روز!

شعر زیر سروده محمد رضا حکیمی است که با الهام از سخنان تاریخی امام خمینی رحمه الله در عاشورای ۴۲ و قیام خونین ۱۵ خرداد به نظم درآمده است:(۱)

عاشورا آفرین قرن

خون شفق، دوباره سر از بی کران کشید

گردون، لوای خون، به فراز زمان کشید

شد منفجر ز سینه آفاق، خون حق

وز رمز انقلاب، خط ارغوان کشید

خونین نگاره گشت افق تا افق ز خون

رنگ شفق، صلای جهاد آوران کشید

روح زمانه خسته از سستی و سکوت

ناگه زدل، خروش چو کوه گران کشید

۱- علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام، ج ۴، ص ۹۴.

افسرده بود همّت مردان حق و باز

مردانه همتی، همه را در میان کشید

این گلّه را که گرگ زهر سو ربوده بود

در خط احتفاظ، خروش شبان کشید

آن آتش نهفته به چندین هزار نسل

زد باز پس شراره و تا آسمان کشید

دین خدا، دوباره بر سر لوحه زمان

خود را به دوش همّت آن قهرمان کشید

پور علی، که بر سر این خیبری دوان

بس نعره های حق طلب جان ستان کشید

فرزند پاک موسی جعفر کزین نسب

پا از شرف به فرقگه فرقدان کشید

آن کو که خود نمونه آن حشمت است و بس

کاین بار مکرمت خود از آن دودمان کشید

ای پیشوای شیعه که تاریخ ما زتو

از افتخار پا به سر کهکشان کشید

قم را شکوه نهضت تو در همه جهان

اندر شمار مکتب آزادگان کشید

قم جای درس بود و سکوتی خمودگون

و نیک حماسه اش ز تو تا هر کران کشید

ای پیشوای خلق که تاریخ انقلاب

نقش تو را به طاق بلند زمان کشید

خورشیدسان، خروش تو، از مرز خاوران

تا دورتر کرانه غرب جهان کشید

ای قرن ها حماسه و ای سال ها خروش

ای کز تو انقلاب سوی جاودان کشید

نام تو زنده است که خود دست روزگار

نام تو را چو خور، بر سر خاوران کشید

اسلام زنده گشت ز شور قیام تو

فریادها به راه تو نسل جوان کشید

ای کاوه مقدس بیدادگر، کنون

دست تو پرده از رخ ضحاکیان کشید

هم دین و هم وطن، همه را برد اجنبی

زان، پیشوا غریو چون شیر ژیان کشید

قرآن به حیله نشر نمود این محیل و باز

بس تیغ و تیر بر رخ قرآنیان کشید

پس آن همه به نیمه خرداد از چه کشت؟

پس انتقام از چه ز روحانیان کشید؟

پس از چه کرد مدرس قرآنی به قم خراب؟

پس از چه دست از همه احکام آن کشید؟

نواب را که کشت به جز این پلید شوم؟

کی با یهود کار به عقد نهان کشید؟

آن مؤمنان پاک ورامین کجا شدند؟

آنان که دین زماتمشان الامان کشید

این خاینان چو دین و وطن را فروختند

زین ره، خمینی از دل و از جان فغان کشید

چونان حسین، در پی یاری حق و عدل

جان را به کف نهاد و به میدان عنان کشید

هر دوره ای، ز آل علی، مشعلی به پاست

این شعله، جاودانه بماند که از خداست

شعر زیر که باید آن را «مرثیه خرداد» نامید، سروده سید محمد حسین امامی است و به مناسبت سالروز قیام ۱۵ خرداد سروده شده است:(۱)

خرداد پیروزی

صدای زنده در گوران، هنوز از نیمه خرداد می آید

که در خرداد پیروزی از آن ها یاد می آید

هنوز از غرفه در خونان، پیامی می رسد خونین

هنوز از خاک آن پاکان، فغان و داد می آید

همان هایی که در آخر به کام مرگ می گفتند

که ما را رهبری با عزم چون پولاد می آید

۱- برگرفته از: هفته نامه پاسداران، ص ۹۴.

ز قبر جمعی آن ها نوای ناله مانندی

پیامی آشنا با جان از آن فریاد می آید

زخون پاک آن ها شد، طلوع صبح آزادی

روان خفته در خون ها از این پس شاد می آید

اگر آزادگان آن جا، به خون خویش غلتیدند

جهان از چنگ خون خواران، دگر آزاد می آید

هنوز از دامن صحرا نسیمی بوی خون دارد

ندای خفته در خون ها گهی با باد می آید

پیام آن جوان مردان که هر یک مژده می دادند

که بعد از مردن ما رهنمای راد می آید

هنوز از باقر آبادی که میقات ورامین بود

صفیر تیر خون خواران، به بنیاد می آید

شریک خون مظلومان بود آن ناجوان مردی

که بر اندیشه رهبر از او ایراد می آید

هنوز از نای مزدوران، ندای شوم خون خواران

امان از آن جنایت ها که از موساد می آید

بود در جان من آتش که دودی رنگ خون دارد

من از این شعله می سوزم که از بیداد می آید

هنوز از حومه تهران، نوای ناله جمعی

زخون در خفتگانِ نیمه خرداد می آید

بنای ظلم دژخیمان به این زودی فرو ریزد

به خون و آه مظلومان خراب آباد می آید

هنوز از مدفن پاکان پیامی این چنین آید

تمام این جنایت ها زننگ آخر مرداد می آید

ب) متن ادبی

ب) متن ادبی

نفس گرم امام، شعله های خشم مردم را علیه شاه و رژیم استبدادی او فروزان تر می کند. شاه برای پیاده کردن رفرم امریکایی انقلاب سفید در ششم بهمن ۱۳۴۱ دست به کار شد. قم و دیگر شهرهای ایران به پا خاستند و به رهبری امام خمینی رحمه الله، قلب استبداد و استعمار را نشانه گرفتند.

بامداد روز سه شنبه، دوم بهمن ماه ۴۱ شمسی، اعلامیه امام بزرگوار در تحریم رفراندوم قلابی شاه، در سراسر ایران پخش گردید و اولین ضربه سهمگین را بر پیکر پوسیده استبداد وارد ساخت. علما و روحانیان و فعالان سیاسی دستگیر و روانه زندان شدند. شاه، چماق داران و چاقوکشان خویش را روانه دانشگاه ها و خیابان ها می کند و آن گاه سرسراهای دانشگاه ها و سطح خیابان ها و کوچه ها به خون مردمان پاک آغشته می شود. با اعلان حکومت نظامی، سایه شوم وحشت بر تهران سایه گستراند. هرگونه اجتماعی ممنوع می شود و جاسوسان و سرسپردگان رژیم فعال تر می شوند.

چهارم بهمن ۴۱ شمسی، شهر مقدس قم به پادگان نظامی تبدیل می شود. شاه در میان کماندوها و سربازان گارد ویژه، وارد قم می شود، ولی موضع گیری قهرآمیز مردم و روحانیان، پتک محکمی بر سر فرعون زمان فرود می آورد و مردم در یک رستاخیز عمومی با لبیک به خمینی کبیر، به اربابان زور و استبداد

جواب «نه» می دهند.

چون صندوق های رأی از پیش پر شده بودند، نتیجه رفراندوم نیز مشخص بود. کندی، رئیس جمهور امریکا به شاه تبریک می گوید و شوروی آن حرکت را می ستاید. روزنامه ها از «تفکیک دین و سیاست» سخن می گویند و می نویسند پیشوای اسلامی حق ندارد در سیاست دخالت کند؛ یعنی حق ندارد خیانت های شاه را به دهقان ایرانی بازگو کند و سیاست های خاینانه او مانند قانون کاپیتولاسیون در ایران، را که با رهنمود اسرائیل و امریکا اجرا می شود، افشا سازد.

شاه تصمیم می گیرد هرگونه صدای آزادی خواهی را خاموش سازد و اجازه ندهد که جز صدای مجریان انقلاب سفید و آوای خواب آور حنجره های شوم استعمار، هیچ بانگ دیگری به گوش مردم برسد. بدین گونه بود که فاجعه خونین فیضیه در دوم فروردین ماه ۴۲ در سالروز شهادت امام صادق علیه السلام به دست خون آشامان طرح ریزی و اجرا می شود.

با همه این ها، در پی رهبری های حکیمانه امام خمینی رحمه الله، توطئه های استعماری شاه شکسته شد. آن گاه امام با سخنان آتشین خود در عصر عاشورای سال ۴۲ ه . ش، به رسالت تاریخی خود علیه ستم گری های رژیم سلطنتی شاه عمل کرد و آشکارا تمام بدبختی های ایران را برآمده از سیاست های ضد دینی شاه دانست.

ساعت ۳ بعد از نیمه شب ۱۵ خرداد است. کامیون های نظامی رژیم به همراه کماندوها و چتربازان و سربازان گارد ویژه وارد شهر می شوند و رهبر قیام را از قم بیرون می برند.

«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ مِنْ شَرِّ غاسِقٍ إِذا وَقَبَ (فلق: ۱ _ ۳)

چه صبح غم باری و چه آغاز پرتپش و وحشتناکی!

با طلوع خورشید، خبر دستگیری امام در سراسر ایران پخش می شود. عصیان توده ها، لعن و نفرین به رژیم، اشک و ناله و آه و خروش زنان و مردان در آسمان طنین می افکند و غرّش توپ و تانگ و مسلسل و پرواز هواپیماهای نظامی فضای دهشت آوری را ایجاد می کند. آن گاه اجساد آغشته به خون شیرمردان و شیرزنان و کودکان، در کوچه ها و خیابان های شهر، در میان آتش و دود به خاک می افتند.

خورشید غروب می کند و شب فرا می رسد، ولی شبی که هیچ چشمی برهم نمی آید، بلکه بیدارتر و هوشیارتر از همیشه تا صبح پیروزی در انتظار می مانند؛ که: «الیس الصبح بقریب»(۱)

۱- ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، صص ۱۱ ــ ۱۳. بخشی از: مقاله احمد حسین انزابی، با گزینش، صص ۱۱ ــ ۱۳.

فصل یازدهم: همراه با برنامه سازان

اشاره

فصل یازدهم: همراه با برنامه سازان

بی شک، قیام پانزده خرداد، قیامی تأثیرگذار در تاریخ سیاسی ایران و جهان اسلام بود که با ماهیّت اسلامی و مردمی شکل گرفت و راه گشای پایه ریزی بزرگ ترین حکومت اسلامی در قرن حاضر شد. این حرکت گسترده ضداستبدادی و ضداستعماری که معادلات سیاسی جهانی را به هم زد، زمینه ها و الگوهای بسیاری برای ساخت برنامه های گوناگون رادیویی و تلویزیونی دارد که لازم است برنامه سازان محترم در این زمینه، به موارد زیر توجه کنند.

پیشنهادهای کلی

پیشنهادهای کلی

۱. با توجه به الهام پذیری قیام پانزده خرداد از عاشورای حسینی، در روشن شدن اهداف و ویژگی های این قیام، به نقش عاشورا و مذهب در به حرکت درآوردن توده های مسلمان تأکید بیش تری شود و اهداف قیام در همان مسیر و اندیشه عاشورایی تبیین شود.

۲. قیام اسلامی پانزده خرداد با شرکت همه گروه های مردمی شکل گرفت. بنابراین، در بررسی نقش احزاب و گروه های سیاسی، واقع بینانه، به این امر پرداخته شود. سپس آن گروه های سیاسی که رفته رفته از روند قیام فاصله گرفتند، معرفی شوند تا ماهیت اصلی قیام آشکارتر شود. هم چنین مردمی و دینی نبودن برخی از احزاب و گروه های سیاسی که از قیام مردمی جدا شدند، مشخص گردد.

۳. در بررسی نقش روشن فکران، رویکرد روشن فکران مذهبی که هیچ گونه وابستگی داخلی و خارجی نداشتند، مانند دکتر علی شریعتی، مشخص تر نشان داده

شود.

۴. بسیاری از مردم به ویژه نسل جوان با قیام پانزده خرداد و رویدادهای پیش از آن به طور کامل آشنا نیستند. از این رو، برنامه سازی در این زمینه هر چه بهتر و بیش تر ضروری می نماید.

۵. قیام پانزده خرداد، دگرگونی های مهمی را در اندیشه سیاسی و اجتماعی حوزه و دانشگاه پدید آورد و ادبیات سیاسی کشور را وارد مرحله تازه ای کرد. لازم است این ویژگی اساسی قیام، به دقت تحلیل شود.

۶. سخنرانی تاریخی امام خمینی رحمه الله در عصر عاشورای سال ۱۳۴۲ ه . ش، در حقیقت، مرام نامه حرکت اسلامی ـ مردمی پانزده خرداد بود. بنابراین، زوایای گوناگون این سخنرانی، با توجه به فضای خفقان آن روز، بیش تر مورد بررسی قرار گیرد.

۷. نقش زنان و حضور حماسی آن ها در جریان مبارزات مردم برجسته تر نشان داده شود.

الگوهای برنامه سازی

الگوهای برنامه سازی

۱. از فعالان و مبارزان سیاسی آن روز که از گروه های مختلف مردمی مانند: بازاریان، دانشگاهیان، روحانیان، کارگران و... هستند، دعوت شود تا در برنامه های زنده تلویزیونی به بیان خاطره ها و تحلیل اوضاع آن زمان بپردازند.

۲. فیلم یا نوار سخنرانی امام خمینی رحمه الله در عصر عاشورای آن سال در مناسبت های گوناگون مربوط به قیام اسلامی مردم ایران پخش گردد.

۳. درباره حمله وحشیانه رژیم به مدرسه فیضیه و دانشگاه فیلم هایی ساخته شود.

۴. در سالروز قیام ۱۵ خرداد در تمام شهرها، مکان هایی که در جریان قیام خونین پانزده خرداد مسیر راه پیمایی مردم بوده است، پارچه ها و پلاکاردهایی نصب شود. هم چنین در مکان هایی که کشتار خونین مبارزان مسلمان به دست مزدوران رژیم صورت گرفته است، نمایشگاه عکس، فیلم و کتاب برپا گردد و از صدا و سیما به طور گسترده پخش شود.

۵. از استادان حوزه و دانشگاه و نظریه پردازان سیاسی دعوت شود تا با شرکت در میزگردها و بحث های آزاد به بیان دیدگاه هایشان درباره موضوع های مختلف در زمینه قیام پانزده خرداد بپردازند. موضوع های مورد بحث می تواند موارد زیر باشد: آسیب شناسی قیام پانزده خرداد؛ تأثیرگذاری قیام پانزده خرداد در معادلات سیاسی منطقه؛ نقش احزاب و گروه های سیاسی؛ پی آمدهای قیام پانزده خرداد و واکنش های بین المللی.

۶ . فیلم ها و عکس هایی که در جریان قیام پانزده خرداد از سوی سازمان های اطلاعاتی یا خبرنگاران و...گرفته شده است، جمع آوری و در ساخت فیلم ها و برنامه های گوناگون، از آن ها بهره برداری شود.

۷. از کفن پوشان ورامین و دیگر حرکت های خودجوش مردمی فیلم مستند یا اگر مضمون های داستانی دارند، فیلم های سینمایی تهیه شود.

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مسابقه ای

۱. برنامه های امریکا برای دگرگونی ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران با چه عنوانی در ایران به اجرا در آمد؟ انقلاب سفید

۲. شاه برای جلب حمایت روحانیان در اجرای رفراندوم فرمایشی در چه تاریخی به قم سفر کرد؟ در ۴ بهمن ۱۳۴۱

۳. اصول ششگانه انقلاب سفید در چه تاریخی به رفراندوم یا تصویب ملی گذاشته شد؟ ۶ بهمن ۱۳۴۱

۴. در اعتراض به عملکرد ضد اسلامی شاه، عید نوروز کدام سال از سوی امام خمینی رحمه اللهبه عنوان عزای عمومی اعلام شد؟ سال ۱۳۴۲

۵. قیام خونین پانزده خرداد با کدام رویداد مهم تاریخ اسلام مصادف بود؟ ایام محرم حسینی

۶. قیام خونین پانزده خرداد چندمین روز ماه محرم سال ۸۳ ه . ق بود؟ ۱۲ محرم

۷. سخنرانی تاریخی امام رحمه الله پیش از پانزده خرداد در کجا و در چه روزی هم زمان انجام شد؟ مدرسه فیضیه _ عصر عاشورای ۸۳ ه . ق؛ (۲ روز پیش از قیام ۱۵ خرداد)

۸. عامل اصلی شکل گیری قیام خونین پانزده خرداد چه بود؟ دستگیری امام خمینی رحمه الله

۹. ساواک و مأموران نظامی رژیم در چه تاریخی امام خمینی رحمه الله را دستگیر کردند؟ نیمه شب ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

۱۰. امام خمینی رحمه الله کدام رویداد مهم تاریخ انقلاب را «مبدأ تاریخ انقلاب» نامید؟ ۱۵ خرداد ۱۳۴۲.

۱۱. مهم ترین دستاورد قیام پانزده خرداد کدام است؟ پایه ریزی حکومت اسلامی در سال ۱۳۵۷.

۱۲. اساسی ترین محور حرکت مردم در قیام پانزده خرداد و رویدادهای پس از آن چه بود؟ باورهای اسلامی شیعی مردم

۱۳. قیام پانزده خرداد از مشارکت چه گروه هایی شکل گرفت؟ همه گروه های مردمی

۱۴. در قیام پانزده خرداد، روحانیت در حرکت مردم چه نقشی داشتند؟ رهبری قیام را بر عهده داشتند

۱۵. یکی از عملکردهای ضد دینی رژیم که در آن، قید «اسلام» و «سوگند به قرآن مجید» از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان حذف شده بود، کدام است؟ تصویب لایحه «انجمن های ایالتی و ولایتی»

۱۶. قیام پانزده خرداد در زمان نخست وزیری چه کسی رخ داد؟ اسد الله علم

۱۷. در هنگام اجرای برنامه های امریکا در ایران با عنوان انقلاب سفید، شوروی خواهان چه نوع انقلابی در ایران بود؟ انقلاب سرخ

۱۸. آمار تقریبی شهدای قیام خونین پانزده خرداد چه میزان است؟ نزدیک به ۱۵ هزار نفر

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱. آیا می دانید در پانزده خرداد چه رویداد مهمی در تاریخ کشورمان رخ داده است؟

۲. به نظر شما علت قیام مردم در پانزده خرداد سال ۴۲ چه چیزهایی بود؟

۳. هدف مردم مسلمان در پانزده خرداد چه بود؟

۴. آیا می دانید شعار «مرگ بر شاه» برای نخستین بار در تاریخ مبارزات انقلاب اسلامی در چه روزی در میان مردم طنین انداز شد؟

۵. به نظر شما هدف از انقلاب سفید شاه چه بود؟

۶. واکنش ابرقدرت ها در برابر قیام مردم مسلمان ایران در سال ۴۲ چه بود؟

۷. به نظر شما بزرگ ترین و مهم ترین ویژگی قیام پانزده خرداد چه بود؟

۸. امام خمینی رحمه الله قیام خونین پانزده خرداد سال ۴۲ را به چه عنوانی نام گذاری کرد؟

۹. مردم چه شعارهایی را در جریان قیام پانزده خرداد سر دادند؟

۱۰. عوامل رژیم شاه، امام خمینی رحمه الله را در نیمه شب پانزده خرداد چگونه دستگیر کردند؟

۱۱. به نظر شما نقش عاشورا در مبارزات انقلابی مردم ایران به ویژه در نهضت پانزده خرداد چه می تواند باشد؟

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. به نظر شما ریشه های قیام پانزده خرداد را در کجا باید جست وجو کرد؟

۲. درباره علت ها و زمینه های قیام سال ۱۳۴۲ توضیح دهید؟

۳. با این که کشورهای بلوک شرق و غرب در عرصه جهانی، سیاست های متفاوتی را دنبال می کردند، چرا هم صدا و هماهنگ، با قیام اسلامی پانزده خرداد به مخالفت پرداختند؟

۴. برخی وانمود می کنند که نهضت پانزده خرداد ادامه مبارزات ملی ـ مذهبی سال های پیش بود، در این باره توضیح دهید؟ این گونه تحلیل ها با چه اهدافی مطرح می شود؟

۵. تفاوت اساسی این قیام با نهضت های پیشین را چگونه ارزیابی می کنید؟

۶. قیام پانزده خرداد چه تأثیری بر ادبیات سیاسی کشور گذاشت و تأثیر این حرکت در حوزه های روشن فکری و ملی چگونه بود؟

۷. وضع حوزه های علمیه و دانشگاه ها پیش از قیام چگونه بود و دگرگونی هایی که پس از پانزده خرداد در حوزه و دانشگاه به وجود آمد، چه بود و چه پی آمدهایی داشت؟

۸. آسیب های مربوط به قیام پانزده خرداد چه بود و چرا این قیام با آن همه گستردگی، نتیجه زودرسی نداشت؟

۹. عده ای پانزده خرداد را یک شکست به شمار می آورند. به نظر شما علت این پندار چه می تواند باشد؟

۱۰. قیام سال ۱۳۴۲ چه دست آوردهایی به ارمغان آورد و تأثیر کلی این قیام در فضای سیاسی حاکم بر کشور چه بود؟

۱۱. قیام پانزده خرداد را چه گروه هایی به وجود آوردند و نقش احزاب و گروه های سیاسی موجود در کشور چگونه بود؟

۱۲. از میان گروه ها و احزاب سیاسی موجود در کشور، نقش نهضت آزادی با دیگر گروه های ملی و روشن فکری متفاوت بود. در این باره بیش تر توضیح بدهید و بفرمایید چرا با نزدیک شدن به پیروزی انقلاب و پس از آن، فاصله این حزب از نهضت بیش تر شد؟

۱۳. چه عواملی سبب شد در قیام سال ۱۳۴۲، روحانیت رهبری نهضت را به دست گیرد و رهبران ملی و چپ گرا نتوانند نقش مؤثری داشته باشند؟

۱۴. رویکردهای جامعه روشن فکری در قبال نهضت چگونه بود؟

۱۵. رابطه رژیم استبدادی شاه با رژیم اشغالگر قدس در زمان رژیم شاه چگونه بود؟ این گونه رابطه ها بر مخالفت های مردم با حکومت پهلوی چه تأثیری داشت؟

معرفی کتاب

معرفی کتاب

۱. انجمن اسلامی دانشجویان امریکا، روحانیت و پانزده خرداد، تهران، ۱۳۴۹.

۲. باقری، علی. خاطرات ۱۵ خرداد در چندین دفتر.

۳. پهلوی، محمد رضا. سخنان شاه.

۴. دهنوی. قیام خونین ۱۵ خرداد، نشر رسا، تهران، ۱۳۶۰.

۵. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. قیام خونین ۱۵ خرداد، تهران.

۶. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم. یک صدسال مبارزه روحانیت مترقی (۲ جلد)، ۱۳۵۸.

۷. فاروقی، احمد و لوروریه ژان. ایران بر ضد شاه، برگردان: مهدی نراقی، ۱۳۵۸.

۸. یزدی، ابراهیم. با یاد پانزده خرداد، نشر وحید، باختران.

۹. برنامه کامل جشن های ۲۵۰۰ ساله.

۱۰. انقلاب ایران به روایت رادیو بی بی سی.

مجله ها

مجله ها

۱. سروش، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، شماره های ۱۴۷ و ۱۹۴.

۲. پاسدار انقلاب، شماره های ۱۴، ۵۴، ۷۸.

کتاب نامه

الف) کتاب

۱. آل احمد، جلال، در خدمت و خیانت روشن فکران، چاپ سوم، انتشارات رواق، تهران.

۲. ایمانی، محمد، مؤلفه های تاریخی مدنیت ولایی در ایران، تهران، کیهان، ۱۳۷۹.

۳. باقری علی، خاطرات ۱۵ خرداد، حوزه های هنری تبلیغات اسلامی، دفتر اول، دوم، هفتم و هشتم، ۱۳۷۸.

۴. حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۵، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۵. حزب توده ایران، اسناد و دیدگاه ها، (حزب توده ایران از آغاز پیدایی تا انقلاب ۵۷)، چاپ اول، ۱۳۶۰.

۶. خمینی، سید روح اللّه، صحیفه نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بهمن ۱۳۶۱.

۷. داروینی، محمود، تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، (تبیان دفتر ششم)، چاپ اول، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۹.

۸. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، احزاب سیاسی در ایران (مجموعه اسناد لانه جاسوسی امریکا)، ج ۲، تهران، مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۶۶.

۹. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، ج ۴ _ ۵، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام .

۱۰. ربانی خلخالی، علی، شهدای روحانیت شیعه در یک صد سال اخیر، ج ۱، چاپ اول، ۱۴۰۲. ه . ق.

۱۱. رجبی، محمد حسن، زندگی نامه سیاسی امام خمینی رحمه الله از آغاز تا هجرت به پاریس، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۱۲. روحانی (زیارتی)، سید حمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) چاپ دوم، ۱۳۶۱.

۱۳. کاتوزیان، محمد علی (همایون) و دیگران، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ج ۲، برگردان: محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲.

۱۴. کلر بریر و پیر بلانشر، ایران: انقلاب به نام خدا، برگردان: قاسم صنوبری.

۱۵. مازندی، یوسف، ایران، ابرقدرت قرن، به کوشش: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر البرز، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۱۶. مدنی، سید جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.

۱۷. مدنی، سید جلال الدین، تبلور اسلام در برابر ابرقدرت ها، ۱۳۵۸.

۱۸. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد و مدارک، ج ۱، ۱۳۷۸.

۱۹. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات صدرا.

۲۰. ملکی، خلیل، خاطرات سیاسی، با مقدمه همایون کاتوزیان، تهران، رواق، ۱۳۶۰.

۲۱. منصوری، جواد، قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، ج ۱، مرکز انتشارات اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.

۲۲. موسسه نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، مجموعه مقالات، جلد ۱، کنگره بررسی تأثیر امام خمینی رحمه الله و انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر، تهران، ۱۳۷۷.

۲۳. نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، موسسه فرهنگی رسا، چاپ سوم، ۱۳۷۱.

۲۴. نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه صنعتی شریف، انقلاب پویا (سخنان مقام معظم رهبری در جمع اعضای دبیرخانه همایش آسیب شناسی یک انقلاب ۱۵/۱۲/۱۳۷۷)، ۱۳۷۷.

۲۵. نهضت آزادی، اسناد نهضت آزادی، ج ۱، تهران، ۱۳۶۲.

۲۶. هاشمی، تروجنی و حمید بصیرت منش، تاریخ معاصر ایران از دیدگاه امام خمینی، ستاد بزرگداشت صدمین سال تولد امام خمینی رحمه الله، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

ب) نشریه ها

۱. روزنامه اطلاعات، سال های ۱۳۴۱ _ ۱۳۴۳.

۲. روزنامه کیهان، سال های ۱۳۴۱ _ ۱۳۴۳.

۳. مجله فصل نامه تاریخی، سیاسی و فرهنگی پانزده خرداد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره ۲۵.

۴. هفته نامه پیام انقلاب، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شماره های ۳۳ و ۵۷.

۵. هفته نامه سروش، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، شماره های ۱۰۰، ۱۴۰ و ۲۴۰.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹